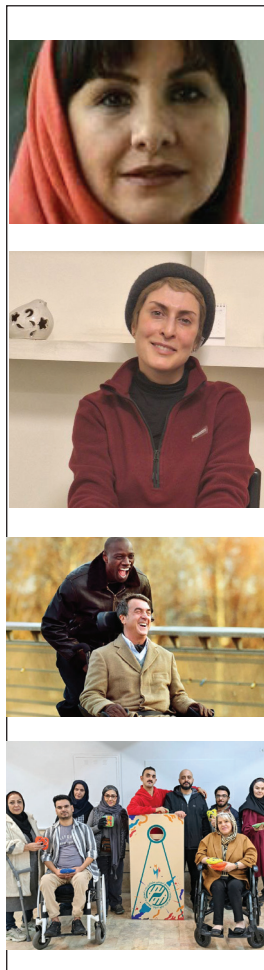


توان‌یاب

سال بیست و چهارم، شماره ۹۳
(زمستان ۱۴۰۳)

۲	سرمقاله
۳	به امید ماندگاری جشنواره ارغوان — رضوان سرمد
۸	جشنواره ارغوان نهال کوچکی است که می‌تواند تنومند شود — فائزه تهرانی
۱۰	امیدوارم سال‌های بعد شاهد جشنواره‌ای گسترده‌تر و تاثیرگذارتر باشیم — فرزاد توحیدی
۱۲	بعضی از مستندها بسیار شاخص و قابل توجه بودند — دکتر نوح منوری
۱۵	هدف جشنواره پرواز، فرهنگسازی در حوزه معلولیت است — دکتر فتنه امیری
۱۹	ماهیم کودکان دیروزیم فاطمه کنهانی — زمزمه
۲۰	نقش رسانه در خلق تصاویر معلولیت — مقاله
۲۴	تاثیر تثاتر در افزایش اعتماد به نفس افراد دارای معلولیت — بهناز جعفری
۲۷	قصد داشتم نمونه‌ای برای جلب اعتماد مراکز دولتی نسبت به افراد دارای معلولیت باشم — چهره موفق
۳۰	در رعد فهمیدم با معلولیت هم می‌توان زندگی موفق داشت — یک روز در کلاس
۳۲	دومین دانشگاه در جهان با محوریت ناشنوایان هستیم — سازمان مردم‌نهاد
۳۶	من کدا هستم — مریم جوانمرد
۴۰	مینا نصر — خانواده
۴۳	مشاهیر دارای معلولیت — دیویدرایت
۴۴	دلنوشته — عظیمه ایرانیور
۴۶	مهم‌ترین خواص سیب — سلامت
۴۷	قدرت تمرکز بر خود — سلامت
۴۸	سیمای معلولیت در سینما — معرفی کتاب
۴۹	در رعد چه خبر؟



صاحب امتیاز:
مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد
مدیر مسئول:
دکتر قاسم صالح‌خو
سرپرست:
دکتر مریم رسولیان
شورای سیاست‌گذاری:
صدیقه اکبری، محمود توسلی،
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،
آنت میناسیان، محمدرضا دشتی
دبیر تحریریه:
هاله باستانی
مدیر اجرایی:
رضا سخن‌سنج
همکاران این شماره:
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،
نازنین رحیم‌زاده
گرافیک: پرویز مقدم
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی
صفحه‌آرایی: سمانه فطرس
عکاس: نگین موسوی پورمهرام
ویراستار انگلیسی: مهرآه عمرانی
مترجم انگلیسی: محمدطاهای عیسی‌پور
نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب
فاز ۲، خیابان هرمان، خیابان پیروزان
جنوبی، پلاک ۷۴
کد پستی: ۱۴۶۶۶۴۳۷۱
صندوق پستی: ۱۴۴-۱۴۶۶۵
شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶
نمابر: ۸۸۰۷۶۳۲۶
info@raad-charity.org
www.raad-charity.org

توان‌یاب از دریافت مقالات و دیدگاه‌های صاحب نظران استقبال می‌کند. مقالات ترجمه شده همراه با کپی اصل مقاله ارسال شود. مقالات ارسالی پس فرستاده نمی‌شود. توان‌یاب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است
توضیح: نشریه توان‌یاب به علت مشکلاتی که در شروع اپیدمی بیماری کرونا با آن روبرو شد نتوانست طبق روال قبلی منتشر شود و شماره بهار و تابستان در یک شماره به چاپ می‌رسد.



بر اساس آمارهای بین‌المللی، حدود ده تا دوازده درصد از جمعیت جهان را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهند. این تعداد در کشور ما که جنگ هشت ساله‌ای را از سرگذرانده قطعاً بیشتر است. جای تعجب است که در سال‌های بعد از جنگ و حتی در بازسازی‌ها، توجه قابل قبولی به مناسب سازی‌های فیزیکی در شهرها و روستاها صورت نگرفت. دامنه این بی‌توجهی به این حوزه‌ها محدود نماند و در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگ‌سازی برای پذیرش و مشارکت افراد دارای معلولیت در جامعه و در موقعیت‌های اجتماعی نیز کاستی‌ها فراوان است؛ کاستی‌هایی که به دور شدن این افراد از جامعه و در انزوا قرار گرفتنشان منجر می‌شود. این‌جاست که برگزاری رویدادهایی چون جشنواره پرواز و جشنواره ارغوان که با هدف فرهنگ‌سازی برای دیده شدن افرادی که با وجود معلولیت، کار و زندگی معمول خود را دارند، اهمیت پیدا می‌کند.

جشنواره بین‌المللی پرواز، از سال ۱۳۹۴ توسط دکتر فثانه امیری، فعال مدنی، مدیر و مدرس حوزه‌های مختلف مرتبط با معلولیت و با هدف فرهنگ‌سازی در این خصوص راه‌اندازی شد. هدف این جشنواره که ششمین دوره آن با حضور صد و بیست کشور و ۲۳۶۰ فیلم مستند در سال جاری برگزار شد، به بیان مسائل و چالش‌ها زندگی افراد دارای معلولیت و توانمندی‌های آن‌ها از دریچه هنر سینما پرداخت. در این جشنواره آثار متعددی در قالب فیلم مستند و داستانی، فیلم‌نامه و انیمیشن برای داوران حرفه‌ای و مطرح در ایران و جهان، به دبیرخانه جشنواره فرستاده شد و مورد داوری قرار گرفت. جشنواره ارغوان هم که از سوی انجمن مستندسازان و با دبیری خانم رضوان سرمد و همراهی خانم فریده صارمی و همکاری موثر موسسه رعد و و مدیر عامل این موسسه، خانم آنت میناسیان، در سال ۱۴۰۳ برگزار شد، به نمایش و داوری مستندهای هفت دقیقه‌ای (با موبایل)، ساخته شده به وسیله خود افراد دارای معلولیت و یا در مورد زندگی و کار آن‌ها، اختصاص یافت.

این جشنواره شامل دو بخش؛ "خودنگار" و "از نگاه دیگری" بود. مستندهای بخش "خودنگار" توسط افراد دارای معلولیت و بخش "از نگاه دیگری" توسط افرادی با موضوع معلولیت، ساخته شده بودند. فراخوان جشنواره به طور گسترده، از طریق فضای مجازی و غیرمجازی، منتشر و اطلاع‌رسانی شد. در جشنواره ارغوان شرکت‌کنندگانی دارای انواع معلولیت مانند نابینایی، ناشنوایی و دارای معلولیت جسمی حرکتی‌ها و خانواده اوتیسم حضور داشتند. برای کارآموزان رعد دو کارگاه آموزشی برگزار شد و در نهایت ۴۵ فیلم از ۵۵ مستند دریافتی انتخاب و به ده مستند منتخب لوح تقدیر اهدا شد. به امید ادامه‌دار بودن چنین جشنواره‌ها و رویدادهایی در سال‌های پیش‌رو.





دبیر جشنواره ارغوان؛

جشنواره ارغوان که از طرف انجمن مستندسازان ایران و با همت خانم‌ها؛ رضوان سرمد، فریده صارمی، آنت میناسیان (مدیرعامل رعد) در سال گذشته برگزار شد، به ساخت مستندهای هفت دقیقه‌ای با موبایل اختصاص یافت. جشنواره شامل دو بخش؛ "خودنگار" و "از نگاه دیگری" بود. بخش "خودنگار" توسط افراد دارای معلولیت و بخش "از نگاه دیگری" توسط افرادی با موضوع معلولیت، تهیه شده بود. با رضوان سرمد، مدیر جشنواره ارغوان در خصوص ویژگی‌ها، اهداف و چشم‌انداز این جشنواره به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

امیدوارم این جشنواره، ادامه داشته باشد

لطفا در ابتدا خود را معرفی کرده و بگویید چگونه به فکر راه اندازی جشنواره‌ای در حوزه افراد دارای معلولیت افتادید؟

رضوان سرمد، مستندساز و دبیر جشنواره ارغوان هستم.

من قبل از آشنایی با دوستی که بر اثر حادثه، دچار ضایعه نخاعی شده بود، هیچوقت با افرادی که معلولیت داشتند مواجه نشده بودم. اولین مواجهه من با جامعه افراد دارای معلولیت به زمانی که با یک خانم دچار ضایعه نخاعی آشنا شدم، برمی‌گردد. این آشنایی که به تدریج به یک دوستی عمیق میان ما منجر شد، باعث شناخت من از مسایل و مشکلاتی که او در زندگی روزمره با آن روبه‌رو هست شد. روزی که قرار بود برای اولین بار به منزل ما بیاید، استرس چگونگی برخورد

هدف ما، برگزاری یک جشنواره حرفه‌ای نبود، هدفمان آشنایی بیشتر افراد با حوزه معلولیت و جوایز هم بهانه‌ای بود برای ساختن فیلم

مناسب با او را داشتم. نمی‌دانستم باید چکار کنم تا او با ویلچرش در خانه ما راحت باشد. بخشی از این استرس به دلیل ناآگاهی من از شرایط زیست او و بخشی هم به مشکلات او در زندگی روزمره با ویلچر برمی‌گشت. قبل از این آشنایی، نمی‌دانستم که اگر در خیابان با یک اختلاف سطح دوسانته روبه‌رو

شود، ممکن است از روی ویلچر پرت شده و آسیب ببیند. وقتی او چنین ماجراجویی که برایش اتفاق افتاده بود را تعریف کرد، روی مسیرهای رفت و آمد در شهر حساس شدم و متوجه موانع فراوانی که در خیابان‌های شهر برای عبور و مرور ساده وجود دارد شدم. یکی از مشکلات او، اجاره منزل مسکونی مناسب بود. مشاوران املاک با وجودی که می‌دانستند با ویلچر حرکت می‌کند، خانه‌هایی را که یک یا دو پله داشت را به او معرفی می‌کردند. وقتی که به داشتن پله اعتراض می‌کرد با تعجب می‌گفتند؛ یعنی از این دو پله هم نمی‌توانی رد شوی؟

از دیگر مسایلی که آزارش می‌داد، آشنا نبودن مردم با موضوع معلولیت بود و اینکه در مواجهه با شرایط جسمانی او، آرزوی خوب شدن برایش



که لحظه‌های خاصی از رویاری افراد با کرونا را به ثبت رساند. با این پیش زمینه بود که به فکر ثبت دغدغه‌های افراد دارای معلولیت از طرف خودشان افتادم.

چطور به فکر آموزش علاقمندان به این رویداد افتادید؟

از همان اول که تصمیم به برگزاری جشنواره ارغوان گرفتم می‌دانستم که با جامعه‌ای که از امکانات، مزایا و تحصیلات بالایی برخوردار نبوده روبه‌رو هستیم. پس به فکر ارائه آموزش‌های ساده، به علاقمندان برای ثبت قسمتی از دغدغه‌های زندگیشان افتادیم. دوست داشتیم که حداقل ۲۰ فیلم به دستمان می‌رسد. در جشنواره "کرونا و من" با این محدودیت‌ها روبه‌رو نبودیم. فراخوان دادیم و چون همه‌جور افرادی می‌توانستند در آن شرکت کنند، ویدئوهای بسیاری به دستمان رسید. خیلی از شرکت‌کنندگان؛ عکاس، گرافیست و یا در یک زمینه هنری سابقه‌دار و به نوعی در جامعه حضور داشتند. در صورتی که بسیاری از افراد دارای معلولیت با جامعه ارتباط کمتری داشته و در انزوا به سر می‌برند. قبل از راه‌اندازی جشنواره ارغوان، ایده برگزاری کلاس‌های مستندسازی برای آموزش کارآموزان را با مدیرعامل رعد در میان گذاشته‌بودم ولی وقتی ایده

قصده داریم در اوایل سال آینده فراخوان دومین جشنواره ارغوان را اعلام و جشنواره را در پاییز سال آینده برگزار کنیم

فرد، شاید به اندازه کافی اثرگذار نباشد.

ویژگی منحصر به فرد و مهمی که در جشنواره ارغوان دنبال کردید به کار گرفتن افرادی که معلولیت داشتند به عنوان یک عنصر فعال و نه منفعل در بازنمایی زندگی خودشان و با کمترین هزینه بود. چطور به این نگاه و رویکرد رسیدید؟

مشابه چنین تجربه‌ای را در انجمن مستندسازان، در دوران کرونا انجام داده بودیم. در جشنواره "کرونا و من" قرار بود افراد با گوشی‌های موبایل، ویدیوهای کوتاهی از تجربه خود در دوران کرونا، با هدف ثبت زیست متفاوت در این دوران را بسازند. حدود صد فیلم حتی از خارج از کشور به دست ما رسید

می‌کردند! او در جواب می‌گفت؛ مگر کسی که دستش قطع شده ممکن است دوباره دست در بیاورد که قطعی نخاع من خوب شود؟! پس از مدتی معاشرت، با وجود آشنایی بیشتر با موانع و مشکلات پیش رویش، دیگر معلولیت او را نمی‌دیدم و فقط شخصیت و ویژگی‌های منحصر به فردش برایم برجسته شده بود. آنجا بود که فهمیدم معاشرت و دیده شدن این افراد، به پذیرفته شدن آنها از طرف مردم جامعه کمک می‌کند. فکر کردم اگر تعداد بیشتری از مردم به اندازه من، نسبت به این افراد حساس شوند، شاید کم‌کم شهر جای بهتری برای زندگی افراد با هر نوع محدودیتی شود.

پس به فکر مستندسازی برای افزایش اطلاعات عمومی نسبت به زندگی این افراد افتادید؟

بله. به دنبال راهی بودم که افراد دارای معلولیت که طبق آمار حدود دوازده درصد از جمعیت هستند، بیشتر دیده شوند. این افراد بشمارند ولی به دلیل نبودن شرایط مناسب زیستی، امکان حضور در جامعه را نداشته و همین انزواگزی مشکلات آنها را بیشتر هم می‌کند.

اول به فکر ساختن مستندی از زندگی دوستم که شخصیت بسیار جذابی هم داشت افتادم ولی بعد فکر کردم ساختن یک مستند از یک



برگزاری جشنواره ارغوان به ذهنم رسید، لزوم آموزش اولیه برای ترغیب کارآموزان به شرکت در این رویداد ضروری شد. آموزش شروع شد، گسترش پیدا کرد و حتی برای دانشگاه فرشتگان هم که مختص دانشجویان کم شنوا و ناشنوا هست هم کارگاه‌های آموزشی را برگزار کردیم.

نتیجه این آموزش‌ها را چگونه برآورد می‌کنید؟

نتیجه خیلی خوب بود و بازخورد خوبی گرفتیم. بطوری که بیشتر جوایز را بچه‌هایی که در کارگاه‌های آموزشی شرکت کرده بودند، دریافت نمودند. اول قرار بود فقط یک کارگاه برگزار کنیم ولی چون استقبال زیاد شد، دو کارگاه برگزار کردیم. بعد از ابراز تمایل دانشگاه فرشتگان که مخصوص افراد کم شنوا و ناشنوا هست، برای آنها هم دو کارگاه آموزشی برگزار نمودیم. کارگاه آموزشی برای افراد ناشنوا و کم شنوا در دانشگاه فرشتگان، تجربه بسیار دشوار و جدیدی برای من بود. چون کلاس‌های آموزشی با حضور مترجم ناشنویان برگزار می‌شد، بچه‌ها بیشتر به مترجم نگاه می‌کردند تا به من و نمی‌توانستم آنطور که لازم بود با آنان ارتباط برقرار کنم. ولی حتی این کارگاه‌ها هم جواب داد و چندین شرکت‌کننده ناشنوا از خودشان فیلم ساختند. حتی یکی از فیلم‌ها که توسط یک دختر کم شنوا از یک فرد ناشنوا ساخته شده بود، جزو برگزیدگان شد. چند فیلم هم توسط اساتید دانشگاه فرشتگان ساخته شد. فیلم خانم سحر مختاری از اساتید این دانشگاه، یکی از شش فیلم برگزیده بود که جایزه گرفت.

چگونه اطلاع‌رسانی کردید و آموزش‌ها از چه طریقی بود؟

به طور گسترده و از طریق فضای مجازی و غیر مجازی فراخوان داده و اطلاع‌رسانی کردیم. همه افرادی که در این رویداد شرکت کردند،

بایک جست‌وجوی ساده می‌توان به سایت جشنواره ارغوان دسترسی پیدا کرد

بود که مرتب از خارج از کشور به او زنگ می‌زدند و بکن و نکن می‌کرد. یکی از بچه‌ها مخاطبش را افرادی که بدون توجه به سن و توانایی‌هایش، مثل کودکان با او حرف می‌زدند بود. روی هر کدام از این موضوعات ریز شده و در موردشان گفت‌وگو می‌کردیم. مثلاً به فردی که از برخورد دایی‌اش شاکی بود، پیشنهاد ساخت فیلمی از خودش و از توانایی‌هایش و اینکه می‌خواهد مستقل زندگی کند را دادم. یا اگر مخاطب کسی، نهادهای شهری و دولتی بودند، به آنها پیشنهاد ساختن فیلم در مورد قصور آنها در انجام وظیفه نسبت به شهروندانی که معلولیت دارند بود. یا اگر مخاطب، مادرش بود که او را مرتب پیش رمال و دعانویس می‌برد، پیشنهاد ساختن فیلمی را که نشان دهنده پذیرش معلولیت و شرایط جسمی از طرف او هست بود. در کارگاه، شیوه‌های کلی مستندسازی و تکنیک‌های ساده فیلم‌برداری با گوشی موبایل را به آنها یاد می‌دادم. مثلاً اینکه؛ رو به نور فیلم بگیرند، صداهای محیط مثل صدای تلویزیون و یخچال را قطع کنند، یا اینکه کادر فیلم‌برداریشان، باید حتماً افقی باشد نه عمودی. یک ویدیو آموزشی هم برای تدوین فیلم در اختیارشان گذاشتم. بچه‌ها فیلم‌هایی که تهیه می‌کردند را برای من می‌فرستادند تا ببینم و اشکالاتشان را بگویم. گاهی یک فیلم چندین بار می‌رفت و می‌آمد تا نهایی شود.

این پروسه چه زمانی طول کشید؟

از زمان شروع آموزش‌ها تا برگزاری جشنواره تقریباً سه ماه طول کشید. فراخوان را از بهمن سال ۱۴۰۲ و اختتامیه جشنواره را در خرداد ۱۴۰۳ برگزار کردیم. دو کلاس چهار ساعته پانزده نفری داشتیم. از طریق رعد و کانال‌های مختلف و چندین بلاگر، اطلاع‌رسانی کردیم. حتی از مناطق دورافتاده مثل روستاهای کهکیلویه و بویر احمد

از کارآموزان رعد نبودند. ما از انواع معلولیت‌ها مثل؛ نابینایان، ناشنویان و حتی خانواده اوتیسم هم شرکت‌کننده داشتیم. برای کارآموزان رعد دو کارگاه آموزشی برگزار کردیم ولی هیچ‌کدام از متقاضیان شرکت در جشنواره که از سراسر کشور تماس می‌گرفتند را هم رها نکردیم. شماره موبایل را در سایت انجمن قرار دادم و با تک‌تک متقاضیان در تماس بوده و به همه سوالات افرادی که با من تماس می‌گرفتند، پاسخ می‌دادم و مراحل کارشان را پیگیری می‌کردم.

تمرکز آموزش در کارگاه‌ها بر چه مواردی بود؟

آموزش‌ها، بر ایده‌پردازی متمرکز بود. یک‌سری سوال برای فعال کردن ذهن بچه‌ها مثل اینکه؛ چرا باید فیلم بسازند؟ ساختن فیلم چه اثراتی در روحیه خودشان و اطرافیانشان خواهد داشت؟ چه ضرورتی برای برگزاری چنین جشنواره‌ای احساس می‌کنند و مطرح شد. بعد از جواب به این سوالات و بیان نظراتشان، در مورد موضوعاتی که دوست داشتند به آن بپردازند گفت‌وگو کردیم. از آنها خواستم لیستی از این موضوعات را تهیه کرده و به اینکه مخاطبینشان چه کسانی هستند هم فکر کنند. این کاری است که در مستندسازی حرفه‌ای هم انجام می‌دهیم. مخاطب یکی از بچه‌ها، داییش



و مهاباد هم با ما تماس گرفتند که نشان می‌داد که این خبر به خوبی پخش شده است. شماره‌ام را روی سایت انجمن مستندسازان گذاشتم و هر کسی که یک بار با من تماس می‌گرفت، رهایش نمی‌کردم چون می‌دانستم اگر پیگیری نکنم، ممکن است انگیزه خود را از دست بدهد. سعی کردیم همه جای کشور را پوشش دهیم و از شهرهایی مثل؛ اهواز، اصفهان، مشهد و روستاهای مختلف هم شرکت کننده داشتیم.

افرادی که در جشنواره شرکت می‌کردند حتما باید با گوشی موبایل فیلم‌برداری می‌کردند؟

تاکیدی بر فیلم‌برداری از طریق گوشی موبایل نبود، برای راحتی کار و در دسترس نبودن ابزار حرفه‌ای، ساختن فیلم با موبایل را پیشنهاد و آموزش دادیم. اما اگر کسی می‌توانست با دوربین‌های دیگری هم فیلم بسازد، ایرادی نداشت. من فقط به اطلاع‌رسانی از طریق رعد اکتفا نکردم، خودم به یک‌سری از مکان‌ها مثل؛ دانشگاه فرشتگان، مدرسه‌ای مخصوص افراد اوتیسمی، یک هنرستان پسرانه ناشنوایان مراجعه کردم و تیزر جشنواره را برایشان فرستادم.

آیا با انجمن‌های مربوط به حوزه معلولیت هم تماس گرفتید؟

علت این که اطلاع‌رسانی را از طریق مجتمع رعد انجام دادیم این بود که رعد با انجمن‌های مختلف حوزه معلولان در ارتباط بود و می‌توانست ما را با انجمن‌های دیگر مرتبط کند. البته با "جامعه معلولین ایران" هم شخصا ارتباط گرفته و در جلسه‌ای در مورد جشنواره اطلاع‌رسانی کردم. اتفاقا خانمی از جامعه معلولین ایران در کارگاه آموزشی شرکت کرد و فیلم ساخت. علاوه بر این، با چند نفر از بلاگرها، مجریان

هدف من این است که تا جای ممکن این فیلم‌ها دیده شوند تا بتوانیم برای جشنواره بعدی حامی پیدا کنیم

سایر معلولیت‌ها متفاوت است و لازم است فردی با آشنایی با این حوزه هم در زمره داوران قرار بگیرد. فردی که خودش ناشنوا بود، استاد زبان اشاره هم بود و فیلم‌های ناشنوایان را برای داوران توضیح می‌داد هم به ما اضافه شد. در نهایت ۴۵ فیلم انتخاب و در سایت هاشور بصورت آنلاین به نمایش درآمد.

چه بازخوردی از برگزاری این جشنواره گرفتید؟

در همان روز اولی که فیلم‌ها در سایت هاشور به نمایش درآمد، از طرف هاشور تماس گرفتند و درخواست تیزرهای بیشتری برای تبلیغ جشنواره کردند. به گفته آنها از نظر میزان بازدید، استقبال به حدی بود که شاید قابل مقایسه با جشنواره حقیقت باشد! به دلیل استقبال زیاد، مدیران سایت هاشور تصمیم گرفتند، نمایش‌ها را که قرار بود یک هفته روی سایت هاشور باشد، تا یک ماه هم ادامه دهند. این فیلم‌ها ۴ هزار بار دیده و ۶ هزار بازخورد گرفتیم.

در مورد جوایز هم بگویید:

رقابت و داوری در جشنواره ارغوان در دو بخش؛ "خود نگار" و "از نگاه دیگری" دنبال شد و به هر کدام از این دو بخش، سه جایزه تعلق گرفت. یک جایزه از طرف انجمن مستندسازان، یک جایزه مردمی و یک جایزه داوری. جایزه انجمن، با هدف دیده‌شدن فیلم‌ها توسط جامعه مستندسازان برای بیشتر آشنا شدن آنها با حوزه معلولیت بود. بعد از فراخوان در بین گروه‌های انجمن، هفت نفر از مستندسازان داوطلب شدند که بعد از دیدن ۴۵ فیلم ارائه شده، جوایز خود را در دو بخش "خود نگار" و "از نگاه دیگری" اعلام نمایند. در جایزه مردمی هم بر

ورزشی و بازیگر، که فالورهای زیادی داشتند، تماس گرفته و تیزر خود را در اختیارشان گذاشتیم تا در صفحات مجازی خود پخش کنند. همین باعث شد که اطلاع‌رسانی بطور گسترده‌ای انجام گرفت.

فیلم‌ها چگونه انتخاب شدند و داوران چه کسانی بودند؟

انتخاب فیلم‌ها توسط من و فریده صارمی و با مشورت با آقای محمدرضا دشتی، کارشناس روابط عمومی رعد انجام گرفت. حدود ۵۵ فیلم به دست ما رسید که ۴۵ تا از آنها را انتخاب و ۱۰ تا که فیلم‌های خوبی نبودند را کنار گذاشتیم. هیچکدام از فیلم‌هایی که توسط افراد دارای معلولیت ساخته شد را کنار نگذاشتیم، چون معتقد بودیم که هرچیزی که از طرف این افراد تهیه شود، مهم و قابل بررسی است. ترکیب داوران از اول قرار بود، سه نفر مستندساز و دو نفر از جامعه معلولان به انتخاب رعد باشند ولی جلوتر که آمدیم قرار شد که دو نفر دیگر را هم خودم انتخاب کنم. از دکتر نوح منوری، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، خانم دکتر آذر که مدرسه‌ای برای افراد دارای معلولیت دارد و از سه مستند ساز حرفه‌ای؛ خانم مهوش شیخ‌الاسلام و آقایان سعید رشتیان و فرزاد توحیدی بعنوان داور دعوت کردیم. متوجه شدیم که فرهنگ ناشنوایان با

استفاده کنیم، هزینه‌هایمان چند برابر می‌شود. ما نیاز به کمک افراد حرفه‌ای داریم و همه این پروسه نیاز به اسپانسر و کمک مالی دارد. برای جشنواره سال آینده، صحبت‌های اولیه با مجموعه رعد انجام شده ولی نیاز به اسپانسر داریم که هزینه جوايز و هزینه‌های جشنواره را تامین کند. در جشنواره اول بانک شهر اسپانسر ما شد. باید ببینیم برای دوره بعد هم می‌توانیم چنین اسپانسرهایی پیدا کنیم یا نه.

در مجموع از روال کار جشنواره ارغوان راضی هستید و به آنچه در انتظارش بودید رسیدید؟

بله واقعا. شروع بسیار خوبی بود و به تمام اهدافی که از برگزاری جشنواره داشتیم رسیدیم. به این فکر هستم که ده فیلم برتر را بصورت یک مجموعه فشرده تهیه کرده تا در دسترس همگان باشد. در چندین مکان خصوصی ده فیلم برگزیده را به نمایش گذاشتیم که بازخورد بسیار خوبی داشت. هدف من این است که تا جای ممکن این فیلم‌ها دیده شوند تا بتوانیم برای جشنواره بعدی حامی پیدا کنیم. در صورتی که قرار بر ادامه جشنواره ارغوان در سال‌های آتی باشیم، نیاز به یک دبیرخانه دائم داریم.

سخن آخر:

من از افراد علاقه‌مند و فعال در حوزه معلولیت دارند و کسانی که دغدغه فرهنگ‌سازی در این زمینه دارند، دعوت به همکاری دارم. سایت جشنواره ارغوان راه‌اندازی شده که دوستان با یک جست‌وجوی ساده می‌توانند به این سایت دسترسی پیدا کنند. در سایت، گزینه باشگاه ارغوان را داریم که افراد، هم می‌توانند عضو باشگاه شوند و هم در صورت تمایل، همکاری داوطلبانه و کمک مالی کنند و هم در جریان اخبار جشنواره قرار گرفته و فراخوان‌ها و تیزرهای جشنواره را دریافت کنند.

شروع بسیار خوبی بود و به تمام اهدافی که از برگزاری جشنواره داشتیم رسیدیم. به این فکر هستم که ده فیلم برتر را بصورت یک مجموعه فشرده تهیه کرده تا در دسترس همگان باشد

این جشنواره هم مانند سایر جشنواره‌ها ادامه پیدا کند. امیدوارم که بتوانیم با پیدا کردن حامی، جشنواره را دوباره برگزار کنیم. قصد داریم در اوایل سال آینده فراخوان دومین جشنواره ارغوان را اعلام و جشنواره را در پاییز سال آینده برگزار کنیم. در سال گذشته همه کارها بطور داوطلبانه انجام شد و اینطور نبود که فراخوان دهیم و فیلم‌ها فرستاده شود. من مداوم پیگیری می‌کردم، در مراکز مختلف جلسه برگزار می‌کردم و با بچه‌ها در تماس بودم و آموزش می‌دادم. یک کار تمام وقت بود که حداقل شش ماه من را درگیر خود کرد. برای اطلاع‌رسانی، چند تیزر ساختیم که در تیزر نهایی، افرادی مثل؛ خانم احترام برومند و آقای جواد یحیوی و چند بازیگر بطور داوطلبانه بدون پرداخت هیچگونه دستمزدی همکاری کردند. خانم فریده صارمی هم که انجام کارهای بسیاری را برعهده داشت، بدون هیچ دستمزدی همکاری کرد. ولی این اتفاق اگر قرار باشد ادامه پیدا کند، باید زمینه‌سازی برای حرفه‌ای شدن آن صورت بگیرد و از حالت داوطلبانه بودن خارج شود. اگر قرار باشد این فعالیت ادامه پیدا کند، باید با تقسیم کار و دعوت به همکاری از افراد حرفه‌ای، دستمزد هم پرداخت شود. گاهی اگر از افراد غیرحرفه‌ای

مبنای فرمولی که سایت هاشور از قبل داشت، بهترین‌ها انتخاب شدند. هدف این بود که به بهانه جایزه مردمی، بچه‌ها برای فیلم‌های خودشان تبلیغ کنند تا بیشتر دیده شوند. در مورد جایزه مردمی، هیچ دخالتی در انتخاب نداشتیم. سایت هاشور بر اساس تعداد بازدید، تعداد کامنت و تعداد لایک‌هایی که هر فیلم گرفته بود، فیلمی که بیشترین امتیاز داشت را معرفی کرد. هدف ما، برگزاری یک جشنواره حرفه‌ای نبود، هدفمان آشنایی بیشتر با حوزه معلولیت و جوايز بهانه‌ای برای ساختن فیلم از طرف متقاضیان بود.

به همین دلیل تصمیم گرفتیم علاوه بر شش فیلمی که جایزه می‌گیرد، ده فیلم را هم مورد تقدیر قرار داده و به سازندگان تقدیرنامه بدهیم. جوايز هیات داوری و جایزه مردمی، پانزده میلیون تومان بود و جایزه انجمن مستند سازان را هم که هاشور تقبل کرد، یک دستگاه با ارزش بود.

در ضمن، خانم میناسیان ۱۵ میلیون تومان از طرف رعد به یکی از کارآموزان، حسن دربندی، که برای برگزاری جشنواره خیلی هيجان داشت و با وجود معلولیت شدید، فیلم ساخته بود پرداخت کرد. فیلم او جزو ده فیلم برتر انتخاب شد اما جایزه نگرفته بود و خانم میناسیان از طرف رعد این جایزه را به او اختصاص داد. من هم از طرف خودم به عنوان دبیر جشنواره، یک گوشی موبایل را به فاطمه نسیمی که معلولیت شدیدی داشت و از روستایی دورافتاده یک فیلم چند دقیقه‌ای را تهیه کرده بود هدیه کردم. با او یک پروسه طولانی را طی کردیم تا او بتواند فیلمش را بسازد.

برنامه آینده شما چیست؟ آیا جشنواره ارغوان تکرار خواهد شد؟
خواست قلبی ما این است که



فائزه حاتم تهرانی از سال ۱۴۰۰ همکاری خود را با موسسه رعد آغاز کرد. او که از همکاران برگزاری جشنواره ارغوان در سال گذشته است، به تلاش رعد در معرفی فعالیت‌ها و اهدافش از طریق شبکه‌هایی چون اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی، برای شناخته شدن بیشتر، اشاره می‌کند. با او در مورد جشنواره ارغوان به گفت‌وگو نشستیم.



فائزه تهرانی، مسئول شبکه‌های اجتماعی رعد؛

جشنواره ارغوان نهال کوچکی است که می‌تواند تنومند شود

در مورد جشنواره ارغوان و اینکه با چه هدفی برگزار شد، بگویید:

پایه اولیه جشنواره ارغوان در رعد، توسط خانم رضوان سرمد که دبیر جشنواره و عضو انجمن مستندسازان هستند گذاشته شد. ایشان به واسطه دوستی قدیمی که در اثر حادثه دچار معلولیت شده بود، به این حوزه و چالش‌های زندگی این افراد و موضوع زیست روزمره آنها علاقمند شد و ساخت مستندهایی با موضوع معلولیت را در قالب جشنواره ارغوان را به خانم میناسیان پیشنهاد کرد. بعد از موافقت ایشان، اطلاع رسانی و فراخوانی در سطح وسیع از افرادی با انواع معلولیت‌ها از جمله؛ معلولیت‌های جسمی حرکتی، نابینایی، ناشنوایی و حتی معلولیت‌های ذهنی شروع شد و با پیگیری‌های مداوم دبیر جشنواره، فیلم‌هایی به دستمان رسید. این جشنواره، جشنواره‌ای حرفه‌ای نبود و قرار شد که علاقمندان با گوشی موبایل، مستندهای کوتاهی از زندگی

قرار بود به تکنیک‌های تخصصی فیلم‌سازی توجه نشود تا افراد با هر نوع مهارتی، بتوانند فیلم بسازند

آیا بازخوردی از فعالیت‌های جدیدتان در رعد دارید؟

با بارگذاری نموداری در سایت اینستاگرام برای ارزیابی افرادی که وارد صفحه رعد می‌شوند، متوجه افزایش میزان بازدیدها از این صفحه نسبت به سال‌های گذشته شده‌ایم. از طریق همین آشنایی، افراد زیادی با خدمات رعد آشنا و بعد از مراجعه، پذیرش شده و به بخش اشتغال و کاریابی معرفی شدند.

خودتان را معرفی و از سابقه آشنایی و همکاری خود با رعد بگویید؟

فائزه حاتم تهرانی هستم. من از سال ۱۴۰۰ همکاری را با موسسه رعد آغاز نمودم. مدتی با واحد آموزش و پس از راه‌اندازی بخش مارکتینگ یا بازاریابی توسط خانم میناسیان، به عنوان مسئول این واحد و مسئول شبکه‌های اجتماعی همکاری را با رعد ادامه دادم. از آنجا که رشته تخصصی خانم میناسیان، بازاریابی است، ایشان تلاش دارند رعد را به عنوان یک برند در ایران معرفی کرده تا افراد دارای معلولیت بیشتری بتوانند از خدمات حضوری و آنلاین این مجموعه استفاده کنند. متأسفانه رعد با وجود سابقه‌ای طولانی، هنوز به خوبی در جامعه شناخته شده نیست. تلاش داریم از طریق شبکه‌هایی چون اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی، فعالیت‌ها و اهداف رعد را در سطح وسیع‌تری معرفی کنیم.



شما خودتان هم در جشنواره ارغوان با یک مستند شرکت کردید. در این باره هم بگویید؟

من فیلمی با عنوان ۱۸۷۷ در مورد یکی از کارآموزان رعد به نام بابک بهروزان برای جشنواره ارغوان ساختم. پدرم مستندساز است و از کودکی با حوزه مستند تا حدودی آشنا بودم. در این جشنواره که نیاز نبود حرفه‌ای مستند ساخته شود، تصمیم گرفتم با آنچه از کودکی به یاد داشتم فیلمی بسازم. بابک بهروزان از کارآموزان رعد و مبتلا به مننگوآنسفال است. روزی که او خجل و کم‌رو برای پذیرش به مجتمع رعد آمده بود، مقارن با زمانی که قرار بود تیمی برای شرکت در ماراتن به کیش بروند، شد. حضور بابک در آن روز باعث شد که وارد این مسیر و عضو تیم ماراتن رعد شود. بابک در ماراتن شرکت کرد و خط پایان را هم گذراند. بعد از آن زندگی او تغییر کرد و نگاهش به زندگی و حتی طرز حرف‌زدنش متفاوت شد. وقتی جشنواره ارغوان مطرح شد از بابک خواستم که با هم مستندی از زندگی روزمره‌اش بسازیم. شماره ۱۸۷۷، شماره پیراهن بابک در مارتن بود. خیلی از صحنه‌های فیلم را در رعد و یک روز هم در منزل او گرفتم. فیلم ۱۸۷۷ داستان زندگی بابک بهروزان ۲۴ ساله با مادرش است. او زندگی ساده و دنیای بزرگی دارد. این فیلم لوح تقدیر گرفت و برگزیده شد.

چه توصیه‌ای به دوستان دارای معلولیت دارید؟

این دوستان حرفه‌ای زیادی برای گفتن دارند و هر بخش از زندگی آنها می‌تواند موضوع یک فیلم باشد. توصیه من این است که با هر توانایی، وارد میدان شده و بدون استرس، فرازهایی از زندگی خود را به نمایش بگذارند. مستندسازی باعث دیده شدن آنها و کاهش مشکلاتشان می‌شود. شاید فیلم ساده‌ای که در یک شهرستان تهیه شده، باعث باز شدن گره‌ای از مشکلات فردی که معلولیت دارد شود.

سایت جشنواره ارغوان راه‌اندازی شده و علاقمندان می‌توانند با عضویت در سایت، اخبار مربوط به جشنواره را دنبال کنند

سایت جشنواره ارغوان به تازگی راه‌اندازی شد و علاقمندان می‌توانند با عضویت در سایت، اخبار مربوط به جشنواره را دنبال کنند. بسیاری از کسانی که مایل به شرکت در جشنواره شدند، مبتدی بودند و لازم بود آموزش‌های اولیه برای نحوه فیلمبرداری و تصویربرداری را ببینند. به همین منظور، سال قبل کارگاه‌هایی هم در مجتمع رعد هم در دانشگاه فرشتگان و هم در انجمن ضایعه نخاعی برگزار شدند. در جشنواره آینده هم قرار است کارگاه‌ها به شکل گسترده‌تری برگزار شوند.

آین آموزش‌ها توسط چه کسانی صورت گرفت؟

آموزش‌ها توسط خانم‌ها؛ رضوان سرمد و فریده صارمی که مستندساز و عضو انجمن مستندسازان هستند، انجام شد.

به نظر شما جشنواره به اهدافی که داشت، رسیده است؟

این اولین تجربه در حوزه مستندسازی و فیلم کوتاه در حوزه معلولیت بود و نمی‌توان گفت که به همه اهدافی داشتیم، رسیدیم. جشنواره ارغوان نهال کوچکی است که می‌تواند در آینده به درخت تنومندی تبدیل شود. امیدوارم تعداد و کیفیت فیلم‌هایی که در آینده ارسال خواهد شد، بیشتر شده و مسیر جشنواره هموارتر شود.

خود و یا از سایر افراد دارای معلولیت بسازند. قرار بود تاکیدی به روش‌های تخصصی فیلم‌سازی وجود نداشته باشد تا افراد با هر نوع مهارتی که داشتند، فیلم بسازند. هدف، بیان داستان و طرح موضوعاتی بود که افراد در زندگی روزمره خود با آن مواجه بودند. این مستندها با دو شیوه؛ «خودنگار» و «از نگاه دیگری» ساخته شد.

اطلاع‌رسانی چگونه صورت گرفت؟

اطلاع‌رسانی توسط سایت انجمن مستندسازان ایران شروع شد و ما هم در دفتر آموزشی، از طریق اینستاگرام رعد اطلاع‌رسانی. تعدادی از هنرمندان و بازیگران نیز با انتشار فراخوان و پخش تیزر جشنواره در صفحات اجتماعی خود، اطلاع‌رسانی کردند. باوجودی که جشنواره ارغوان امسال برای اولین بار برگزار می‌شد میزان استقبال، قابل قبول بود. در این جشنواره حدود ۵۰ فیلم به دستمان رسید که ۴۰ تای آنها داروری شدند. از میان ۴۰ فیلم، ده فیلم برگزیده و لوح تقدیر گرفت و شش فیلم هم، جایزه اصلی؛ انجمن مستندسازان، هیات داوران و نگاه مردمی را دریافت نمود.

باز خورد شما از بخش نگاه مردمی چگونه بود، آیا استقبال در خور انتظارتان بود؟

استقبال، بیشتر از انتظار بود. نزدیک به چهار هزار بار فیلم‌ها دیده شدند که آمار بسیار خوبی بود. اطلاع‌رسانی افرادی که فیلم ساختند به خانواده و نزدیکان خود برای اینکه رای بگیرند، باعث افزایش تعداد بازدیدها شد.

آیا شرکت‌کنندگان در جشنواره فقط از تهران بودند یا از شهرهای دیگر هم شرکت‌کننده داشتید؟

ما از شهرهای دیگر مثل؛ شیراز و مشهد و خوزستان شرکت‌کننده داشتیم. فیلم خانم نگین بارانی از شیراز، یکی از برگزیده‌های مردمی بود.

چه برنامه‌ای برای سال آینده دارید؟





در گفت‌وگو با فرزاد توحیدی، داور جشنواره ارغوان؛

امیدوارم در سال‌های بعد، شاهد جشنواره‌ای گسترده‌تر و تاثیرگذارتر باشیم

در مواقعی به صد هزار نفر هم می‌رسند.

هاشور در پخش مستند در جشنواره ارغوان خیلی فعال عمل کرد. این پلتفرم در جشنواره‌های دیگر هم فعال بوده‌است؟

از فعالیت‌هایی که به جز هاشور، در پلتفرم‌های دیگر تاکنون انجام نشده، میزبانی جشنواره‌های مختلف از قبیل؛ جشنواره سینما حقیقت، جشنواره فیلم کودک، جشنواره سبز، جشنواره زمین و جشنواره ارغوان است. قبلاً فیلم‌هایی که جشنواره سبز توسط سازمان محیط زیست برگزار می‌شد، با دراختیار گرفتن سالنی در هر استان و یا هر شهر در چند نوبت به نمایش در می‌آمد. ولی آخرین بار که فیلم‌های این جشنواره از طریق هاشور اکران شد، همه شهرها و روستاها توانستند همزمان، فیلم‌ها را ببینند. آن قدر استقبال زیاد بود که مجبور شدیم اکران فیلم‌ها را تا ده روز پس از اتمام جشنواره هم ادامه دهیم. مستندهای تولید شده در جشنواره ارغوان هم خیلی زیاد دیده شد.

معیار داوری، مهارت شرکت‌کنندگان در فیلم‌سازی نبود، می‌خواستیم خود بیان‌گری آنها با نگاه امیدوارانه به زندگی در تولیداتشان را ببینیم

ایران و هم در دنیا رواج یافت. هاشور، مستقل‌ترین پلتفرم در ایران و کاملاً خصوصی است.

مخاطبین هاشور چه تعدادی هستند؟

بستگی به زمان و نوع فیلم دارد. بعضی وقت‌ها به دلیل ترافیک سنگین، مجبور به اضافه کردن مقدرات فنی می‌شویم و گاهی هم خلوت‌تر می‌شود. در دوران کرونا بدلیل ماندن مردم در خانه، بازدیدها خیلی زیاد شد، ولی در مواقعی هم بازدیدها کاهش یافت. حدود سی هزار نفر مخاطب همیشگی داریم که

لطفاً خودتان را معرفی کنید و در مورد سایت هاشور بگویید؟

فرزاد توحیدی، مستندساز و یکی از مدیران سایت هاشور هستم. هاشور پلتفرمی برای نمایش فیلم و مستند است. در ابتدا کارش را با پخش فیلم مستند شروع کرد ولی امروز علاوه بر مستند، فیلم کوتاه و فیلم‌های هنر و تجربه را هم به نمایش می‌گذارد. سریال‌های نمایش خانگی در هاشور جایی ندارند. رویکرد هاشور بر مبنای نمایش فیلم‌های فرهنگی است و با نمایش فیلم‌ها سرگرمی و داستانی فاصله دارد. افراد می‌توانند با پرداخت اشتراک ماهانه، در هاشور عضو شده و از فیلم‌های موجود در سایت استفاده کنند. البته بطور تکی هم می‌شود بلیط خرید و فیلم دید. اکران آنلاین برای اولین بار در هاشور با فیلم «توران خانم» (توران میرهادی) قبل از کرونا به نمایش درآمد. این فیلم از ۲۶ تا ۲۸ خرداد ماه سال ۹۷ برای اولین بار به صورت آنلاین اکران شد. اکران آنلاین، بخشی از فعالیت‌های همیشگی هاشور است. بعد از کرونا، اکران آنلاین هم در



ارتباط شما با جشنواره ارغوان چگونه و از کجا شروع شد؟

ما با مراکز مختلفی مثل؛ انجمن صنفی کارگردان‌های مستند، انجمن صنفی تهیه‌کنندگان و انجمن صنفی مستندسازان ایران تجربه‌های مشترکی را دنبال کرده‌ایم. در این دوره خانم رضوان سرمد، دبیر جشنواره ارغوان که از اعضای انجمن مستندسازان است، پیشنهاد برگزاری جشنواره ارغوان را مطرح کردند. البته من قبلاً نیز در مجموعه هاشور موضوع معلولیت یا «افرادی با توانایی‌های متفاوت» را در همکاری مشترک سازمان بهزیستی و یونیسف، کار کرده‌بودم و همیشه نسبت به این حوزه دغدغه داشتم. برای همین از میزبانی چنین جشنواره‌ای در هاشور استقبال کرده که خوشبختانه تجربه خیلی موفقی بود.

شما در جشنواره ارغوان به عنوان یکی از داوران حضور داشتید. از بخش داورى جشنواره بگویید:

با توجه به شناختی که از قبل نسبت به موضوع معلولیت داشتم، خانم رضوان سرمد از من خواستند نقش داورى را در این جشنواره برعهده بگیرم. من با وجود این که داورى را پیرو عقیده خانم توران میرهادی که مقایسه و رقابت را محل پیشرفت افراد می‌دانستند، دوست نداشتم، ولی بالاخره قبول کردم که به عنوان یکی از داوران، در کنار خانم‌ها؛ مهوش شیخ‌الاسلامی، دکتر بهاره آذر و آقای سعید رشتیان حضور داشته‌باشم. خاطره خوبی که از جلسات داورى داشتم، حضور خانم دکتر ناشنواى از بهزیستی بود که خیلی مسلط به زبان اشاره بود و من مبهوت توانایی‌های ایشان در صحبت به این زبان بودم.

مبنای داورى شما در این فیلم‌ها چه بود؟

بیش از ۵۰ فیلم به جشنواره فرستاده شد که ۴۵ تا از آنها مورد داورى قرار گرفت. معیار داورى، مهارت شرکت‌کنندگان در فیلم‌سازی نبود، می‌خواستیم خود بیان‌گری آنها را با نگاه امیدوارانه به زندگی، در تولیداتشان ببینیم. من تجربه کار با افراد نابینا،

با پرداخت اشتراک ماهانه، می‌توان عضو هاشور شد و از فیلم‌های موجود در سایت استفاده کرد

ناشنوا، فلج مغزی و دیستروفی عضلانی را از قبل داشتم و می‌دانستم که هر کدام از این افراد در دایره محدودیت‌های خود، چقدر می‌توانند محدودیت‌ها به امکان تبدیل کنند. پس رویکرد داورى، بر چگونگی غلبه بر محدودیت‌ها و برداشتن قدمی به جلو توسط افراد دارای معلولیت بود. تاثیرگذاری بر مخاطبان در تغییر نگاهشان نسبت به توانایی‌های افراد دارای معلولیت نیز از دیگر اهداف جشنواره بود. در جشنواره دو روش برای ساخت فیلم وجود داشت؛ «خودبیانگری» و «از نگاه دیگری». به جز افراد دارای معلولیتی که از خودشان فیلم ساختند، افراد دیگری هم که خودشان معلولیت نداشتند، توانستند با موضوع معلولیت فیلم ساخته و ارسال کنند. مثلاً خانم بهناز جعفری که خودشان هنرمند هستند، از یک گروه تئاتر دارای انواع معلولیت‌ها در مرکز کهریزک فیلمی ساختند که مورد تقدیر هیأت داوران هم قرار گرفت. ولی هدف ما بیشتر بر ساختن فیلم توسط خود افراد دارای معلولیت، از دنیای خود و دغدغه‌هایشان بود. با این معیارها فیلم‌های ارسالی را انتخاب کردیم. البته سعی کردیم هر کسی که تلاش کرده و فیلمی ساخته است را مورد تقدیر قرار دهیم تا به وصیت زنده‌یاد خانم میرهادی هم عمل کرده‌باشیم.

آیا برای دور بعد هم معیار داورى همین خواهد بود؟

علاقه‌ای به داورى در دوره بعد ندارم ولی اگر داور نبودم، به داوران توصیه می‌کردم که قبل از ورود به حوزه، نسبت به دنیای افراد دارای معلولیت شناخت

کسب کرده و بدانند که این افراد فیلم‌ساز نیستند، بلکه از این فضا برای بیان خودشان استفاده می‌کنند. آرزو دارم در آینده از این جمع، کسانی حضور پیدا کنند که حرفه‌ای فیلم بسازند و با معیارهای رایج داورى شوند. امیدوارم در جشنواره بعدی با آموزش‌های بیشتر، جمع بیشتری از افراد دارای معلولیت وارد گود شده و فیلم‌های بهتری بسازند. هدف دیگر این گونه رویدادها، نقش درمانی آنهاست. وقتی شخص، اعتماد به نفس لازم برای نشان دادن گوشه‌ای از زندگی خود را پیدا کند، از نظر روانی و شخصیتی خودش هم رشد می‌کند. دنیای افراد دارای معلولیت برای عموم مردم ناشناخته است و برگزاری چنین جشنواره‌هایی به این آشنایی‌ها کمک می‌کند.

جشنواره ارغوان باید دو هدف را دنبال کند؛ یکی این که مسائل و مشکلات این افراد را به مردم نشان داده و بر لزوم خود اتکایی آنها و برخورداری از یک زندگی مستقل تاکید کند، دوم اینکه مسئولیت جامعه نسبت به فراهم آوردن بستر مناسب برای زندگی بهتر برای آنها را دنبال کند. هر گروه از گروه‌های معلولیتی، مشکلات خاص خودشان را دارند؛ نابینایان یک جور، ناشنویان طور دیگر و جسمی‌حرکتی‌ها هم بگونه‌ای دیگر با مشکلاتشان درگیر هستند. امیدوارم جشنواره ارغوان سبب خیری برای دیده شدن مشکلات فراوان این افراد در زندگیشان باشد. تبعیض و نگاه تبعیض‌آمیز نسبت به این افراد در جامعه آزاردهنده است. از یک طرف جامعه باید نسبت به افراد دارای معلولیت، تعاملی بدون تبعیض داشته باشد و از طرف دیگر خود آنها هستند که نباید فکر کنند دنیا برایشان به آخر رسیده و هیچ کاری از دستشان برنمی‌آید. مراکزى مثل رعد و اتفاقاتی مانند جشنواره ارغوان باید به این سمت حرکت کند که بچه‌های دارای معلولیت با پذیرش محدودیت‌های خود به فکر تلاش برای زندگی بهتر باشند. امیدوارم این جشنواره در سال‌های بعد با حمایت‌های گسترده‌تری، به کار خود ادامه داده و شاهد جشنواره‌ای گسترده‌تر و تاثیرگذارتر باشیم.





دکتر نوح منوری، جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. فعالیت‌های تخصصی او در حوزه جامعه‌شناسی سازمان‌ها، جامعه‌شناسی کار و جامعه‌شناسی اقتصادی است. با ایشان که یکی از داوران جشنواره ارغوان بودند به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید:

در گفت‌وگو با داور جشنواره ارغوان؛

بعضی از مستندها بسیار شاخص و قابل توجه بودند

مسائل اجتماعی ایران را نوشته‌ام که به زودی منتشر خواهد شد.

نظر شما در مورد جشنواره ارغوان چیست؟

فکر می‌کنم از چند جهت برگزاری این جشنواره حائز اهمیت بود. شاید برای اولین بار بود که شاهد برگزاری یک جشنواره تخصصی فیلم‌های مستند در موضوع معلولیت بودیم. پیش از این حداکثر در قالب‌هایی مثل؛ کتاب و مقاله و پادکست و برخی برنامه‌های تلویزیونی محدود به این موضوع پرداخته شده بود. ویژگی دیگر این جشنواره این بود که دو نهاد مدنی مستقل یعنی انجمن مستندسازان ایران و مجموعه رعد عهده‌دار آن بودند. اینکه در بخشی از جشنواره، افراد دارای معلولیت از زندگی و تجربیات خودشان مستند بسازند و در بخش دیگر، مستندسازان حرفه‌ای‌تر در حوزه معلولیت کار کنند، تجربه‌ای منحصر به فرد و ارزشمند بود. خانم سرمد و دوستانشان کارگاه‌های آموزشی نیز برای متقاضیانی که تجربه مستندسازی

رشته جامعه‌شناسی نسبت به تمام نابرابری‌ها و تبعیض‌ها از جمله نسبت به حقوق از دست رفته افراد دارای معلولیت ایجاد حساسیت می‌کند

فیلم‌سازی مستند نداشتم، ولی تلاش کردم در داوری، نگاهی جامعه‌شناسانه به مستندها داشته باشم.

در مورد پژوهش‌هایی که در این حوزه داشته‌اید هم توضیح دهید:

یک پژوهش کاربردی در سال ۱۳۹۹ با موضوع مشکلات آمد و شد افراد دارای معلولیت برای شهرداری تهران انجام دادم. همچنین مقاله‌ای علمی-پژوهشی در ارتباط با سلامت افراد دارای معلولیت نوشته‌ام که به تازگی منتشر شده است. همچنین مدخل معلولیت دانشنامه

لطفاً برای شروع گفت‌وگو، اول خودتان را معرفی کنید:

چهل ساله و مدرس دانشگاه در رشته جامعه‌شناسی هستم. از بدو تولد با بیماری ژنتیکی دیستروفی عضلانی اولریچ روبه‌رو بودم و از نوجوانی شروع به استفاده از ویلچر کردم که تا همین امروز نیز ادامه دارد.

چگونه با جشنواره ارغوان آشنا و به عنوان داور در این رویداد شرکت کردید؟

احتمالاً به عنوان کسی که هم مطالعات جامعه‌شناختی و هم تجربه زندگی با معلولیت داشته‌ام، به خانم رضوان سرمد، دبیر جشنواره معرفی شدم. از یک طرف به لحاظ شخصی و تجربه زیسته، در تمام دوران زندگی با مشکلاتی که معلولیت برایم ایجاد می‌کرد، روبه‌رو بودم و از طرف دیگر تحصیل در رشته جامعه‌شناسی نگاهی جامع‌تر نسبت به حقوق از دست رفته این افراد و تبعیض‌هایی که با آنها مواجه هستند، در من ایجاد کرد. گرچه تخصص و صلاحیت لازم را در حوزه



نداشتند برگزار کردند تا آنها بتوانند با گوشی همراه خود فیلم بسازند. به نظر من بعضی از مستندها بسیار شاخص و قابل توجه بودند. البته این جشنواره هنوز جا دارد تا به بلوغ خود برسد.

چه مواردی از نظر شما به عنوان داور مورد توجه و نقد قرار گرفت؟

چیزی که به عنوان داور برایم مهم بود، حفظ و پیشبرد نگاه نقادانه و اجتماعی نسبت به این مستندها بود. پیام اصلی من به داوران و فیلم‌سازانی که مایل به فعالیت در حوزه معلولیت هستند این بود که از رواج روانشناسی زرد در این حوزه خودداری کرده و از سخنان شعارگونه‌ای؛ مانند «فقط کافی است بخواهی تا بشود»، «معلولیت محدودیت نیست»، «فقط کافی است روحیه‌ات را حفظ کنی» و غیره که گاه می‌تواند آسیب‌زا باشد، دوری کنند. نگاه سلبریتی‌محور به افراد دارای معلولیت هم از نظر من آسیب‌زاست. سلبریتی‌های دارای معلولیت گاهی پیام‌های مخربی به جامعه مخابره می‌کنند؛ گویی هیچ مشکل اجتماعی و نهادی وجود ندارد و حتی با وجود معلولیت می‌توانی موفق شوی و بر صدر بنشینی. لازم است فردی که به جایگاه اجتماعی خاصی رسیده، از مسیری که با همه محدودیت‌ها و مشکلات خود طی کرده‌است، حرف بزند و توضیح دهد. خیلی از افراد موفق از سرمایه‌های بسیاری بهره‌مند بوده‌اند. این افراد با بهره‌مندی از سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ویژه که توانسته‌اند به جایگاه اجتماعی ویژه برسند، در صورتی‌که این امکانات در اختیار عموم افرادی که معلولیت دارند، نیست.

به عنوان یک جامعه‌شناس نقش نهادهای اجتماعی را در بسترسازی برای رسیدن به موفقیت افراد دارای معلولیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نقش نهادهای اجتماعی در بسترسازی برای رسیدن به موفقیت افراد با هر نوع ویژگی، بسیار مهم است. منظور از نهاد، فقط سازمان‌ها و ارگان‌های

تجربه مهمی بود که دو نهاد مدنی مستقل؛ یعنی انجمن مستندسازان و مجموعه رعد در قالب انعکاس صدای بی‌صدایان از طریق تهیه فیلم و مستند عهده‌دارش شدند

و نباید آنها را به مسیر خاصی هدایت کرد که دون شأن آنهاست. همانطور که برای افراد بدون معلولیت، گستره‌ای از آموزش‌ها، مهارت‌ها و مشاغل تعریف می‌شوند، برای افراد دارای معلولیت هم باید به همین گونه رفتار شود. در اینجا است که باز هم نقش نهادها اهمیت پیدا می‌کند. در جایی مانند مجتمع رعد، آموزش‌های مهارتی و فنی حرفه‌ای در سطوح بالا نیز ارائه می‌شود و این کاری است که در نهادهای عمومی و دولتی هم باید دنبال شوند. موضوع مهم دیگر، مسئله مناسب‌سازی‌هاست. چقدر از لحاظ فیزیکی، کالبدی، فرهنگی و اجتماعی مناسب‌سازی‌ها انجام شده که افراد دارای معلولیت بتوانند مستقلاً در جامعه حضور داشته و دیده شوند؟ جشنواره‌ای مثل ارغوان که در حوزه افراد دارای معلولیت فعالیت می‌کند، باید سراغ کارکرد نهادها هم برود. روایت تجربه زیسته این افراد و تلاش‌ها و چالش‌های آنها در زندگی، سطح اول این رویداد است، در سطح عمیق‌تر باید به نقش نهادهای اجتماعی (به همان معنایی که گفتم) هم توجه شده و مطالبات افراد دارای معلولیت به این مسیر هم سوق داده شود. نباید نگاه به زندگی فرد دارای معلولیت فقط به زندگی آنها در خانه و رفتن به پارک و خیابان ختم شود. باید نگاه انتقادی‌تر و عمیق‌تری نسبت به نقش نهادهای اجتماعی و بخصوص دولت در این حوزه داشت و از جانب افراد دارای معلولیت هم باید فضایی برای مطالبه‌گری بوجود بیاید. کما این که در جشنواره ارغوان، در بعضی از فیلم‌ها این مطالبه‌گری را شاید بودیم. جا دارد چنین موضوعاتی در جشنواره‌های بعدی هم دنبال شود.

معیار شخصی شما به عنوان داور جشنواره، در رتبه‌بندی مستندهای ارسال شده چه بود؟

معیار من همین مواردی بود که ذکر کردم. من به فیلمی که به اهمیت نهادهای اجتماعی برای توانمندسازی این افراد اشاره داشت امتیاز بالا دادم. توجه به مناسب‌سازی‌ها هم از دیگر

دولتی نیستند، منظور مجموعه‌ای از الگوها، رویه‌ها، قواعد، و نظام‌یافتگی‌ها است که بطور رسمی و غیررسمی در جامعه ما وجود دارند. از نهاد آموزش و پرورش شروع کنیم و ببینیم که این نهاد در ارتباط با افراد با ویژگی‌های خاص، چقدر توانسته مثبت عمل کند؟ متأسفانه این نهاد به هیچ‌وجه در قامت جایگاهی که از آن انتظار می‌رود، ظاهر نشده و هیچ مسیر درست و مشخصی را برای آموزش و مهارت‌آموزی به افرادی که معلولیت دارند ارائه نکرده است. نهادهای محدودی مانند مرکز رعد وجود دارند که عهده‌دار این وظیفه شده‌اند، ولی آیا این مسئولیت از نهاد آموزش و پرورش سلب می‌شود؟ آسیب مهم دیگر، جداسازی مدارس با عنوان عادی برای افراد بدون معلولیت و مدارس استثنایی برای افراد دارای معلولیت است. نفس این جداسازی‌ها آسیب‌زاست و متفاوت بودن سطح کیفیت در این مدارس هم این آسیب را افزایش می‌دهد. خیلی وقت‌ها افراد دارای معلولیتی را که مشکل ذهنی ندارند به سمت مدارس استثنایی سوق می‌دهند. متأسفانه مدارس عادی، هم از لحاظ کالبدی و فیزیکی و هم از نظر اجتماعی و فرهنگی آمادگی پذیرش فرد دارای معلولیت در کنار افراد بدون معلولیت را ندارند. وقتی از اهمیت نهادها صحبت می‌شود، باید به نقش مهارت‌آموزی در حوزه اشتغال نیز اشاره کنیم. چقدر نهادهای دولتی، غیردولتی و خصوصی مسیر اشتغال با کیفیت را برای افراد دارای معلولیت آماده می‌کنند؟ بسیاری از افراد دارای معلولیت به لحاظ تحصیلی و مهارتی بسیار توانا هستند



برای ارتقای جشنواره ارغوان چه پیشنهادی دارید؟

به نظر من برای ارتقای جشنواره در دوره‌های بعدی بهتر است در یک گفت‌وگوی دو طرفه شرکت‌کنندگان و داوران، هم نوع نگاه داوران به آنها منتقل شده و هم نظر آنها در ساخت مستند شنیده شود. در این فضای زنده، هم من به عنوان داور به تصحیح معیارهایم می‌پردازم و هم شرکت‌کنندگان به ارتقای تولیدات خود فکر می‌کنند. به نظر من فیلم‌ها باید به سمت جذاب‌تر شدن پیش بروند. البته نحوه این کار در تخصص من نیست و دوستان مستندساز بهتر می‌توانند در این مورد نظر دهند. بعضی از فیلم‌ها با این که موضوع خوبی را دنبال می‌کرد، از لحاظ جلوه‌های بصری ضعیف بودند. به نظرم می‌توان از افراد متخصص برای ساخت و تدوین کمک گرفت تا فیلم‌ها بهتر و بیشتر دیده شوند. البته جشنواره ارغوان برای اولین بار بود که برگزار می‌شد و حتما هرچه جلوتر برود بی‌نقص‌تر می‌شود. از ویژگی‌های مهم جشنواره ارغوان، محدود نبودن به تهران بود و افراد از سراسر ایران توانستند در این رویداد شرکت کنند. به شخصه از تمام برگزارکنندگان و حامیان این جشنواره سپاسگزارم.

روایت تجربه زیسته این افراد و تلاش‌ها و چالش‌های آنها در مسیر زندگی، سطح اول این رویداد است. در سطح عمیق‌تر، باید به نقش نهادها و رویه‌ها هم در زندگی این افراد توجه شود

عجیب و غریب‌تری به نظر می‌آیند. این نوع نگاه از طرف مردم، به فاصله گرفتن بیشتر آنها از جامعه می‌انجامد. یکی از معیارهایی که در داوری این جشنواره در نظر داشتم، این بود که فقط آدم‌هایی را روایت نکردند که از سرمایه‌های خاص یا برتری‌های خاص برخوردار بودند، بلکه این نگاه را به مخاطب انتقال دهد که اگر این فرد به جایگاه درخوری رسیده، به خاطر ایفای نقش موثر نهادهای اجتماعی در جای مناسب بوده‌است. در این مستندها باید نقد و مطالبه‌گری از نهادهای اجتماعی پررنگ باشد و مطالبات صحیح افراد دارای معلولیت در آنها مطرح شود. این موارد از معیارهای من برای دادن امتیاز به فیلم‌ها بود.

معیارهای من در داوری بود چون فقدان مناسب‌سازی باعث طرد این افراد از جامعه می‌شود. مساله دیگری که دوباره می‌خواهم به آن اشاره کنم؛ ترویج باورهای غلط و کلیشه‌ای در جامعه است، مثلاً؛ افراد دارای معلولیت خیلی پاک و بیگناه هستند، دل پاکی دارند، بنده خاص خدا هستند و غیره. انتشار چنین کلیشه‌هایی، تصورات غلطی را ترویج و باعث بدفهمی در اجتماع می‌شود. از طرف دیگر، باور به اینکه فردی که دچار معلولیت است، یا خودش یا خانواده‌اش، خطای نابخشودنی مرتکب شده‌اند و معلولیت، مجازات و تقاص گناهشان است هم به شدت غلط و مذبوم است. این مورد را در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیون و سینما زیاد می‌بینیم که شخصیت بد و ظالم داستان، به سزای کارهای بدش، ویلچرنشین می‌شود! هر دوی این نگاه‌ها، باورهای غلطی هستند که در جامعه ما وجود دارند. بارها پیش آمده که کسی از کنارم رد شده و با دیدن من با صدای بلند، خدا را شکر کرده! این باورهای غلط، از موضوعاتی است که باید به آنها توجه شود. علت وجود و تکثیر این باورها، دور بودن افراد دارای معلولیت از اجتماع است. این افراد به واسطه موانع فیزیکی و فرهنگی به میزانی که از اجتماع فاصله داشته‌باشند، آدم‌های



دکتر فثانه امیری، فعال مدنی و مدیر و مدرس حوزه‌های مختلف مربوط به معلولیت است. او دکترای مهندسی خلاقیت ساختارمند را دارد و از اولین پژوهشگرانی است که این موضوع را در حوزه معلولیت دنبال نموده است. دکتر امیری مدیر عامل موسسه فرهنگی هنری پویندگان پهنه پرواز و عضو هیات علمی سمپوزیوم تحرک و جهت‌یابی جهانی در ایالت تگزاس هم هست. ایشان برای فرهنگ‌سازی در خصوص افراد دارای معلولیت، جشنواره پرواز را در سال ۱۳۹۴ راه‌اندازی کرد. با او در مورد فعالیت‌های بی‌شمارش به گفت‌وگو نشستیم.

دبیر جشنواره بین‌المللی پرواز؛

هدف از برگزاری چنین جشنواره‌ای، فرهنگ‌سازی در حوزه معلولیت است

ایران را دارم.

در مورد پایگاه خبری پهنه پرواز بیشتر توضیح دهید:

پایگاه خبری پهنه پرواز، اولین پایگاه علمی تخصصی است که بصورت اختصاصی؛ اخبار، اطلاعات و پژوهش‌های حوزه معلولیت، اختلالات و سلامت را پوشش می‌دهد. با افتخار اعلام می‌کنم که از شش خبرنگار و همکار در این پایگاه، چهار همکار دارای معلولیت شدید و یک خبرنگار اتیستیک هستند. علاقمندان می‌توانند آدرس pahneparvaz.ir را در گوگل جست‌وجو کرده و در صفحه اینستاگرام هم ما را به همین نام دنبال کنند.

در آخرین حضورم در مجمع جهانی آموزش معلولین نوامبر ۲۰۲۴، نمایندگی آموزش افراد دارای معلولیت

دلیل راه‌اندازی این مسابقات، نگاه به زیبایی‌های درون به جای زیبایی‌های ظاهری و معیار انتخاب، داشتن معلولیت شدید همراه با دستاوردهای شگفت‌انگیز بود

سخنرانی دعوت شدم و کارگاه‌ها، و بینارها و دوره‌های آموزشی بسیاری را در ایران و تعدادی از کشورهای دیگر با موضوع معلولیت، نابینایی و کم‌بینایی، اختلالات یادگیری، اوتیسم و بیش‌فعالی برگزار کرده‌ام. علاوه بر این، از طرف چهار فدراسیون جهانی نمایندگی راه‌اندازی ورزش کریکت برای افراد دارای معلولیت در

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

دکتر فثانه امیری، فعال مدنی، مدرس، محقق و مولف در حوزه‌های مختلف مربوط به معلولیت هستم. دکترای مهندسی خلاقیت ابداعانه دارم و از اولین پژوهشگرانی هستم که این موضوع را در حوزه معلولیت پژوهش کرده‌ام. مدیرعامل موسسه فرهنگی هنری پویندگان پهنه پرواز، بنیانگذار و دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز، صاحب امتیاز و مدیر مسئول پایگاه خبری پهنه پرواز، موسس و مدیر آکادمی علمی تخصصی اردستانی، نماینده ایران در مجمع جهانی آموزش افراد دارای معلولیت و عضو هیات علمی سمپوزیوم جهانی تحرک و جهت‌یابی در ایالت تگزاس و انجمن جهانی معلمان استثنایی هستم. از طرف تعدادی از دانشگاه‌های معتبر در بعضی کشورها، بارها برای



چندگانه نابینا - ناشنوا را گرفتم و امیدوار هستم بتوانم شرایطی برای آموزش کودکانی که دچار این معلولیت‌ها هستند را فراهم کنم. آموزش این کودکان بسیار دشوار و بسیار ضروری است.

یکی از اتفاقات خوب در سال ۱۴۰۳ برگزاری اولین رویداد جهانی "دختر شایسته دارای معلولیت" همزمان با برگزاری ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز بود که چند سال قبل طرح آن را به وزارت ارشاد و سازمان بهزیستی ارائه داده بودم که خوشبختانه برای اولین بار در جهان برگزار شد و بازخورد بسیار خوبی هم داشت.

دلیل مطرح کردن موضوع انتخاب دختر شایسته چه بود و این دختران را با چه معیاری انتخاب کردید؟ دلیل راه‌اندازی این مسابقات، نگاه به زیبایی‌های درون به جای زیبایی‌های ظاهری و معیار انتخاب، داشتن معلولیت شدید همراه با دستاوردهای شگفت‌انگیز بود. امسال به دلیل مشغله فراوان کاری، نتوانستم این مسابقه را در ابعاد گسترده‌تری برگزار کنم ولی تصمیم داشتم که حتماً این کار را شروع کنم. به دنبال فراخوانی که در پایگاه خبری پهنه‌ی پرواز و صفحه اینستاگرامی آن اعلام شد، حدود سی نفر از بانوان موفق

یکی از تأثیرات مثبت برگزاری جشنواره پرواز، ایجاد حساسیت نسبت به مناسب‌سازی اماکن است تا حضور افراد دارای معلولیت در جامعه تسهیل شود

دارای معلولیت از ایران و هشت کشور دیگر انتخاب شدند. از بین آنها؛ صبا نوروزی با معلولیت شدید جسمی، نازنین ابوالوردی نابینای ناشنوا و یگانه حسینی با سندرم داون از ایران و شش نفر از سایر کشورها برگزیده نهایی شدند. یکی از شرکت‌کنندگان، دختری بود که به دلیل معلولیت بسیار شدید جسمی، فقط قادر به تاپ با دندان بود. او شاعر و نویسنده هست و چندین کتاب را هم به چاپ رسانده است.

از داوران این رویداد بگویید:

در این دوره چهار نفر در بخش‌های مختلف؛ هنر، ورزش، مدلینگ و ادبیات، داوری این رویداد را بر عهده

داشتند. لازم به ذکر است همانطور که انتظار می‌رفت برگزاری این رویداد و معرفی بانوانی که علی‌رغم داشتن چالش‌های ناشی از معلولیت شدید، موفق به کسب دستاوردهای شگفت‌انگیزی شدند، از طرف کشورهای دیگر مورد توجه و استقبال شدید قرار گرفت. قرار است مستندهایی از زندگی این بانوان ساخته و کتابی هم در همین مورد توسط خود من نوشته شود. یک بخش مستقل از کتاب "ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز" را به اولین رویداد "دختر شایسته دارای معلولیت" اختصاص دادم. این کتاب به عنوان کتاب برتر سال معرفی و طی مراسمی از بنده، به عنوان مولف برتر، تقدیر صورت گرفت.

لطفاً در مورد ویژگی‌ها و شرایط جشنواره پرواز هم بگویید؟

جشنواره پرواز از سال ۱۳۹۴ راه‌اندازی شد و قرار بود سالانه برگزار شود که بخاطر کرونا و مسائل دیگر، در استمرار آن وقفه ایجاد شد. امسال، ششمین دوره جشنواره بین‌المللی پرواز با حضور صد و بیست کشور و شرکت بیش از ۲۳۶۰ فیلم در ژانرهای؛ داستانی، مستند و انیمیشن برگزار شد. خوشبختانه در این دوره هم، کمیت و کیفیت آثار بسیار

عالی بود. در هر دوره علاوه بر اکران آثار منتخب، کارگاه‌های تخصصی هم با موضوعیت معلولیت و سینما برگزار می‌شود.

محل برگزاری این جشنواره‌ها کجاست؟

هر سال تلاش می‌کنیم جشنواره را در جایی که مناسب‌سازی بوده و برای افراد دارای معلولیت دسترسی‌پذیر باشد، برگزار کنیم. در دوره اول، جشنواره را در برج آزادی برگزار کردیم. دوره دوم در خانه هنرمندان و دوره سوم و پنجم به خاطر دسترسی‌پذیر بودن فرهنگ‌سرای اندیشه، در آنجا برگزار شد. دوره چهارم را در مجموعه مگمال و دوره ششم را هم که همین چند ماه پیش بود، مجدداً در برج آزادی برگزار کردیم.

آیا برج آزادی مناسب‌سازی و دسترسی‌پذیر شده بود؟

مدیریت محترم برج آزادی همکاری بسیار خوبی با ما داشت و از مناسب‌سازی در آن مکان، بسیار استقبال کرد. البته بیشتر فضاها و طبقات برج، رمپ و لیفت دارند ولی برای سالن اصلی که پله داشت با کمک شهرداری تلاش کردیم رمپ دائمی کار شود که چون به نتیجه نرسید، دو ردیف بالای سالن را برای جایگاه افراد ویلچری آماده کردیم. برج آزادی یک مکان بین‌المللی و شناخته شده است که اگر کاملاً مناسب‌سازی شود، همه افراد با هر ویژگی می‌توانند در هر فرصتی از آن بهره بگیرند. یکی از تاثیرات مثبت برگزاری جشنواره پرواز، ایجاد حساسیت نسبت به مناسب‌سازی اماکن است تا حضور افراد دارای معلولیت در جامعه تسهیل شود. در مورد اهداف جشنواره پرواز و مراحل انجام آن بیشتر بگویید؟ هدف از برگزاری چنین جشنواره‌ای، فرهنگ‌سازی درحوزه معلولیت است. می‌خواهیم از دریچه هنر سینما، مسائل و چالش‌های زندگی افرادی که معلولیت دارند و از طرف دیگر، ظرفیت و قابلیت و توانمندی‌های

کودکی که پایش را به این مرکز می‌گذارد، حتماً جواب می‌گیرد و آموزش‌ها در صورت تمایل خانواده، ادامه پیدا می‌کنند

رعدي به عنوان داور دعوت کردیم. در هر دوره، بیست تا چهل داور دارای معلولیت و تعداد یازده داور هم از پیشکسوتان حوزه سینما داریم. با شبکه سلامت و شبکه آموزش هم برای اکران فیلم‌ها در این شبکه‌ها صحبت کردیم که در صورت امکان، فرهنگ‌سازی در حوزه معلولیت در سطح وسیع‌تری انجام شده و به اهدافمان نزدیک‌تر شویم.

چه برنامه‌ای برای آینده فعالیت‌هایتان دارید؟

تلاش داریم دامنه فعالیت‌هایمان را گسترش دهیم. علاقه داریم که مسابقات دختر شایسته را گسترده‌تر و پربارتر برگزار کرده تا تعداد بیشتری از افراد در این رویداد شرکت کنند. خوشبختانه در سال‌های اخیر در بعضی از فیلم‌هایی که در تلویزیون پخش می‌شود، افراد دارای معلولیت هم حضور محدودی داشته و دیده می‌شوند. وقتی از افراد متخصص فیلم‌سازی، به عنوان داور چنین جشنواره‌ای دعوت می‌کنیم، آنها با حوزه معلولیت آشنا تر شده که می‌تواند بر تولیداتشان تاثیر گذار باشد. در فیلم‌هایی که اخیراً اکران می‌شوند، شاهد حضور افراد دارای معلولیت، سندروم داوون‌ها و نابینایان هستیم، چیزی که سال‌های قبل در فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها وجود نداشت.

لطفاً در مورد فعالیت‌های آموزشگاه اردستانی هم توضیح دهید؟

آکادمی علمی تخصصی اردستانی، بر اساس رویکردهای نوین آموزشی به کودکان با معلولیت‌های گوناگون آموزش می‌دهد. این آموزشگاه به نام همسرم، رحمت‌اله معمار اردستانی به ثبت رسیده است. ایشان نزدیک به سی سال، مدیر مجتمع‌های دارای معلولیت نابینایی مانند؛ پویا در کرج و شهید محبی در تهران بوده و برای فعالان این حوزه کاملاً شناخته شده هستند. تمامی فعالیت‌های من با حمایت و پشتیبانی همسرم انجام می‌گیرد.

این افراد را به جهان معرفی کنیم. روش کار اینگونه است که در سطح بین‌المللی فراخوان داده تا کشورهای مختلف؛ آثار مستند، داستانی، فیلم‌نامه و انیمیشن را برای ما بفرستند. داوران حرفه‌ای و مطرح در ایران و در دنیا، داوری جشنواره را برعهده دارند. در طی برگزاری جشنواره، سه روز اکران فیلم و سه روز کارگاه داریم. فیلم‌هایی که در این جشنواره اکران می‌شوند، بسیار ارزشمند و منحصر به فرد هستند که توسط هنرمندان پیشکسوت سینمایی ارزیابی می‌شوند. حضور داوران دارای معلولیت در این جشنواره، در دنیا نظیر ندارد. فیلم‌ها از طریق واتساپ در دسترس داوران دارای معلولیت و داوران خارجی قرار داده شده که در مدت زمانی مشخص، آنها را ببینند و رای دهند. انیمیشن «پهپاد پرنده» از استرالیا از فیلم‌هایی بود که داوران دارای معلولیت آن را بسیار پسندیدند و اکثراً به آن رای دادند. چندی پیش سفیر استرالیا به همراه معاونین خود مشتاقانه بازدید از دفتر ما و دبیرخانه جشنواره داشتند و جایزه فیلمساز برگزیده استرالیایی را هم دریافت کردند. گزارش این دیدار در بعضی از شبکه‌های خبری مثل؛ ایرنا، دیدار امروز و سروش منعکس شد.

برای مشارکت بیشتر افراد دارای معلولیت، از افراد موفق‌تری چون خانم دکتر مریم نیک نژاد و خانم طاهره





در آموزشگاه، برای بچه‌های دارای معلولیت، بخصوص برای آنهایی که معلولیت چندگانه دارند، کلاس‌های مختلفی را برگزار می‌کنیم. برای نابینایان و معلولان جسمی حرکتی؛ کلاس کامپیوتر، زبان، کلاس تحرک و جهت‌یابی، خلاقیت و هنر و کلاس موسیقی و گفتار درمانی را برگزار می‌کنیم. خانواده‌هایی که فرزندان با معلولیت‌های سخت داشته و از جاهای دیگر جواب نگرفته‌اند، معمولاً به اینجا مراجعه می‌کنند. مدرسان بسیار خوب و باتجربه‌ای داریم که سال‌های زیادی در حوزه معلولیت کار کرده‌اند.

آیا بچه‌ها از چنین آموزش‌هایی جواب می‌گیرند و این آموزش‌ها ادامه‌دار هستند؟

کودکی که پایش را به این مرکز می‌گذارد، حتماً جواب می‌گیرد و در صورت تمایل خانواده، آموزش‌ها ادامه پیدا می‌کنند. هزینه‌ای بسیار کمتری از جاهای دیگر دریافت می‌کنیم چون هدفمان استفاده بیشتر بچه‌های دارای معلولیت از کلاس‌ها و گرفتن نتیجه بهتر است. پس از ارزیابی اولیه از تک تک مراجعان، هر مهارتی که به آن نیاز دارند را آموزش می‌دهیم.

به خانواده‌ها هم آموزش می‌دهید؟ قبل از کرونا چندین همایش برای اولیاء برگزار کردیم ولی به دلیل مشغله کاری فراوان، این برنامه‌ها مدتی است که متوقف شده‌اند. در همایش‌هایمان، گاهی نماینده دفتر منطقه‌ای یونسکو در ایران هم شرکت می‌کرد. در همایش‌هایی هم به دعوت فرهنگسراها و مراکز آموزشی برای خانواده‌ها برگزار می‌شود، بعنوان سخنران دعوت شده و آموزش‌هایی را ارائه داده‌ام.

ارتباط شما با انجمن‌های دارای معلولیت چگونه است؟

با انجمن‌های دیگر در حوزه معلولیت، ارتباطات چندانی نداریم ولی مایل به همکاری با آنها هستیم. انجمن‌ها و موسسات زیادی

عمده کار ما بر فراگیرسازی و توانمند کردن بچه‌های دارای معلولیت، بگونه‌ای که بتوانند در مدارس عادی درس بخوانند، است

در حوزه معلولان در ایران فعالیت دارند که اگر به هم نزدیک‌تر شده و با هم همکاری کنند، به نتایج مطلوب‌تری خواهند رسید. انجمن مبارزه با اسیدپاشی و انجمن کوتاه قامت‌ان بلند همت و انجمن اوتیسم، امسال از جشنواره پرواز، بسیار استقبال کردند چون فیلم‌هایی با این موضوعات در جشنواره پخش شد. در جشنواره امسال، بخش ویژه‌ای به موضوع اوتیسم اختصاص داشت و فیلم‌های فوق‌العاده‌ای به نمایش درآمد. متأسفانه در کشور ما معلولیت به چهار دسته؛ معلولیت جسمی حرکتی، معلولیت ذهنی و نابینایی و ناشنوایی محدود می‌شود، در حالی‌که سازمان ملل، ۲۱ نوع معلولیت را در جهان مطرح کرده است. پرداختن به معلولیت‌های پنهان که از کرونا به بعد، خیلی زیاد شده و با چشم دیده نمی‌شوند، اهمیت زیادی دارد. قصد داریم به افراد دارای معلولیت‌های پنهان هم آموزش‌هایی را ارائه دهیم.

ما یک موسسه فرهنگی هنری، یک جشنواره بین‌المللی فیلم، یک پایگاه خبری و یک آموزشگاه تخصصی داریم و چهار مجوز فدراسیون ورزشی هم داریم. سعی داریم رسالتی را که در این زمینه‌ها برعهده گرفته‌ایم را بخوبی انجام دهیم. آموزشگاه ما در سال ۲۰۱۳ در دنیا در بین شصت کشور، رتبه اول را کسب کرد. امیدوارم بتوانیم با همین کیفیت به کارهایمان ادامه دهیم.

در مورد تالیفاتتان هم بگویید؟

چهار کتاب در حوزه رویکردهای نوین آموزشی و متدهای جدید، با سه همکارم تالیف کرده که مدرسین این حوزه می‌توانند از روش‌های ارائه شده، برای آموزش بچه‌های دارای معلولیت استفاده کنند. این کتاب‌ها را سازمان آموزش و پرورش استثنایی، تکریر کرد و به همه استان‌ها فرستاد. من یک پایان نامه چهارصد صفحه‌ای به زبان انگلیسی هم دارم که هنوز ترجمه‌اش نکرده-

ام. کتاب "اصول خلاقیت در ورزش افراد دارای معلولیت" را با همراهی یکی از دوستان تالیف کرده‌ام. کتاب «جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز» هم که پنج دوره جشنواره فیلم پرواز در آن مستند شده را سال قبل به چاپ رساندم. کتاب "ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز" هم امسال به چاپ رسید و به عنوان کتاب برتر سال برگزیده شد. من مقالات زیادی به زبان انگلیسی و فارسی در حوزه کودکان کار، انواع و اقسام معلولیت‌ها، تحرک و جهت‌یابی، آموزش زبان و کامپیوتر و توانمندسازی افراد دارای معلولیت دارم که بسیاری از آنها در مجلات و خبرگزاری‌های ایران و جهان منتشر شده است. یک سری مقاله هم در حوزه فراگیرسازی، دارم که مورد استقبال سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته‌است. عمده کار ما بر فراگیرسازی و توانمند کردن بچه‌های دارای معلولیت، بگونه‌ای که بتوانند در مدارس عادی درس بخوانند، است. یکی از آموزش‌های ما در آکادمی، آموزش مهارت و آماده کردن بچه‌ها برای تحصیل در مدارس عادی است.

سخن و کلام آخر...

آرزو دارم نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی، جشنواره پرواز و نقشی که می‌تواند در فرهنگ‌سازی حوزه معلولیت داشته‌باشد را جدی‌تر گرفته و خود را ملزم به اطلاع‌رسانی گسترده آن بدانند.



ما هم

کودکان دیروز

اس ام ای هستیم!

فاطمه کنهانی

مریم ۴۴ ساله آرزوی شرایط زندگی بهتر و کمک به والدینش را دارد.

الهه ۳۷ ساله آرزوی داشتن خیال آسوده برای پدر و مادر و دیدن اشک شوق همسر و والدینش را دارد.

سحر ۳۱ ساله آرزو دارد مادر شود و بتواند با دستان خودش فرزندش را در آغوش بگیرد.

نفیسه ۳۲ ساله آرزوی داشتن ردپایی روی برف‌ها را دارد.

رضا ۳۵ ساله آرزو دارد دوباره خودکار به دست بگیرد و در آزمون وکالت شرکت کند.

لیلا ۲۳ ساله آرزو دارد توانایی راه رفتن را از دست ندهد و بدون محدودیت زندگی کند.

این‌ها فقط گوشه‌ای از آرزوهای بزرگسالان مبتلا به اس ام ای در ایران است. ما هم کودکان دیروز اس ام ای هستیم. کودکانی که بدون دارو و درمان با این بیماری جنگیدند و بزرگ شدند و اکنون نادیده گرفته شده‌اند.

من فاطمه‌ام. ۲۷ ساله و مبتلا به اس ام ای و با رویاهایی که در این سن هم در من وجود دارند. من و دوستان بزرگسال هم بخشی از جامعه‌ی اس ام ای هستیم و این نادیده گرفته شدن را غیرانسانی می‌دانیم. آرزوهای ما هم مانند کودکان مهم است، ما هم در انتظار دارو هستیم.

حالایی که از آرزوهای ما این است که کاش کودک مانده بودیم، در این صورت شاید دیده و شنیده می‌شدیم و از کوچک‌ترین تیرهای خبری حذف نمی‌شدیم.

من فاطمه‌ام. ۲۷ ساله و یک کودک مبتلا به اس ام ای. من و دوستانم، کودکانی در انتظار دارو هستیم و دیگر نمی‌خواهیم کنار گذاشته شویم.

#امتداد

@emtedadnet

این روزها قصه‌ی بیماران اس ام ای و غصه‌ی نداشتن دارو چیزی نیست که به گوش کسی نرسیده باشد. گرچه خبرگزاری‌های داخلی کمال کم لطفی را در حق ما روا داشته و ما برای رسیدن صدایمان به جامعه تلاش مضاعف می‌کنیم. پس از مدت‌ها انتظار و شادی و شمع برای ساخته شدن داروی داخلی، امروز ما دوباره در کابوس انتظار برای پوشش بیمه‌ای دارو هستیم.

اولین روزی که پا به شرکت روناک دارو گذاشتم حتی تصور نمی‌کردم در این مملکت وقاحتی به اسم خرید دارو شامل حال ما شود؛ اما این هم سنگی بود که دوباره از طرف وزارت بهداشت و درمان در مسیر ما قرار گرفت. پس از مدت‌ها داروی اورلیژن ساخته شد و بیماران ما از هر سنی با امیدواری فراوان پا به جشن رونمایی دارو گذاشتند تا بار دیگر ناامید شویم و سرابی به اسم دارو داشته باشیم، با قیمت هر شیشه ۲۴ میلیون تومان.

اما این تمام ماجرا نبود. درد بزرگسالان مبتلا به اس ام ای گاهی بیشتر از کودکان است. از عدم دریافت داروی خارجی و پروتکل‌های تبعیض آمیز گرفته تا تیر خبرگزاری‌ها با عنوان «کودکان اس ام ای» که نمونه بارز بی‌توجهی به بزرگسالان مبتلاست.

مجتبی ۳۹ ساله و دارای دو فرزند است. فرزندانش آرزو دارند پدرشان با دریافت دارو راحت‌تر راه برود.

زهرا ۴۲ ساله آرزوی راحت غلتیدن هنگام خواب را دارد.

سپیده ۴۰ ساله آرزوی کار کردن و حضور در اجتماع را دارد.

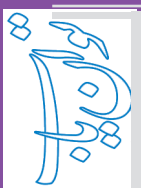
سارا ۲۳ ساله آرزو دارد بتواند بدون کمک جابه‌جا شود.

مختار ۴۰ ساله آرزوی رفتن به مدرسه‌ی دخترش را دارد.

امین ۲۳ ساله آرزوی کار کردن و ماشین خریدن را دارد.

هدی ۳۷ ساله آرزوی دوباره راه رفتن و بلند شدن از روی ویلچر را دارد.

فاطمه ۲۵ ساله آرزوی راحت بالا رفتن از پله‌ها را دارد.





این یک نظریه پذیرفته شده است که نمی‌توان قانونی برای تغییر نگرش وضع کرد. اما می‌توان تغییر رفتار را به امید آنکه منجر به تغییر نگرش شود، قانونمند کرد. نگرش‌ها، عقاید و طرز تلقی‌های غلط جامعه، مانع بزرگی برای افراد دارای معلولیت ایجاد می‌کنند. تغییر نگرش می‌تواند سبب آگاهی عمیق، تماس افزایشنده و ارتباط معنادار بیشتری میان افراد دارای معلولیت و افراد غیرمعلول شود. هرچند تعاملات فردی، موثرترین وسیله برای انتقال تجربه‌ی شخصی افراد دارای معلولیت است، ولی وسایل ارتباط جمعی می‌توانند ابزار موثری برای ایجاد فهم بیشتر و تغییر تدریجی و نتیجه‌بخش در طرز تلقی عمومی نسبت به این افراد باشند. در این مطلب به بررسی نقش رسانه‌ها در خلق تصاویر مربوط به معلولیت می‌پردازیم.

نقش رسانه‌ها در خلق تصاویر معلولیت

شرکت داده‌ورزان



شماره ۹۳، زمستان ۱۴۰۳

سینما و معلولیت



ما با استعاره "چلاق" (cripple) هم بیزار و هم فریفته شدیم. این موضوع در آثار کلاسیک کودکان، کاملاً ملموس و روشن است. آدم‌های شرور همیشه زشت‌اند و ناپهنجاری (بدنی) دارند، زنان و مردان قهرمان، دارای زیبایی و جذابیت هستند

معلولیت به مثابه استعاره

ما با استعاره "چلاق" (cripple) هم بیزار و هم فریفته شدیم. این موضوع در آثار کلاسیک کودکان، کاملاً ملموس و روشن است. آدم‌های شرور همیشه زشت‌اند و ناپهنجاری (بدنی) دارند، زنان و مردان قهرمان، دارای زیبایی و جذابیت هستند. فلینی (Fellini) از ناقص‌الخلقگی و معلولیت استفاده می‌کرد تا مردم را به سمت نفرت و انزجار از هنرپیشگان فیلمش هدایت کند. دیزنی (Disney) به کرات، معلولیت را به مثابه استعاره به کار گرفته است. اخیراً هالیوود متمایل شده است به اینکه برای افراد معلول احساسات به خرج دهد و با فیلم‌های بنجل، آنها را دارای دو بعد شخصیتی نشان دهد: کسانی که یاد می‌گیرند بر معلولیت غلبه کنند و از آن پس، با شادی زندگی کنند. فیلم و تلویزیون نیز استعاره افراد معلول را به عنوان قربانیان تنها، به کار گرفته‌اند. رفتار خشن یک مرد چلاق یا نابینا، وسیله‌ای بوده است برای نشان دادن یک شرور به مثابه فردی اهریمنی. تلویزیون بارها تمایل داشته که با نسبت دادن ویژگی‌های فوق انسانی به معلولان، تغییر شکلی در استعاره ایجاد کند، مثل مرد بیونیک، در حالی که در آدم محکم (Ironside) به فرد فلج بدنی، قدرت ذهنی شگرفی داده شده بود (Bird, Byrd, & Allen, ۱۹۹۷).

تحقیقات در ارتباط میان جذابیت ظاهری و جرائم در رسانه‌های مختلف نشان داد که زشتی جسمانی و تفاوت‌های جسمانی اغلب با ترسیم‌های رسانه‌ای از خشونت و جرم آمیخته است (Needham & Weiner, ۱۹۷۴). فیلم‌های ترسناک از این شیوه، استفاده آزاد می‌کنند. گاردنر و رادل (Gardner

مرور شیوه‌های توصیفی فرهنگی ما، شاهی بر نقش استعاری معلولیت است که عمیقاً در ارزش‌های ما ریشه دارد. در تمامی آثار ادبیات و هنر، قرارداد این بوده است که بدقوارگی ظاهری، بیماری مزمن، یا هر نوع نقص مشهود، نماد اهریمن و طبیعت نحس و رفتار هیولایی باشد (Sontag, ۱۹۷۸). نگاهی کلی به انحرافات موجود در آثار ادبی نسبت به شرایط معلولیت، مشخص می‌کند که: کاپیتان هوک (Captain Hook) در پیترو پن (Peter Pan) عمداً یک فرد قطع پا است که پروتز دارد، شکسپیر، گوئیشتی ریچارد سوم (Richard ۳) را به شهوتش نسبت می‌دهد. سامرست موام (Somerset Maugham) از پای کوتاه فیلیپ (Philip) در اسارت انسان Human Bondage سمبل طبیعت تلخ و منحرف او را می‌سازد. هانس کریستین آندرسن (Hans Christian Andersen) شاهزاده کوچک لنگ (The Little Lame Prince) را با لحنی ضعیف توصیف می‌کند، و دیگر داستان‌های کودکی، روایتگر کلیشه‌های تکراری کوتوله‌های خنگ یا پیشگویان کور هستند. اغلب اوقات، قهرمان داستان به شکل باشکوهی بر معلولیت غلبه می‌کند و حتی گاهی معلولیت به مثابه "بلایی" که باید آن را تحمل کرد، توصیف می‌شود. سیرانو دی برگرک (Cyrano de Bergerac) با بینی مضحک و کوازی مودو (Quasimodo) با قوزش، به خاطر بدقوارگی‌شان مورد توجه قرار نگرفته‌اند، بلکه به این دلیل که هم بدقواره هستند و هم خوبند (انگار که این دو مفهوم، مانع یکدیگرند) به ندرت فردی متوسط یا عادی دیده می‌شود که معلولیتش اتفاقی باشد.



رسانه و معلولیت

تأثیرات گزینشی رسانه‌ها در توصیف معلولیت

رسانه‌ها با پوشش گزینشی برخی رویدادها و چشم‌پوشی از بقیه وقایع، تصاویر خاصی از افراد معلول نشان می‌دهند. جرنیگن (Jernigan)، دبیرکل فدراسیون ملی آمریکایی افراد نابینا (National American Federation of the Blind) گزارش داد: خبرنگارانی که به مصاحبه‌ای مطبوعاتی در مورد یک موضوع کاملاً سیاسی دعوت شده بودند، از موضوع سیاسی چشم‌پوشی کردند و در عوض، از وسایل کمکی راه رفتن، سگ‌های راهنما و سایر نمادهای قالبی نابینایی عکس گرفتند و گزارش تهیه کردند. (Bogden & Biklen, ۱۹۷۷) در پوشش خبری گزارش تری فاکس (Terry Fox)، رسانه‌ها روی "قهرمان درحال مرگ" و الگوی پزشکی بیماری متمرکز شدند و صرف نظر کردند از موضوع ضایده‌نژادی‌آلودگی محیط زیست ناشی از استیلای هسته‌ای بر منطقه‌ای که فاکس در دهه ۱۹۵۰ آنجا به دنیا آمده بود، و ارتباط آن با دلایل سرطان (Harrison, ۱۹۸۵).

پوشش گزینشی معلولیت به ایجاد "قهرمانان هوچی" (Heroes by hype) منتهی شده است. قدرت رسانه‌ها در دستکاری واکنش‌های عمومی در پوشش رسانه‌ای دوندگان معلول مارتن دیده می‌شود که در دهه ۱۹۸۰ پدیده‌ی منحصر به فرد کانادایی بودند (Graham, ۱۹۸۷). درحالی که دوندگان مارتن زیادی

(Radel & ۱۹۷۸) که روزنامه‌ها و تلویزیون آمریکا را در زمینه ارجاعات آنان به افراد معلول تحلیل کردند، پی بردند که حدود یک دوم نمونه‌های بررسی شده، افراد دارای معلولیت را به مثابه افراد وابسته تصویر می‌کنند. یک دهم آنان را به نوعی منحرف نشان می‌دهند: "عجیب، ضداجتماعی یا غیرعادی". فقط یک چهارم نمونه‌ها، افراد معلول را به مثابه اشخاصی قادر به زندگی مستقل و مشارکت در جامعه نشان می‌دادند. کارتون‌ها و فکاهی‌های مصور نیز حاملان مهمی برای زبان تبعیض‌آمیز و مغرض و تصاویر چلاق‌های اهریمن هستند. کلماتی مانند "کودن احمق"، "بله"، "دیوانه"، زبان مشترکی در فکاهی‌هایی مثل بیتل بیلی (Bittle Bailey) و فکاهی‌های "جانوری" متعدد است. هر روز واژه‌هایی که به شرایط خاصی اشاره می‌کنند، مثل کلمات دشنامی، استاندارد می‌شوند، و تصورات قالبی در مورد شرایط، تقویت شده است (Weinberg & Santana, ۱۹۷۸).

باوجود این گرایش‌ها، تغییراتی نیز در نمایشنامه‌ها و فیلم‌های آمریکایی پدید آمده است که امروزه دیدگاه‌های حاکی از همدردی و دیدگاه‌های رمانتیک گونه نسبت به افراد معلول دارند. گوسو (Gussow, ۱۹۷۹) این پدیده را "عصر قهرمان مجروح: The Time of Wounded Heror" نام نهاده است. برخی نمونه‌هایش عبارتند از: مرد فیل نما (The Elephant Man) (ناهنجاری بدنی مادرزادی)، بال‌ها (Wings) (سکنه مغزی)، دره‌رحال این زندگی مال کیست؟ (Whose Life is it Anyway?) (فلج کامل)، و بچه‌های یک خدای کوچک‌تر (Children of a Lesser God). اخیراً تلاش‌های بیشتری برای به تصویر کشیدن افراد دارای معلولیت، به مثابه شخصیت‌های "متوسط" صورت گرفته است، نه قهرمان و نه قربانی. یک مرد پلیس روی ویلچر در کاگنی و لیس (Cagney and Lacey) نقشی بینابین را به تصویر کشیده است. افراد سالخورده، زشت و چاق بیشتر "معمولی" غیرمعمول دیده می‌شوند. مارلی متلین (Marlee Matlin) در شک‌های منطقی (Reasonable Doubts) به عنوان دستیار دادستان منطقه‌ای تلاش می‌کند نقش یک فرد ناشنوا را به اندازه یک شخص شنوا پررنگ کند. فیلم‌هایی که در دهه ۱۹۸۰ برای تلویزیون ساخته شدند، داستان‌های واقعی و با احساسی از قربانیان شیذوفرنی (schizophrenia) و آلزایمر (Alzheimer) به تصویر کشیدند. قانون ال‌ای (L.A. Law) یک مرد معلول ذهنی را که وکیلش، وسیله کمک شنوایی دارد، به شکلی با احساس به تصویر می‌کشد.



به دلایلی از کانادا عبور کردند، فقط مردان جوان و جذاب با مشکلات بینایی فاکس، فونیو Fonyo و هنس Hanse بودند که مورد پشتیبانی هماهنگ و پوشش رسانه‌ای قرار گرفتند. حامیان و مربیان، مرد جوان را "بسته‌بندی" و برنامه‌ها و جمعیت سرراه را هدایت کردند. یک ستاره درست شد. پوشش رسانه‌ای فزاینده، موسسات و سیاستمداران را تحت فشار قرار داد تا اینطور دیده شوند که نسبت به انگیزه قهرمان، سخاوتمندند. تنها مورد استثنا، برنامه دلیوپنج W5 (CTV، ۱۹۸۷) بود. این برنامه، نگرانی‌های افراد معلول را از تصویر کردن "معلول به مثابه ابرقهرمان" برای عموم، از زبان خودشان نشان داد.

بطور کلی به نظر می‌رسد، توان بالقوه‌ی رسانه‌های جمعی برای ایجاد تأثیرات غلط، تعدیل شده است با تمایل عمومی برای چشم پوشی از رسانه‌های جمعی، به نفع منافع جمعی افراد دارای معلولیت

برای ایجاد تأثیرات غلط، تعدیل شده است با تمایل عمومی برای چشم پوشی از رسانه‌های جمعی، به نفع سایر منابع فهم واقعیت اجتماعی" (Howitt، ۱۹۸۹، p. ۱۷۹) البته برخی گمانه‌زنی‌ها در مورد تأثیر تصویرسازی‌های قالبی روی خود افراد معلول، به خصوص کودکان دارای معلولیت، درست است. "هویت فردی با آنچه که از طریق رسانه‌ها تعامل می‌شود و نیز اعمال بین فردی شکل می‌گیرد (Gumpert & Cathcart، ۱۹۸۲، p. ۱۳). خود را برچسب‌خورده دیدن و همیشه در نقش یک شخص تبهکار، وابسته، نیازمند، یا یک فرد قربانی بودن، سرنوشت دلخواهی نیست.

خلق یک تیپ متوسط "از افراد دارای معلولیت"

هرچند داده‌های مشخصی وجود ندارد که نشانگر تغییر نگرش در واکنش به ارتباطات رسانه‌ای باشد، مردم تمایل دارند باورکنند شیوه‌ای که شخصیت‌ها تصویر می‌شوند، اهمیت دارد. شخصیت‌هایی که روی پرده نمایش داده می‌شوند، شخصیت‌های قالبی اجتماعی فرهنگی‌اند که بنا به ذائقه‌ی اکثریت بینندگان طراحی شده‌اند و ارزش‌های گسترده موجود را منعکس می‌کنند (ولو اینکه عمدتاً آمریکایی باشند). واضح است که نتیجه‌ی نمایش مکرر تصاویر به شیوه‌ای قابل قبول و خوشایند، این خواهد بود که آن تصاویر، معرف موجودیت روزمره می‌شوند. رسانه‌ها زمانی در جانداختن اطلاعات تازه و انتشار ایده و ارزش‌های جدید موثرند که با نظرات ریشه‌دار موجود، در نزاع نباشند. تأثیرات ارتباطات جمعی روی جامعه اغلب بیشتر کمک کننده است تا یک اثر منفرد. هرچند تصاویر رسانه‌ها، می‌تواند به شکل دادن آن معانی کمک کند که ما مستقیماً در موقعیت پیدا می‌کنیم و آنچه که ما در موقعیت واقعی کشف می‌کنیم، می‌تواند بر شیوه نگاه ما به رسانه‌ها اثر بگذارد (Kelly، ۱۹۸۱، p. ۱۶۷).

هرچند ما فراتر از تصور کردن افراد دارای معلولیت به مثابه قهرمان یا قربانی حرکت کرده‌ایم، ولی هنوز تا توصیف عادی معلولیت، راه طولانی در پیش داریم. افراد دارای معلولیت را می‌توان در حال زندگی و کار و در شرایط مختلف، با حوزه‌ی متنوعی از مسئولیت‌ها توصیف کرد، و نه اجباراً با غلبه بر چیزهای عجیب و غریب برای رسیدن به منزلت‌شان. رسانه‌های جمعی، با توانایی‌شان برای تیپ‌سازی، بر افکار عمومی و درک عمومی از واقعیت اجتماعی اثر می‌گذارند. استفاده دقیق از ادبیات و تصاویر بصری در مورد افراد دارای معلولیت می‌تواند به تدریج، ظاهری قابل قبول‌تر و واقعی‌تر از افراد دارای معلولیت به مثابه مردم "عادی" خلق کند.

منبع:

نگین حسینی، وب سایت مدرسه همشهری، ۶ شهریور ۱۳۸۹

شبکه معلولیت (Disability Network) تلویزیون اونتاریو (TV Ontario) شیوه زندگی افراد دارای معلولیت را نشان می‌دهد، اما بیشتر افراد دارای معلولیت ترجیح می‌دهند به عنوان بخشی از جمعیت عادی نشان داده شوند. آگهی تبلیغاتی بی (Bay) اخیراً یک مدل را روی ویلچر طراحی کرد، تبلیغات مک دونالد نیز افرادی با انواع مختلف معلولیت را دربر گرفته است (King، ۱۹۹۲).

این تبلیغات پیش از آنکه یک قانون باشند، استثناء هستند. به نظر نمی‌رسد که تبلیغات‌کنندگان به این فکر کنند که افراد دارای معلولیت هم مشتری آنها هستند، نوشابه می‌خورند، دندان‌های شان را مسواک می‌زنند، یا خودروبی خریداری می‌کنند. ترسیم چهره‌ای طاقت فرسا از معلولیت، قاعده تلویزیون باقی می‌ماند، مانند برنامه‌های خیریه برای جمع‌آوری اعانه گلریزان. نمونه‌ای از این نوع برنامه‌ها، گلریزان جری لوئیس (Jerry Lewis Telethon) است که نشانگر مشارکت افراد تاجر سطح بالا و تولیدکنندگان خدمات، به علاوه کودک معلولی است که تنها و نیازمند است. تصاویر، معلولیت را مساوی رفتار کودکانه و شرایط نوزادی نشان می‌دهد، یک نقش جزیی، درحالی که ستاره غیرمعلول، سالم است، نورافکن روی او متمرکز می‌شود و دارای منزلت و اعتبار است. کمک به افراد دارای معلولیت، تبدیل به سرگرمی شده است (Dahl، ۱۹۸۷).

رسانه‌های جمعی، تصورات قالبی معلولیت را با تصویرسازی شخصیت‌های معلول تداوم می‌بخشند. اما شاهدهی وجود ندارد دال بر اینکه رسانه‌ها، تأثیرات عمده‌ای بر دستکاری نگرش‌ها و عقاید مخاطبان خود داشته باشند. محققان می‌گویند پی بردن به اثرات دقیق رسانه‌ها بر افکار عمومی، سخت است. ممکن است که نگرش‌ها و افکار به آرامی و به عنوان نتیجه آنچه که دیده یا شنیده می‌شود، تغییر کنند. نشانه‌هایی هست از درک انتخابی از آنچه تماشا شده است، یعنی مخاطبان تمایل دارند با آنچه که اعتقادات جاری‌شان را تقویت می‌کند، احساس نزدیکی کنند. بطور کلی به نظر می‌رسد "توان بالقوه‌ی رسانه‌های جمعی



بهناز جعفری، بازیگر تئاتر و سینما است. او که در مدرسه هنر و ادبیات صدا و سیما درس خوانده، بعد از اتمام تحصیل، فعالیتش را در تئاتر شروع کرد. جعفری مدتی در شهرک کهریزک، آموزش تئاتر را به افراد دارای معلولیت ساکن شهرک کهریزک انجام داد.



در گفت‌وگو با بهناز جعفری بررسی شد؛

نقش تئاتر در افزایش اعتماد به نفس افراد دارای معلولیت

دادید یا وارد بازار کار شدید؟

من چون زندگی مستقلی داشتم، باید برای گذران زندگی کار می‌کردم. به همین دلیل بعد از دریافت مدرک کارشناسی، بلافاصله فعالیت در تئاتر را شروع کردم. ورودم به این عرصه در دوران طلایی تئاتر در ایران بود. اساتید من در آن دوران بی‌نظیر و بی‌تکرار، افرادی چون؛ محمود دولت‌آبادی، بهزاد فراهانی، مجید سمندریان و بهرام بیضایی بودند. در کلاس بازیگری استاد سمندریان بودم که جدا سازی دخترها از پسرها، مطرح و اعمال شد. بعضی از اساتید در اعتراض به این جداسازی‌ها، فعالیت در تئاتر را ادامه ندادند ولی بعضی از آنها مانند؛ استاد هاید حائری، آموزش تئاتر را با استفاده از نقش‌های زنانه و مردانه از طریق دختران ادامه دادند و نقش‌های پسرانه را با دختران اجرا کردند. مثلاً دو دختر نقش رومئو و ژولیت را بازی کردند.

چون زندگی مستقلی داشتم، برای گذران زندگی باید کار می‌کردم. به همین دلیل بعد از دریافت مدرک کارشناسی، بلافاصله فعالیت در تئاتر را شروع کردم

گرفتم. با ورود به بازار کار متوجه فاصله زیاد از آنچه در سر صحنه می‌آموزم با دانشی که در دانشگاه آموخته‌ام، شدم. شاید در دانشگاه بالاترین نمره را هم گرفته باشم، ولی در جریان کار بود که از جزئیات صحنه نمایش مثل؛ نور، لنز، تدوین و غیره آشنا شدم. خوشحالم که در جریان فعالیت کاری، همه اینها را در آموختم.

بعد از گرفتن مدرک کارشناسی ادبیات نمایشی، ادامه تحصیل

لطفا خودتان را معرفی و از فعالیت‌های هنریتان بگویید؛

بهناز جعفری، متولد سال ۱۳۵۳ و بازیگر سینما هستم.

شما به عنوان یک بازیگر حرفه‌ای، فعالیت‌های هنری خود را از چه زمان و چگونه آغاز کردید؟

بعد از دوره راهنمایی، در رشته گرافیک در هنرستان مشغول به تحصیل شدم. به نقاشی علاقه زیادی داشتم و اگر بازیگر نمی‌شدم، نقاشی و طراحی را دنبال می‌کردم. هم‌زمان با تحصیل در هنرستان، برای آموزش تئاتر به مدرسه هنر و ادبیات صدا و سیما رفتم که بعد از تست بازیگری، برای بازی در فیلم سینمایی "روسی آبی" انتخاب شدم. از آن به بعد فعالیت حرفه‌ای خود را در سینما، سریال و تئاتر، ادامه دادم. شرایط خانوادگی من به نحوی بود که باید کار می‌کردم و روی پای خودم می‌ایستادم. در رشته ادبیات نمایشی در دانشگاه تهران هم درس خواندم و مدرک



کار در تئاتر را تا چه زمانی ادامه دادید و آیا هنوز هم در این عرصه فعالیت دارید؟

بعد از پاندمی کرونا و اتفاقاتی که در آن سال‌ها در جامعه هنری افتاد، فاصله و شکافی ایجاد شد که برای خیلی از بازیگران برای بازگشت دوباره به صحنه، تردید ایجاد کرد. برای من هم که تئاتر علاوه بر جایگاه حرفه‌ای، نقش درمانی هم داشت، ۴ سال فاصله از صحنه برایم بسیار دشوار بود. در تمام این سال‌ها با هر فعالیتی در تئاتر، حتی در کار با جوانان تازه وارد به این حوزه، احساس رشد و حیات می‌کردم ولی بعد از آن وقفه چند ساله، هنوز قادر به جبران این فاصله نشده‌ام. در شروع مجدد به صحنه نمی‌دانم با چه نسلی مواجه خواهم بود؟! نمی‌دانم با نسل جوانی که با فضای مجازی تحصیل و رشد کرده‌اند، چگونه باید ارتباط برقرار کنم؟ نمی‌دانم دیدن تئاتر برادران کارامازوف شش ساعته، چقدر در حد توان نسل جدید در تئاتر است؟

از دیگر فعالیت‌های اجتماعی خود بگویید؟

قبل از دوران کرونا همه بعد از ظهرها، در فضاهای نمایشی حضور داشتم تا در جریان اتفاق‌های این حوزه از نزدیک قرار بگیرم. ولی با تعطیلی تئاتر، دنیا برایم تیره و تار شد. برای پرکردن خلأ ناشی از این فاصله به فکر راه‌اندازی یک فعالیت تئاتری در جایی دیگر افتادم. از طریق یکی از دوستانم، با کهریزک و فعالیت‌هایش آشنا شدم و به فکر انجام کاری در آن مکان افتادم. برای ساکنان کهریزک رفت و آمد افراد نیکوکار و خیر پذیرفته شده بود و خیلی زود با مراجعان دوست شده و رابطه می‌گرفتند. در آشنایی بیشتر با آن فضا متوجه داستان‌ها و قصه‌های بسیاری در زندگی آنها شدم و به فکر آموزش تئاتر به این افراد افتادم. با دوست پزشکم در روابط عمومی

تئاتر بر نحوه بیان، افزایش اعتماد به نفس و شجاعت و ترمیم روح و روان افراد دارای معلولیت بسیار تاثیرگذار است

کهریزک در این مورد نقش تئاتر درمانی در بهبود روانی این افراد گفت‌وگو کردم و با استقبال ایشان، کار را شروع کردم. قرار شد در روزهای شنبه و چهارشنبه بین کلاس‌های متنوعی که در کهریزک برگزار می‌شد، ساعاتی را هم به تئاتر اختصاص دهیم. از اول سعی داشتم کلاس تئاتر و بازیگری را به عنوان یک کلاس جدی و نه تفریحی، جا بیاوریم. در کلاس از هر طیف و هر سنی از سالمند گرفته تا قطع نخاعی و فلج نخاعی حضور داشتند. کلاس را در سالن آمفی تئاتر مجموعه کهریزک برگزار کرده و سعی داشتیم شرکت‌کنندگان را قانون‌مند کرده تا کلاس را جدی بگیرند و سر ساعت حاضر شوند. از آقای حمید پورآذری، کارگردان باتجربه و درجه یک تئاتر که تجربه کار با افراد با نیازهای خاص را داشتند هم کمک گرفتیم.

این پروژه از چه زمانی در کهریزک شروع شد؟

آموزش تئاتر در آمفی تئاتر کهریزک را از سال ۱۴۰۱ در روزهای شنبه و چهارشنبه، با تعدادی محدود شروع کردیم که به مرور افزایش یافتند. ضعف بزرگ در کهریزک، نبودن یک سالن آمفی تئاتر مناسب بود. افراد ساکن در کهریزک، اغلب از شهرستان‌ها و روستاهای دور افتاده و محروم و از خانواده‌هایی محروم و ناآگاه که اغلب به دلیل ازدواج‌های فامیلی دچار فرزندان

با انواع اختلالات جسمی و ذهنی شدند، بودند. وقتی چنین افرادی مجبور به زندگی در جایی مثل کهریزک هستند، نیاز است که شرایط مناسبی برای رشد روحی و روانی آنها هم تدارک دیده شود. مثلاً موسیقی مناسبی در فضا پخش شود، کتابخانه درخوری با هماهنگی کتابفروشی‌های معتبر که کتاب‌های شنیداری و صوتی هم داشته باشند، برایشان تدارک دیده شود. حتی پیشنهاد راه‌اندازی رادیو کهریزک برای پخش موسیقی فاخر و کلاسیک در ساعاتی را دادم. افراد خیری که به کهریزک رفت و آمد دارند، انسان‌هایی فهیم، تحصیل‌کرده، تاثیرگذار و با مناعت طبع هستند ولی در مدیریت شهرک دخالتی ندارند.

کلاس تئاتر درمانی تا چه زمانی در کهریزک ادامه داشت و به کجا رسید؟

بعد از یک‌سال و نیم رفت و آمد به کهریزک، به این نتیجه رسیدیم که از خود افراد ساکن در این مرکز شروع کنیم. از آنها خواستیم در مورد خودشان، خانواده‌هایشان و قصه‌هایی که در شهر و دیارشان وجود دارد و از دغدغه‌هایی که با آن روبه‌رو هستند در مراسمی چون؛ اعیاد مذهبی و ملی بگویند. سعی داشتیم تماشاچیان را هم درگیر موضوع کنیم. تمرین‌ها انجام شد و تاثیر آن را در روحیه و رفتار افراد دارای معلولیت از نزدیک مشاهده کردیم. ولی قبل از نمایش عمومی در سالن ورزشی کهریزک، از ما خواستند آن را برای بازبینی از طرف نمایندگان وزارت ارشاد اجرا کنیم. چون زیر بار این درخواست نرفتیم، ادامه کار متوقف شد. تمام هزینه‌های این یک‌سال و نیم، از هزینه ایاب و ذهاب گرفته تا زمانی که دانشجویان تئاتر صرف این فعالیت کرده‌بودند و هر هزینه دیگری را خودمان تقبل کرده‌بودیم و به جز همکاری و برداشتن موانع،



کمک کرد و به کمک او مستند «یک پروژه ناتمام» را که در مورد کلاس‌های تئاتر درمانی در کهریزک بود، ساخته شد. شرکت در جشنواره ارغوان بهانه‌ای برای ارائه تجربه‌ای که از کارنمایشی با افراد دارای معلولیت کهریزک داشتم بود و تیری در تاریکی به امید باز شدن راهی برای پاسخگویی به دغدغه‌هایم بود.

مخاطب فیلم شما چه کسانی بودند؟

مخاطب من مسئولان و دست‌اندرکاران موسسه کهریزک و سایر موسسات مربوط به افراد دارای معلولیت بودند. متأسفانه با بی‌توجهی گسترده‌ای که در موضوع معلولیت در جامعه وجود دارد و با عدم غربالگری، تعداد افراد دارای معلولیت رو به افزایش هستند. مخاطب من مسئولانی هستند که با دیدن مشکلات این افراد در پی رفع آن باشند. دوست دارم توانیابان و افراد دارای معلولیت با توانایی‌های درخشانی که دارند، روی صحنه تئاتر بدرخشند و شاهد حبس نفس در سینه آدم‌ها وقتی که به توانایی‌های فردی که روی ویلچر است پی می‌برند، باشم. در آرزوی هموار شدن مسیر این افراد در رسیدن به حداکثر توانمندی‌شان هستم. هدف من از ساخت این مستند ۷ دقیقه‌ای، فرهنگ‌سازی در مورد این افراد و لزوم توجه به مسائل روحی و روانی آنها بود.

شرکت در جشنواره ارغوان، بهانه‌ای برای ارائه تجربه‌ای که از کارنمایشی با افراد دارای معلولیت کهریزک داشتم بود

مورد چگونگی آشنایی‌تان با این جشنواره و مستندی که تهیه کردید بگویید:

من از طریق یکی از دوستان، از برگزاری جشنواره ارغوان مطلع شده و تصمیم گرفتم از این فرصت هم استفاده کنم. زمانی که با بچه‌های کهریزک کار کردم، از بیشتر تمرین‌ها فیلم می‌گرفتم تا شاید بتوانم قصه‌ای از شان استخراج کنم. دوربین را به دست خودشان، مادرپارها و دانشجویان تئاتری که همراهم بودند، می‌دادم. وقتی با جشنواره ارغوان آشنا شدم، با وجودی که فرصت زیادی برای فرستادن فیلم نداشتم، سعی کردم در این رویداد شرکت کنم. از یکی از دوستان تدوین‌گرم برای ساختن مستند هفت دقیقه‌ای از فیلم‌هایی که داشتم درخواست

توسط مدیران مجموعه هیچ انتظاری نداشتیم ولی کار ادامه پیدا نکرد. به همین سادگی تمام تلاش این گروه حرفه‌ای و دغدغه‌مند، بی‌ثمر شد و به سرانجام نرسید.

آیا بعد از قطع رابطه با مجموعه کهریزک، آموزش تئاتر را در جای دیگری هم ادامه دادید؟

بعد از این تجربه، تئاتر را با بچه‌های کار، ادامه دادم. به عمو اکبر از گروه طلوع بی‌شان‌ها مراجعه کردم. (عمو اکبر اصطلاحی است که بچه‌های کار به آقای..... داده‌اند) ایشان از این پیشنهاد استقبال کرد و قرار شد با این بچه‌ها هم تئاتر کار کنیم. شش جلسه با تعدادی از بچه‌های از دوازده سال به بالا تمرین‌هایی را شروع کردیم. ولی وقتی می‌خواستم تنفس شکمی و دیافراگم که تنفسی نامحسوس بود را به آنها یاد بدهم، به لمس بچه‌ها در تمرین‌ها ایراد گرفتند و این کار هم ادامه نیافت. فعلاً در فکر کار با سالمندان در پارک‌ها هستم. من کار تئاتر را بسیار دوست دارم و می‌دانم که چه تاثیری بر روحیه و توانمندی و اعتماد به نفس افراد دارد. همچنین مشتاق کار با افراد دارای معلولیت هم هستم.

شما در جشنواره ارغوان شرکت کردید و مستند کوتاهی هم ساختید. در



مریم نیک‌نژاد، متولد سال ۶۱، فارغ‌التحصیل دکترای رشته مدیریت فناوری اطلاعات و کارمند رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی است. با او در مورد مسیری که در زندگی با وجود همه مشکلات طی کرده و به موفقیت رسیده‌است به گفت‌وگو نشستیم. دکتر نیک‌نژاد در جشنواره ارغوان شرکت کرد و مستند او به عنوان یکی از ده مستند برتر، لوح تقدیر جشنواره را دریافت نمود.



دکتر مریم نیک‌نژاد؛

قصد داشتم نمونه‌ای، برای جلب اعتماد مراکز دولتی به افراد دارای معلولیت، باشم

ابتدایی و راهنمایی را در خانه و دوره دبیرستان را در مدرسه گذراندم. از کودکی با ویلچر حرکت می‌کردم و همیشه جزو شاگردان ممتاز مدرسه بودم. در کنکور سال ۷۹، در رشته مهندسی کامپیوتر در دانشگاه الزهرا قبول شدم. کارشناسی ارشد در رشته مهندسی فناوری اطلاعات را بطور مجازی در دانشگاه شیراز خواندم و دوره دکترا را هم در دانشگاه آزاد گذراندم. بعد از لیسانس، در آزمون استخدامی وزارت اقتصاد شرکت کرده و پذیرفته شدم. دوران کارشناسی ارشد و دکترا را در حین کار گذراندم. از سال ۸۴ در وزارت اقتصاد مشغول به کار هستم و در مرکز فاوا مدیریت پروژه و نظارت بر فعالیت پیمانکاران این حوزه را برعهده دارم.

ارتباط شما با همکاران و مدیران مربوطه در محیط کار چگونه است؟
همیشه از این که توانسته بودم در یک ارگان دولتی و در جایگاهی مورد علاقه‌ام، مشغول به کار شوم، خوشحال بودم و سعی داشتم به

چهار کتاب تألیف کرده که سه تا از آنها در حوزه فناوری اطلاعات و کتاب چهارم در حوزه آموزش به افراد دارای معلولیت و اطرافیان‌شان است

برای آن پیدا نشده بود. چند سالی است که دارویی برای جلوگیری از پیشرفت بیماری در خارج از کشور ساخته شده ولی به دلیل هزینه بسیار بالا، متأسفانه هنوز در ایران قابل استفاده نبوده است. اما به تازگی دارویی در کشور تولید شده و در دسترس است که امیدوارم در بهبود وضعیت بیماران موثر واقع شود.

دوران تحصیل را چگونه گذراندید؟
مادرم مدیر دبیرستان بودند و با کمک ایشان و یکی از خواهرانم، دوره

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

مریم نیک‌نژاد، متولد سال ۶۱، فارغ‌التحصیل دکترای رشته مدیریت فناوری اطلاعات و کارمند رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی هستم. من به بیماری SMA که یک بیماری عضلانی نخاعی است هم مبتلایم. دو ترم در رشته کامپیوتر دانشگاه رعد تدریس کردم که به دلیل تداخل با کارم در وزارت اقتصاد قادر به ادامه همکاری نشدم.

از زندگی با بیماری و روند تحمیلتان تا مقطع دکترا بگویید؟

والدینم تا یک‌سال و نیم، نسبت به بیماری من آگاهی نداشتند. چون در سن مناسب، راه افتاده بودم. اما نیازم به کمک دیگران در راه رفتن، آنها را نگران کرد و مرا نزد پزشکان مختلفی که آن زمان شناختی از این بیماری نداشتند بردند. پدرم در سه سالگی مرا به انگلیس برد و با وجودی که پزشکان، بیماری را تشخیص دادند، ولی قادر به درمان نشدند چون در آن زمان هنوز درمانی



بهترین نحو و حتی بیشتر از سایر همکارانم کار و تلاش کنم. می‌خواستم نمونه‌ای در یک سازمان و ارگان مهم برای جلب اعتماد آنها به افرادی که معلولیت دارند باشم. با همکارانم در محیط کار ارتباط دوستانه و حرفه‌ای دارم. این جایگاه ویژه، از شانس‌های من در زندگی است.

شما چندین کتاب هم تالیف کرده‌اید، در مورد کتاب‌هایتان بگویید؟

من چهار کتاب تالیف کرده‌ام. سه کتاب در حوزه فناوری اطلاعات و کتاب چهارم با عنوان «بدانیم تا به توانیم» در حوزه آموزش به افراد دارای معلولیت و اطرافیان‌شان است. این کتاب شامل سه بخش می‌باشد؛ در بخش اول، به مواردی که لازم است افراد دارای معلولیت برای داشتن زندگی بهتر بدانند مثل: پذیرش و کنار آمدن با شرایط زیستی خود و تلاش در جهت افزایش مهارت‌هایی چون؛ عزت نفس، اعتماد به نفس و داشتن احساس ارزشمندی پرداخته‌ام. در بخش دوم، آموزش‌هایی را به نزدیکان افراد دارای معلولیت، از پدر و مادر گرفته تا خواهر و برادر، دوستان، معلم و اولیای مدرسه و مدیران اداری و همکاران در محیط کار، ارائه داده‌ام. در بخش سوم، از آداب معاشرت و ارتباطات افراد دارای معلولیت با اطرافیان‌شان گفته‌ام. در این بخش به تفکیک انواع معلولیت‌ها، به رفتار اطرافیان نسبت به افرادی که روی ویلچر هستند یا با عصا راه می‌روند و یا معلولیت‌های دیگری دارند، اشاره کرده‌ام.

آنچه در این کتاب آخری آمده، بر اساس تجربیات شخصی خودتان است؟

دو بخش اول این کتاب را بر اساس تجربیات شخصی خودم نوشته ولی در بخش سوم، به جمع‌آوری منابع تحقیقاتی موجود در حوزه معلولیت و بومی‌سازی آن پرداخته‌ام. در این منابع، مواردی که در مغایرت با فرهنگ ملی ما مانند، استفاده از سگ راهنما برای افراد دارای معلولیت و

فیلم من،
به عنوان یکی از ده مستند،
لوح تقدیر جشنواره ارغوان را
دریافت کرد

برای امتحانات، مرخصی می‌گرفت. رفت و آمدم در دوران دبیرستان و دانشگاه هم برعهده پدرم بود. دلیل عمده ادامه تحصیل تا مقطع دکترا، تشویق‌های پدر و مادرم بود. در اولین سال دبیرستان که کلاس‌ها در طبقات بالا تشکیل می‌شدند، پدرم مرا بغل می‌کرد و از پله‌ها بالا و پایین می‌برد. اولیای مدرسه من را به رفتن به مدارس استثنایی که مناسب‌سازی بودند تشویق می‌کردند ولی پدر و مادرم ترجیح دادند که در مدارس عادی درس بخوانم تا هم به افزایش مهارت‌هایم کمک شود و هم افراد جامعه با دیدن افرادی چون من در کنار خود، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را یاد بگیرند.

شما در جشنواره ارغوان هم شرکت داشتید. چگونه از برگزاری این جشنواره مطلع و تصمیم به ساختن مستند گرفتید؟

تبلیغ جشنواره ارغوان را در صفحه اینستاگرام یکی از دوستان دیدم و از برگزاری آن خوشحال شدم. همیشه از چنین موقعیت‌هایی به عنوان یک فرصت، در ارائه نظرات و اهدافم استفاده می‌کنم.

موضوع مستندی که ساختید چه بود و آیا در کارگاه آموزشی مربوط به جشنواره هم شرکت داشتید؟

مستندی که ساختم از زندگی خودم بود. سعی کردم از مشکلات و چالش‌های زندگی افراد دارای معلولیت در ایران و مقایسه آن با دیگر کشورها هم بگویم. با استفاده از ویدیوهایی که از قبل گرفته‌بودم، یک فیلم ترکیبی ساختم. فیلم من، یکی از ده مستند برگزیده شد و لوح تقدیر جشنواره ارغوان را دریافت نمود. من در کارگاه آموزشی جشنواره شرکت نکردم. چنین فعالیت‌هایی در فرهنگ‌سازی عمومی بسیار موثر است. در کودکی از برخورد ترحم‌آمیز مردم بسیار آزرده می‌شدم ولی بزرگ‌تر که شدم یاد گرفتم به این نگاه‌ها و گفته‌ها توجهی نداشته باشم. رویدادهایی مانند جشنواره ارغوان،

نابینا است را حذف کردم. هدف من از تالیف این کتاب، آگاه سازی و فرهنگ‌سازی در جامعه نسبت به افرادی که معلولیت دارند است. امیدوارم کتاب «بدانیم تا به توانیم» به عنوان مرجعی مفید و موثر برای کسانی که با مقوله معلولیت سروکار دارند مطرح شود. متأسفانه جامعه ما در مقوله آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی در خصوص انواع تفاوت‌ها و معلولیت‌ها بسیار عقب است. این عقب‌ماندگی در مقایسه با سایر کشورها، بیشتر به چشم می‌خورد. مثلاً در سوار شدن به آسانسور در مکان‌های عمومی، هیچکس حق تقدیمی برای فردی مانند من قائل نمی‌شود! در سفری به پاریس، به صفی طولانی برای سوار شدن به مترو رسیدم و از اینکه مسافران با دیدن من، با لب‌خند کنار رفته و راه را برای من که ویلچری بودم باز کردند، تعجب کردم! در مورد نقش خانواده در موفقیت‌هایتان بگویید:

به طور کلی خانواده، نقش بسیار مهمی در موفقیت فرزند دارای معلولیت دارد. پدر و مادر من هم همین‌طور بودند. من یک برادر و خواهر بزرگ‌تر از خود و یک خواهر کوچک‌تر از خودم دارم. درس‌های مدرسه من هم باید مانند سایر فرزندان خانواده درس خوانده و پیشرفت می‌کردم. تحصیل، اولویت اول خانواده و مخصوصاً پدرم بود. او شاغل بود و برای بردن من به مدرسه



توجه عموم مردم را به موضوع معلولیت جلب می‌کند که بسیار ارزشمند است. این وظیفه‌ای است که در مرحله اول، برعهده صدا و سیما و آموزش و پرورش است ولی متأسفانه هیچ آموزشی در مدارس در مورد به رسمیت شناختن حقوق افرادی که معلولیت دارند، داده نمی‌شود. صدا و سیما هم به جای فرهنگ‌سازی، فرهنگ‌سوزی می‌کند. در بسیاری از سریال‌ها و فیلم‌ها، عاقبت افراد خطاکار و مجرم، ویلچرنشین شدن آنها است! چنین رویکردی این تصور را ایجاد می‌کند که ویلچرنشینی، عقوبت کارهای بدی است که فرد یا خودش یا پدر و مادرش انجام داده‌اند! یک فرد دارای معلولیت، نه یک فرشته و بنده خاص خدا و نه تقاص و عقوبت یک گناه نابخشودنی است.

آیا مایل به شرکت در دوره‌های بعدی جشنواره ارغوان هم هستید؟

اگر فرصت برایش مهیا باشد، حتما شرکت می‌کنم. افرادی که معلولیت دارند باید از چنین فرصت‌هایی حداکثر استفاده را در جهت فرهنگ‌سازی عمومی انجام دهند. نباید منتظر بمانند که دیگران کاری برایشان انجام دهند. باید از هر فرصتی برای ابراز وجود و نشان دادن توانایی‌ها و انتظاراتشان استفاده کنند. تلاش می‌کنم در دوره بعدی هم شرکت کنم.

چه پیشنهادی برای بهتر برگزار کردن جشنواره ارغوان دارید؟

به نظرم اطلاع‌رسانی در مورد این جشنواره خیلی بیشتر و وسیع‌تر باید انجام شود. جشنواره دیگری در حوزه افراد دارای معلولیت به نام جشنواره بین‌المللی پرواز هم وجود دارد که امسال ششمین دوره آن در برج آزادی برگزار شد. در این جشنواره از من به عنوان یکی از اعضای شورای سیاست‌گذاری، دعوت به عمل آمد. جشنواره پرواز یک جشنواره بین‌المللی است و امیدوارم روزی جشنواره ارغوان هم بصورت بین‌المللی برگزار

یک فرد دارای معلولیت،
نه یک فرشته و بنده خاص خدا و
نه تقاص و عقوبت یک گناه
نابخشودنی است!

نیاز افراد دارای معلولیت است هم معرفی شوند. خوشبختانه موسسه رعد اسپانسر من شد و در حال حاضر این سایت با نام «behtavanim.com» آماده بهره‌برداری است که امیدوارم بزودی رونمایی شود. اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی در خصوص این حوزه بسیار مهم است و من بنا به مسئولیتی که احساس می‌کنم، سعی دارم هرچه در این حوزه لازم است را در صفحه اینستاگرام خودم dr.maryam.niknezhad ، اطلاع‌رسانی کنم. از بعضی از پست‌های من خیلی استقبال می‌شود و این نشان دهنده نیاز جامعه به اطلاع‌رسانی است. من به کارهای هنری و نقاشی با خودکارهای رنگی هم علاقمندم و تلاش می‌کنم در جشنواره‌های هنری مربوط به افراد دارای معلولیت شرکت کنم.

و سخن آخر:

اگر افراد دارای معلولیت خانواده حمایتگر داشته‌باشند، ادامه راه برایشان ساده‌تر می‌شود ولی اگر چنین امکانی را هم نداشته‌باشند، باید با تلاش بیشتر به موفقیت برسند. یعنی حداکثر تلاش خود را صرف رسیدن به آرزوهایشان کنند و منتظر حمایت دیگران نباشند. سخنی از چارلی چاپلین همیشه آویزه گوش من است که می‌گوید: شاید زندگی آن جشنی نباشد که تو توقع آن را داشتی، ولی حالا که به آن دعوت شده‌ای تا آنجا که می‌توانی زیبا برقص.

توصیه‌ام به دوستان دارای معلولیت این است که؛ در افزایش عزت نفس خود و در افزایش توانایی‌های خود بیشتر تلاش کرده و مهارت‌هایی را که به آنها علاقه دارند را یاد گرفته و مطمئن به گشایش در مسیرشان باشند.

صحبت‌م با افراد تندرست جامعه هم این است که افراد دارای معلولیت که جمعیت بزرگی در کشور هستند را بپذیرند و به حقوق آنها احترام بگذارند.

شود. در جشنواره پرواز، هم‌زمان با اکران فیلم‌ها کارگاه‌هایی هم با موضوع معلولیت برگزار می‌شد. من در این جشنواره، کارگاهی را در مورد نحوه رفتار و تعاملات افراد دارای معلولیت با جامعه و با خودشان اجرا کردم. جالب این بود که بخاطر برگزاری این جشنواره در برج آزادی، فضای برج را برای حضور افراد دارای معلولیت مناسب‌سازی کردند که خیلی با ارزش بود.

شما در حوزه معلولیت، فعالیت‌های دیگری هم دارید. در مورد این فعالیت‌ها هم بگویید؟

من دبیر کانون معلولان منطقه دو ناحیه شش هستم. در یک بازه زمانی شناسایی فضاهای شهری منطقه که نیاز به مناسب‌سازی داشت را انجام می‌دادم. با ویلچر در محله‌های مختلف حرکت کرده و مکان‌هایی که نیاز به پل، معبر و مناسب‌سازی داشت را به شهرداری اعلام می‌کردم. در مقابل منزل ما نیاز به پل کوچکی برای رفت و آمد بود که بعد از سه سال پیگیری، بالاخره انجام شد. چند سال قبل هم در رویدادی استارت‌آپی در رعد، ایده راه‌اندازی وب‌سایتی برای تامین نیازهای افراد دارای معلولیت را مطرح کردم که افراد بتوانند بعد از ثبت نام، مهارت‌ها و تخصص خود را برای ورود به بازار کار اعلام کنند. در این وب‌سایت قرار است محصولات و تولیداتی که مورد



ملیحه خانی مدرس زبان انگلیسی در رعد است، او که از سال ۹۵ همکاری‌اش را با موسسه آغاز کرده در آشنایی نزدیک با افراد دارای معلولیت، متوجه توانایی‌های بسیار این افراد شد.



ملیحه خانی، مدرس زبان؛

در رعد فهمیدم که با معلولیت هم می‌توان زندگی موفق داشت

افرادی که توسط همین اتفاقات دچار معلولیت شده‌بودند، آشنا و دوست شوم. آن زمان در جهاد دانشگاهی تدریس زبان داشتم و از طریق یکی از همکاران، با موسسه رعد و فعالیت‌هایش آشنا شدم و فهمیدم که به مدرس زبان انگلیسی نیاز دارند. تصمیم گرفتم برای تدریس در رعد اقدام کنم، پذیرفته و مشغول به کار شدم. جالب بود که در چند ماه اول، با بچه‌هایی آشنا شدم که در اثر حوادث و آنچه که همیشه از آن ترس داشتم، دچار معلولیت شده بودند. آن زمان به این فکر می‌کردم که اگر روزی از خواب بیدار شوم و نتوانم راه بروم چی می‌شود؟ در رعد با فردی آشنا شدم که همین

در چند ماه اول، با بچه‌هایی آشنا شدم که در اثر حوادث و آنچه که همیشه از آن ترس داشتم، دچار معلولیت شده بودند

اگر در پیاده رو راه می‌رفتم به این فکر می‌کردم که اگر وزنه سنگینی از بالا روی سرم بیفتد و دچار آسیب مغزی شوم، چه سرنوشتی پیدا خواهم کرد؟! مدتی این افکار آرام می‌داد تا اینکه خودم را برای خودخواهی و اینکه فقط نگران خودم بودم، سرزنش کردم و تصمیم گرفتم با

لطفاً خودتان را معرفی و از چگونگی همکاری‌تان با مجموعه رعد بگویید:

ملیحه خانی نیکچه، مدرس زبان انگلیسی در مجموعه رعد هستم و از سال ۹۵ با این موسسه همکاری دارم. لیسانس مترجمی زبان و فوق لیسانس حقوق دارم. شغل و حرفه من تدریس زبان انگلیسی در آموزشگاه‌ها و در موسسه رعد است. در مورد نحوه آشناییم با مجموعه رعد باید به درگیری ذهنی که مدتی با آن درگیر بودم اشاره کنم. من مدتی دچار وسواس فکری شدم و از اینکه ممکن است روزی دچار معلولیت شوم، ترس داشتم. مثلاً اگر در استخر می‌خوابتم شیرجه بزنم، نگران اصابت سرم به کف استخر و ضربه مغزی می‌شدم. یا مثلاً



آشنایی با رعد، نگرانی از معلول شدن را از بین برد، چون دیدم که با وجود معلولیت هم می‌شود زندگی کرد و موفق بود

حضور و ترمی شدند. اگر تعداد بچه‌ها برای شروع یک کلاس دیگر از پایه به حد نصاب برسد، کلاس جدیدی را شروع می‌کنیم. در پایان هر ترم امتحان گرفته می‌شود و بچه‌ها به ترم بالاتر می‌روند. اگر کسی نتوانست نمره لازم را بگیرد به او زمان می‌دهیم و دوباره امتحان می‌گیریم. معمولاً کلاس زبان با تعداد زیاد شروع شده و به مرور تعدادشان کم‌تر می‌شود. در همین ترم، کلاس را با بیست نفر شروع کردیم و الان با شش نفر ادامه می‌دهیم. کلاس‌های آنالین، معمولاً پرجمعیت‌تر هستند. بچه‌ها در این کلاس‌ها چهار مهارت؛ خواندن، صحبت کردن، گوش کردن و نوشتن را یاد می‌گیرند. کلاس‌های حضوری یک روز در هفته و کلاس‌های آنالین دو روز در هفته برگزار می‌شود.

هنرچوها در پایان هر دوره مدرک می‌گیرند؟

مدرک این کلاس‌ها، مدرکی است که بر مبنای اینکه که چه کتابی خوانده و چه نمره‌ای کسب کرده‌اند از طرف رعد به آنها داده می‌شود. البته زبان بگونه‌ای است که هر کجا بخواهی کار کنی از تو می‌خواهند که صحبت کنی و اگر مدرک هم داشته‌باشی و نتوانی صحبت کنی، مدرک تو را قبول نمی‌کنند. زبان یک مهارت کاربردی است ولی مدرک اصلی و رسمی در زبان، همان تافل و آیلتس است. بچه‌هایی که در مجتمع رعد به سطوح بالاتری در زبان برسند، برای شرکت در دوره‌های تکمیلی و پیشرفته به موسسات دیگر مثل جهاد دانشگاهی معرفی می‌شوند.

چه توصیه‌ای به بچه‌های رعد دارید؟

من از بچه‌ها می‌خواهم که حتماً تکالیفشان را انجام داده و در این زمینه کوتاهی نکنند. امیدوارم که در کنار هم بتوانیم در یادگیری و ارتقای مهارت‌های زبان انگلیسی به موفقیت برسیم.

انگلیسی علاقه داشته و آموزش زبان استقبال می‌کنند. مخصوصاً افرادی که به دنبال مهاجرت به خارج از کشور یا به دنبال کار هستند. وقتی بچه‌ها توانایی صحبت به زبان انگلیسی را پیدا می‌کنند، اعتماد به نفسشان بالا رفته و سر شوق می‌آیند. به هر حال به دلیل مشکلات جسمی نمی‌شود با آنها خیلی سخت‌گیری کرد. تعطیلات پی در پی هم، در روند یادگیری آنها اختلال ایجاد می‌کند.

از اینکه در رعد مشغول به کار هستید، چه احساسی دارید؟

من از تدریس در رعد بسیار خوشحالم چون دوست داشتم از نزدیک با این بچه‌ها آشنا شوم. آشناییم با رعد، نگرانی از معلولیت را در من از بین برد، چون دیدم که با وجود معلولیت هم می‌شود زندگی کرد و موفق بود.

کلاس‌ها چگونه برگزار می‌شوند، ترمی یا سالی و چند نفر در هر کلاس هستند؟

کلاس‌ها بصورت ترمی برگزار می‌شوند. البته به صورت آزاد هم که وقتی یک کتاب تمام شد وارد سطح بالاتر می‌شوند هم داریم. فعلاً تنها مدرس زبان در رعد هستیم و با بچه‌ها بالا می‌آیم. قبل از کرونا، در چند سطح کلاس زبان داشتیم و در زمان کرونا کلاس‌ها بصورت آنالین برگزار می‌شد. از بعد از کرونا کلاس‌های

اتفاق برایش افتاده بود، شب خوابیده بود و صبح نتوانسته بود روی پاهایش بایستد و راه برود. شش ماه اول دیدن افرادی که معلولیت داشتند و آشنایی با درد و مشکلات آنها برایم بسیار مشکل بود. اینکه می‌دیدم در اثر قصور پزشکی، نوزادی به فلج مغزی دچار شده و عمری را با معلولیت سپری می‌کند برایم دردناک بود و فکر می‌کردم که چرا کوتاهی یک فرد، سرنوشت و زندگی فرد دیگری را تغییر می‌دهد و کسی هم جوابگو نیست. بچه‌هایی را در رعد دیدم که تا قبل از حادثه‌ای که برایشان اتفاق افتاده بود، نمی‌دانستند ضایعه نخاعی و ویلچر چیست؟ من با چنین افکاری به بهانه تدریس به رعد آمدم و از نزدیک با بچه‌های دارای معلولیت آشنا شدم و نزدیک به هشت سال است که در رعد ماندگار شده‌ام.

کار و تدریس با افراد دارای معلولیت چگونه است؟

بچه‌های رعد بسیار خوب و مهربان هستند و من از کار با آنها خیلی خوشحالم. خیلی مستعد و پیگیر هستند ولی به دلیل مشکلات جسمانی که دارند، نمی‌شود با آنها سخت‌گیری کرد. مثلاً غیبت‌هایشان به دلیل مشکلاتشان، گاهی بیش از حد می‌شود. مثلاً دچار زخم بستر می‌شوند و گاهی به دلیل داشتن وقت دکتر نمی‌تواند در کلاس حاضر شده و یا تکالیفشان را انجام نمی‌دهند. ولی از لحاظ ذهنی مشکلی ندارند و خیلی خوب یاد می‌گیرند. هم در کلاس‌های آنالین و هم در کلاس‌های حضوری، بچه‌هایی هستند که ترم به ترم بالا آمده و در سطح خوبی از زبان هستند. زبان انگلیسی یک مهارت کاربردی است و افراد دارای معلولیت هم مثل بقیه افراد جامعه به آن نیاز دارند. اکثر بچه‌ها به زبان



دانشگاه آزاد اسلامی واحد فرشتگان از سال ۱۳۹۸ توسط دکتر مقداری، استاد مکانیک دانشگاه شریف راه‌اندازی شد. ایشان بعد از ساختن رباتی سخنگو به زبان اشاره به همراه تیم دانشجویی رباتیک دانشگاه شریف، با حوزه ناشنوایی بیشتر آشنا شد و بعد از طی مراحل به فکر تاسیس دانشگاهی برای آموزش ناشنوایان و کم‌شنوایان افتاد. در گفت‌وگو با دکتر امین بوعلی زاده، مدیر روابط عمومی دانشگاه از چگونگی احداث، اهداف و چشم‌انداز این دانشگاه پرسیدیم که می‌خوانید.



مدیر روابط عمومی دانشگاه فرشتگان؛

دومین دانشگاه در جهان با محوریت ناشنوایان هستیم!

از سال ۱۳۹۸ توسط دکتر مقداری، استاد مکانیک دانشگاه شریف که سال‌ها در جایگاه معاونت و ریاست دانشکده مکانیک، در بخش رباتیک دانشگاه فعالیت داشتند، راه‌اندازی شد. ایشان وقتی که در سال ۱۳۹۴ به همراه تیم دانشجویی رباتیک دانشگاه شریف، رباتی سخنگو به زبان اشاره برای افراد ناشنوا و بچه‌های اوتیسم ساختند، با حوزه ناشنوایی بیشتر آشنا شده و بعد از معرفی این ربات در کنفرانسی در آمریکا، با دانشگاهی در واشنگتن دی‌سی با قدمتی ۱۵۰ ساله با محوریت آموزش دانشجویان ناشنوا و معلولیت‌های دیگر مرتبط شدند. در این کنفرانس، با هیات علمی ناشنوا، استادان ناشنوا و کارمندان

سیاست دانشگاه فرشتگان، پذیرش ۷۰ درصد دانشجوی دارای معلولیت و ۳۰ درصد دانشجوی غیرمعلول در کنار هم است

دانشجویان و کارکنان دانشگاه هم در جشنواره داشتیم که حتی فیلم یکی از این عزیزان، فیلم "سپیده" برگزیده جشنواره ارغوان شد.

کمی به عقب برگردیم و در مورد دانشگاه فرشتگان و چگونگی آغاز به کار و اهدافش بگویید:
دانشگاه آزاد اسلامی واحد فرشتگان

لطفا بعد از معرفی خودتان، از چگونگی همکاری شما به عنوان مدیر روابط عمومی دانشگاه فرشتگان با جشنواره ارغوان بگویید:

محمد امین بوعلی‌زاده، مدیر روابط عمومی و مدیر واحد بین‌الملل دانشگاه فرشتگان هستیم. سابقه فعالیت در سازمان صدا و سیما داشته و در حوزه تولید مستند، تهیه برنامه‌های تلویزیونی، سریال و فیلم‌های سینمایی هم فعالیت داشته‌ام. در همکاری با خانم رضوان سرمد، دبیر جشنواره ارغوان، پیاده‌سازی فیلم‌ها، ترجمه به زبان اشاره و زیرنویس کردن آنها را برعهده داشتیم. شرکت‌کننده‌هایی از اساتید،



ناشنوای دانشگاه، از نزدیک آشنا شده و به فکر تاسیس چنین دانشگاهی برای ناشنویان در ایران افتادند. ایشان پس از بازگشت در مراجعه به وزارت علوم و فناوری، لزوم تاسیس دانشگاهی با محوریت افراد کم‌شنوا و ناشنوا را مطرح و به جای خالی آموزش‌های تکمیلی بعد از گذشت صد سال که از تاسیس مدارس باغچه‌بان و ابداع زبان اشاره در ایران می‌گذرد، اشاره نمود. این پیشنهاد مورد استقبال مدیران وزارتخانه قرار گرفت ولی تا مدت‌ها اقدام عملی در این خصوص دنبال نشد. تا این که در جلساتی که با حضور روسای دانشگاه آزاد برگزار می‌شد، دکتر مقداری این موضوع را با دکتر تهرانچی، ریاست کل دانشگاه آزاد اسلامی ایران، مطرح نمودند. بعد از موافقت دکتر تهرانچی با این پیشنهاد، قرار شد شعبه‌ای از شعبات دانشگاه آزاد به تحصیلات تکمیلی افراد با نیازهای خاص و با محوریت ناشنویان و کم‌شنوایان اختصاص یابد. به این ترتیب دانشگاه آزاد بین‌الملل اسلامی واحد فرشتگان با نیازهای افراد خاص با محوریت جامعه ناشنویان، راه‌اندازی شد.

دانشگاه از چه زمانی تاسیس شد و از چه زمانی دانشجویان در آن مشغول به تحصیل شدند؟

روند تاسیس و واگذاری ساختمانی به این حوزه، در سال‌های ۹۸-۹۹ دنبال شد و بالاخره دانشگاه فرشتگان در سال ۹۹ رسماً آغاز به فعالیت کرد و به این ترتیب دومین دانشگاه در جهان با محوریت ناشنویان در ایران آغاز به کار نمود.

تمرکز دانشگاه در سال‌های اول، بر جذب دانشجویان کم‌شنوا و ناشنوا بود ولی به تدریج به جذب سایر معلولیت‌ها مانند؛ جسمی‌حرکتی‌ها، اوتیسم و سندروم داون هم پرداخت.

یکی از جذابیت‌های دانشگاه فرشتگان، تشکیل اولین هیأت علمی ناشنوا در دانشگاه است. این افراد، اساتید برجسته‌ای هستند که در دانشگاه‌ها تحصیل کرده، مدرک گرفته و جذب این دانشگاه شدند

کدام رشته‌ها و تا چه مقطعی در دانشگاه ارائه می‌شوند و تاکنون چند نفر از دانشجویان فارغ‌التحصیل شده‌اند؟

رشته‌های ارائه شده در این دانشگاه، با الگو گرفتن از همان دانشگاه آمریکایی با سابقه فعالیت صد و پنجاه ساله، شامل رشته‌های مهارتی و کاربردی مانند؛ فناوری اطلاعات، کامپیوتر، گرافیک، نقاشی، ساخت طلا و جواهر، طراحی لباس و پوشاک، حسابداری، معماری و زبان هستند. در مقاطع کاردانی، کارشناسی ناپیوسته و پیوسته و کارشناسی ارشد جذب دانشجو داریم و تاکنون حدود ۸۰ نفر از دانشجویان، فارغ‌التحصیل و سه دوره جشن فارغ‌التحصیلی را با حضور معاونین ریاست جمهوری و ریاست دانشگاه برگزار کرده‌ایم.

پذیرش دانشجو از چه طریقی انجام می‌شود؟

پذیرش دانشجو هم از طریق، شرکت در آزمون سراسری دانشگاه‌ها و کنکور سراسری و هم از طریق بررسی سوابق تحصیلی متقاضیان و بدون آزمون انجام می‌شود.

آیا از دانشجویان بدون معلولیت و تندرست هم پذیرش انجام می‌شود؟

سیاست دانشگاه فرشتگان، پذیرش ۷۰ درصد دانشجوی دارای معلولیت و ۳۰ درصد از افراد تندرست و

غیرمعلول است. این الگو را دکتر مقداری از دانشگاه در واشنگتن دی‌سی که بر مبنای ایجاد زمینه برای همزیستی دو جامعه دارای معلولیت و تندرست در کنار هم بود، گرفتند و در دانشگاه فرشتگان هم اعمال نمودند. در کشور ما مراکز مختلف آموزش استثنایی، با کیفیت‌های متفاوت وجود دارد ولی افراد بعد از اخذ مدرک دیپلم، به حال خود رها می‌شدند. آنها برای ادامه تحصیل یا باید وارد دانشگاه‌های رایج با وجود هزاران مانع در مقابلشان شده و یا از قید ادامه تحصیل گذشته و وارد بازار کار می‌شدند. با راه‌اندازی دانشگاه فرشتگان شاهد وجود افرادی هستیم که بعد از فارغ‌التحصیلی، در شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود وارد بازار کار شدند. امسال هم با تلاش و پیگیری‌های فراوان دکتر مقداری، مجوز رشته روانشناسی از وزارت علوم و دانشگاه آزاد اخذ و این رشته راه‌اندازی شد. رشته روانشناسی برای نابینایان بسیار مفید و کاربردی است و افراد کم‌شنوا هم که به این رشته علاقه نشان دادند، در این رشته مشغول به تحصیل شده‌اند.

آیا اساتید ناشنوا هم در این دانشگاه مشغول به کار شده‌اند؟

یکی از جذابیت‌های دانشگاه فرشتگان، تشکیل اولین هیأت علمی ناشنوی ایران در این دانشگاه است. این افراد، اساتید برجسته‌ای هستند که در دانشگاه‌های عادی تحصیل کرده، مدرک دکترای گرفته و جذب این دانشگاه شدند. البته این افراد از طریق فراخوانی که دانشگاه آزاد منتشر کرد جذب شدند ولی بستر مناسب برای جذب آنها را دانشگاه فرشتگان فراهم کرده‌یود. نیمی از همکاران ما یا خودشان ناشنوا هستند و یا از خانواده ناشنویان که اصطلاحاً coda



نامیده می‌شوند هستند.

برای معرفی توانایی‌های این افراد به جامعه چه اقدامات دیگری انجام می‌دهید؟

یکی دیگر از دغدغه‌های دکتر مقداری، معرفی این عزیزان به جامعه حرفه‌ای و بازار کار است. به همین دلیل سالی یک‌بار با همکاری کانون‌ها و انجمن‌های مخصوص ناشنوایان، بازارچه‌هایی را در دانشگاه برای ارائه تولیدات و محصولات دانشجویان برگزار کرده تا جامعه با توانایی‌ها و تولیدات آنها بیشتر آشنا شوند.

قرار است اولین المپیاد ملی علمی مهارتی دانشجویان دارای معلولیت با حمایت معاون علمی فناوری ریاست جمهوری و به دبیری دکتر مقداری در اردیبهشت سال آینده که مصادف با تاریخ تولد زنده‌یاد جبارباغچه‌بان است، برگزار شود. خوشبختانه چنین رویدادهایی، مورد حمایت ارگان‌ها و سازمان‌های مختلفی هم قرار گرفته است.

آیا محیط دانشگاه فرشتگان برای حضور افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی که با ویلچر یا عصا حرکت می‌کنند، مناسب‌سازی شده است؟

تا حدود زیادی چنین اقداماتی را انجام داده‌ایم. همه کلاس‌ها،

اولین المپیاد ملی علمی مهارتی دانشجویان دارای معلولیت با حمایت معاون علمی فناوری ریاست جمهوری و به دبیری دکتر آقای مقداری، در اردیبهشت سال آینده و مصادف با تاریخ تولد زنده‌یاد جبارباغچه‌بان، برگزار می‌شود

گذرانده نا با آداب معاشرت و رفتار مناسب با این عزیزان آشنا شوند. در هر کلاس، یا خود استاد باید به زبان اشاره مسلط باشد و یا با مترجم زبان اشاره، همراه باشد.

آیا افراد دارای معلولیت ملزم به پرداخت شهریه دانشگاه آزاد برای تحصیل در این واحد هستند؟

این دانشگاه یکی از واحدهای وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی است و شهریه مصوب دانشگاه را دریافت می‌کند. البته برای افراد دارای معلولیت، بیست درصد تخفیف در نظر گرفته شده است.

چند نفر دانشجو اکنون در دانشگاه فرشتگان مشغول به تحصیل هستند؟

در حال حاضر حدود چهار صد و پنجاه دانشجو در رشته‌های مختلف در دانشگاه مشغول به تحصیل هستند. جمعیت بانوان دویست و پنجاه نفر و آقایان دویست نفر و فارغ‌التحصیلان، هم هشتاد و یک نفر هستند. فعلاً با مشکل خوابگاه روبه‌رو هستیم چون در سایر شهرها شعبه نداشته و با متقاضیان شهرستانی روبه‌رو هستیم. به دنبال این هستیم که مکان مناسبی را به کمک خیرین برای خوابگاه فراهم کنیم. البته یک‌سری خوابگاه خودگردان که

دانشکده‌ها، سالن ورزش، ناهارخوری و بوفه و... مربوط به واحد فرشتگان، در طبقه همکف قرار دارند. در بخش اداری هم یک اختلاف سطح حدود بیست سانتی وجود داشت را با گذاشتن رمپی استاندارد، مناسب‌سازی کردیم. در همه کلاس‌ها، مترجم زبان اشاره برای ارتباط دانشجویان با اساتید و اساتید با دانشجویان وجود دارد. از اقداماتی که از روز اول در دانشگاه دنبال شد، آموزش زبان اشاره به همه اساتید، همکاران، معاونین، حراست و تمام افراد شنوا در مجموعه بود. آنها موظف بودند زبان اشاره را در یک دوره ۱۶ جلسه‌ای گذرانده و بعد از شرکت در امتحان، مدرک بگیرند. این اساتید دوره‌ای را هم با عنوان آشنایی با فرهنگ ناشنوایان



با دریافت هزینه، اتاق و خدماتی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند، هم وجود دارد.

اولین نهادی هستیم که با پیگیری‌های دکتر مقداری، توانستیم در همکاری با قوه قضاییه، مترجمین رسمی زبان اشاره را برای حضور در مراکز قوه قضاییه برای کمک به مراجعین ناشنوا در این مراکز و دادگاه‌ها پرورش دهیم. به این منظور آزمونی برگزار شد و افرادی که قبول شدند، جذب قوه قضاییه شدند تا مراجعین ناشنوا، ملزم به پیگیری دعوی قضایشان از طریق اطرافیان خود نباشند. در حال حاضر تعدادی از این مترجمین، جذب کار در این حوزه شده‌اند. البته این نیاز، به قوه قضاییه ختم نمی‌شود و در همه مراکز و سازمان‌ها از جمله؛ آتش‌نشانی، شهرداری‌ها، اورژانس و... هم به حضور چنین افرادی نیاز است. ما امکان تماس تصویری برای ناشنوایان را هم برقرار کرده که هر کدام از آنها می‌توانند از طریق تماس تصویری، با ما صحبت کنند. متأسفانه در ایران، حتی در سازمان‌های تخصصی نظام مهندسی، افراد دارای معلولیت را فقط افرادی می‌دانند که روی ویلچر هستند و مناسب‌سازی را هم فقط تعبیه یک آسانسور یا بالابر می‌دانند. در صورتی که معلولیت فقط محدود به افراد جسمی‌حرکتی نیست، نابینایان، ناشنوایان، افراد طیف اوتیسم و سندروم داوون هم نیاز به مناسب‌سازی‌های خاص خود مانند؛ فضا سازی مناسب، رنگ‌بندی و آکوستیک کردن محیط‌ها و را دارند. من در رشته معماری تحصیل کرده و پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را در زمینه طراحی فضای آموزشی برای ناشنوایان نوشته‌ام. پایان‌نامه دکتری هم که در مرحله دفاع آن هستم، در حوزه

از اقداماتی که از اول در دانشگاه دنبال شد، آموزش زبان اشاره به همه اساتید، همکاران، معاونین، حراست و تمام افراد شنوا در مجموعه بود

توسط افراد متخصص از انجمن‌ها و کانون‌ها مختلف و افرادی که در زبان‌شناسی ناشنوایی تخصص دارند، تالیف شد تا زبان اشاره در ایران هم مانند کشورهای دیگر به رسمیت شناخته شود. آرزوی ما در دانشگاه فرشتگان، شناسایی یک زبان اشاره ایرانی بصورت جامع و کامل است و در ثبت آن تلاش می‌کنیم.

آیا زبان اشاره بین‌المللی‌ای وجود دارد که تمام ناشنوایان در دنیا بتوانند با یکدیگر ارتباط گیرند؟

بله. یک زبان اشاره بین‌الملل وجود دارد ولی در ایران، یک زبان اشاره ایرانی داریم که با زبان بین‌الملل متفاوت است و افراد باید جداگانه آن را آموزش ببینند. البته بعضی از واژگان زبان اشاره ایرانی و بین‌المللی نزدیک به هم هستند. دانشگاه فرشتگان، عنوان دانشگاه بین‌الملل را دارد چون در محدوده خاورمیانه و آسیا چنین دانشگاهی وجود ندارد.

چشم اندازتان چیست؟

چشم‌اندازمان این است که هم بتوانیم تعداد رشته‌های ارائه شده در دانشگاه را افزایش دهیم و هم بتوانیم، مقطع دکتری را اضافه کنیم. به دنبال تأمین خوابگاه مورد نیاز دانشجویان با کمک خیرین هم هستیم ولی هنوز به دلیل کم بودن تعداد دانشجوی، نتوانسته‌ایم مسائل مالی دانشگاه را از طریق منابع درآمدی خود پوشش دهیم.

امیدوارم بتوانیم در رشته زبان اشاره، فارغ‌التحصیلانی داشته باشیم که با مدرک رسمی دانشگاه، جذب ارگان‌هایی مثل قوه قضاییه، بانک، شهرداری، صدا و سیما و... شوند. با انجمن‌های ناشنوایان و کانون‌های ناشنوایان هم بطور دوره‌ای و فصلی ارتباط داریم و هماهنگی‌های لازم با آنها را انجام می‌دهیم.

ناشنوایان و با عنوان "راهکارهای معمارانه برای تمرکز ناشنوایان در فضاهای آموزشی" است. در حال نوشتن قوانین و دستورالعمل برای مناسب‌سازی فضاهای آموزشی برای ناشنوایان که تاکنون در ایران به آن توجه نشده بود، هستیم.

آیا آماری از تعداد افراد دارای معلولیت شنوایی در ایران وجود دارد؟

آماري موجود، حدود یک و نیم میلیون نفر، افراد کم‌شنوا و ناشنوا را نشان می‌دهد. هفتصد هزار نفر از این تعداد کسانی هستند که تحت پوشش بهزیستی بوده و کارت بهزیستی دارند و تعدادی هم که تحت پوشش بهزیستی نیستند، توسط انجمن‌ها و کانون‌های مختلف دیگر شناسایی شده‌اند.

دانشگاه فرشتگان در مورد ترویج زبان اشاره چه اقداماتی انجام داده‌است؟

از زمانی که زنده‌یاد، جبار باغچه‌بان حروف الفبای ناشنوایان را طراحی و مدارس ناشنوایی را راه‌اندازی کرد، تا مدت‌ها کتاب تخصصی دیگری برای جامعه ناشنوایان تالیف نشده بود. واژه سازی‌ها برای زبان اشاره، تا جایی پیش رفته بود ولی ادامه پیدا نکرد. با ادامه تحصیل افراد ناشنوا در دانشگاه و تحصیل در رشته‌های تخصصی مثل؛ معماری، کامپیوتر و دیگر رشته‌ها، نیاز به واژه سازی ضروری شد. بنابراین کتاب‌هایی



مریم جوانمرد، مترجم زبان اشاره و از خانواده کدا است. او در رشته نقاشی تحصیل کرده ولی از کودکی برای پدر، مادر و بسیاری از دوستان ناشنوای آنها، نقش مترجمی داشته‌است. به گفته مریم، بچه‌های کدا به دلیل عدم آگاهی عمومی نسبت به موضوع ناشنوایی، از کودکی با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. با او که در زبان اشاره تخصص دارد و در رفع مشکلات ناشنوایان فعالیت می‌کند، به گفت‌وگو نشستیم.



در گفت‌وگو با مریم جوانمرد؛

من کُدا هستم!

صدای کسانی هستیم که نمی‌توانند حرف بزنند و گوش کسانی هستیم که نمی‌توانند بشنوند

عمومی نسبت به موضوع ناشنوایی، بچه‌های کدا از کودکی با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شوند. از همان کودکی با سوال‌های بسیاری روبه‌رو شده که جوابش را نمی‌دانیم. مثلاً نمی‌دانستیم که چرا افراد به پدر و مادرم می‌خندند؟ چرا پدر و مادر دوست دارند که بیشتر در خانه باشند و سوالات بسیاری از این دست. من فرزند اول بودم و مثل بسیاری از بچه‌های دارای والدین ناشنوا، تا سن هفت سالگی در خانه پدربزرگ و مادربزرگم زندگی کردم. همینکه چرا در خانه خودمان و با پدر و مادرم زندگی نمی‌کنم، برایم سوال بود. البته زندگی راحتی داشتم و

سالگی ناشنوا شد. ناشنوایی در اثر ضربه به سر و در اثر حوادثی مانند بمباران و صداهای شدید مثل موشک و خمپاره هم بوجود می‌آید.

شما به عنوان عضوی از خانواده کدا، از دوران کودکی با چه فرازو نشیب‌هایی روبه‌رو بودی؟
متأسفانه به دلیل عدم آگاهی

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

مریم جوانمرد، مترجم زبان اشاره و از خانواده کدا CODA هستم. CODA مخفف child of deaf adults است که بیانگر کودکان شنوا با والدین ناشنوا است. از کودکی به هنر علاقمند بودم و در رشته نقاشی تحصیل کردم. از کودکی برای پدر، مادر و بسیاری از دوستان ناشنوای آنها، نقش مترجمی داشتم. دو برادر شنوا هم دارم. بسیاری از افراد ناشنوا در کودکی در اثر بیماری دچار ناشنوایی می‌شوند؛ مانند مادر من که در اثر ابتلا به بیماری مننژیت در یک و نیم سالگی و پدرم در اثر بیماری سل در سن هفت هشت



فاصله داشت.

یک‌سری از بچه‌های کدا فقط با پدر و مادر خود در ارتباط هستند، ولی بعضی از آنها وارد جمع ناشنوایان دیگر هم شده و خیلی فعال هستند. من جزء این گروه هستم و زبان اشاره را از خود ناشنوایان بهتر بلدم. بسیاری از بچه‌های کدا وارد زندگی بقیه ناشنوایان نمی‌شوند و به دنبال زندگی خودشان هستند. ما صدای کسانی هستیم که نمی‌توانند حرف بزنند و گوش کسانی هستیم که نمی‌توانند بشنوند. سوالات مردم از ما آزار دهنده است. مثلاً می‌پرسند: تو خودت می‌شنوی؟ پدر و مادرت رانندگی هم می‌کنند؟ پدر و مادرت آشپزی هم می‌کند؟! در حالی که در میان ناشنوایان، افراد نخبه بسیاری هستند که به تنهایی مسافرت می‌کنند، مهاجرت می‌کنند و در رشته‌های مختلف تحصیلی پیشرفت می‌کنند. بیشترین مدال‌های طلای ورزشی ایران در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی را ناشنوایان گرفته و امسال هم قهرمان آسیا شدند. ورزش ناشنوایان عضو پارالمپیک نیست و در مسابقات جدایی شرکت می‌کنند.

آیا برای ناشنوایان در دانشگاه‌ها تسهیلاتی در نظر گرفته و مترجمینی در اختیارشان قرار داده می‌شود؟

معمولاً امکاناتی در اختیارشان گذاشته نمی‌شود و آنها فقط از طریق لبخوانی می‌توانند یاد بگیرند. شاید تنها کسی که این کار را انجام می‌داد من بودم که همراه دانشجویان ناشنوا، هرچه یاد می‌گرفتم را با زبان اشاره به آنها هم یاد می‌دادم. برای بسیاری از اساتید جالب بود که من مطلبی که آنها درس می‌دهند را هم‌زمان برای بچه‌های ناشنوا توضیح می‌دهم. یکبار استادی در کلاس روش تحقیق، وقتی متوجه شد که برای چند نفر از ناشنوایان هم‌زمان و حتی کامل‌تر از خودش درس را ترجمه می‌کنم، از رشته تحصیلی من سوال کرد و وقتی متوجه شد، رشته تحصیلی من نقاشی است، از تسلط

از کودکی وظیفه ترجمه حرف‌های پدر و مادر به زبان اشاره برای دیگران بر دوشم بود و باید در همه جا با آنها بودم

مغازه بیرونشان کرد. ولی این خاطره هیچ‌گاه از ذهن من پاک نشد. خیلی زود بار سنگین زندگی همراه با احساس حقارت و ترس از کودکی بر دوشم افتاد.

نقش فیلم و رسانه‌های تصویری را در فرهنگ‌سازی در مورد زندگی با انواع معلولیت‌ها چگونه می‌بینید و هیچوقت به فکر فرهنگ‌سازی از این طریق بوده‌اید؟

نقش رسانه‌های تصویری در فرهنگ‌سازی عمومی بسیار مهم است. زمانی که فیلم آمریکایی کدا (coda) به ایران آمد دیدنش برایم هم غم‌انگیز بود و هم واکنش بقیه نسبت به آن برایم عجیب بود. دوستان بعد از دیدن فیلم به من گفتند: تازه فهمیدیم که با چه مشکلاتی روبه‌رو هستی؟! چند نفر پیشنهاد ساختن فیلمی از زندگی خودم را هم دادند. البته فیلم «من کدا هستم» توسط خانم فرح زارع ساخته شد و در جشنواره سینما حقیقت هم به نمایش درآمد. با وجود این که خودم هم در این فیلم حضور داشتم ولی هنوز این فیلم را در نشان دادن زیست واقعی بچه‌های کدا، نارسا می‌دیدم. خانم زارع تلاش زیادی برای فرهنگ‌سازی انجام داد و دیدگاه بسیار خوبی هم داشت ولی این فیلم از نشان دادن جزئیات و دشواری‌های زندگی فرزندان کدا،

پدر و مادرم را هم خیلی می‌دیدم، ولی این شرایط برایم عجیب بود. وقتی که قرار شد در خانه خودمان زندگی کنم، همه چیز تغییر کرد. از نشنیدن سوالاتم توسط مادر و پدر متعجب می‌شدم، از اینکه صدایشان می‌کردم و جوابی نمی‌شنیدم تعجب می‌کردم. البته حرف زدن پدر و مادرم با زبان اشاره را دوست داشتم و به تدریج حرکت‌های دست و اشاره آنها را یاد گرفتم. از وقتی به خانه برگشتم، گاهی با پدر و مادر به انجمن ناشنوایان می‌رفتم و با بچه‌هایی که با والدینشان آمده بودند، بازی می‌کردم و به حرف زدنشان با زبان اشاره نگاه می‌کردم و یاد می‌گرفتم. بعد از این دیگر کار من ترجمه حرف‌های پدر و مادر به زبان اشاره برای دیگران بود و به عنوان یک مترجم کوچک با آنها به همه جا می‌رفتم. در سن هفت سالگی از دختری که در پرقو زندگی کرده بود، تبدیل شدم به حامی پدر، مادر و برادرهای کوچک‌تر. در آن زمان، پدرم برای گذراندن یک دوره آموزش تراشکاری به ژاپن رفت. مادرم که به دلیل این دوری دچار افسردگی شده بود برای رفع دلتنگی، یا به کانون ناشنوایان و یا به منزل دوستانش می‌رفت و دو برادر کوچک را به من می‌سپرد. ساعت‌ها در خانه تنها بودیم تا مادر برگردد. از کودکی بار سنگینی بر دوشم بود؛ هم باید حامی برادرانم بوده و به درس و مدرسه آنها رسیدگی می‌کردم و هم کارهای بیرون از منزل را انجام می‌دادم. باید همراه مادر به بانک می‌رفتم، برای خرید به بازار می‌رفتم و حتی گاهی بدون حضور او برادرهایم را دکتر برده و در مدرسه ثبت‌نام می‌کردم. مادرم هنرمند بود و یکبار که برای خرید ژپون لباسی که برای من دوخته بود به بازار رفتیم، وقتی من کلمه ژپون را که از مادر شنیده بودم، اشتباه بیان کردم، مورد تمسخر شاگردان مغازه قرار گرفتم. صاحب مغازه که مادرم را می‌شناخت با آنها دعوا و از



شماره تماسم را در اختیار خیلی‌ها قرار داده تا هر وقت مشکلی پیش آید تماس بگیرند و من برای رفع آن اقدام کنم.

در همکاری با مدیریت کاخ گلستان، آن مکان را برای ناشنوایان مناسب‌سازی کردم. برای هر قسمت کاخ، فیلمی ضبط کردم و با زبان اشاره توضیح دادم که اینجا چه بوده، مربوط به چه زمانی و چه اتفاقی در آن افتاده‌است. البته مدیریت کاخ گلستان با من همکاری خوبی کرد که در غیروانصورت، چنین کاری امکان پذیر نبود. من همراه ناشنوایان به دادگاه، دادگستری، بیمارستان و مطب دکتر می‌روم، فیلم ترجمه می‌کنم و خیلی از کارهای دیگر هم بردوشم است.

چه برنامه‌ای برای ترویج کمک به ناشنوایان در سطح عمومی دارید؟

اولویت من ناشنوایان هستند. دغدغه اصلی من ترویج زبان اشاره و مهم انگاشتن اهمیت این زبان است. ترجمه دروس دانشگاهی به زبان اشاره بسیار دشوار است، چون گنجینه لغات افراد ناشنوا محدود است و دستور زبان فرد شنوا با فرد ناشنوا هم متفاوت است. در زبان اشاره از حروف ربط استفاده نمی‌کنیم و زمان گذشته و آینده نداریم. بیشتر با زبان بدنمان صحبت می‌کنیم؛ وقتی در مورد زمان گذشته حرف می‌زنیم خودمان را کمی عقب برده و وقتی در زمان حال صحبت می‌کنیم، بدنمان

زندگی شخصی ندارم و شبانه روز در حال رفع مشکلات ناشنوایان هستم. به بعضی از بیمارستان‌ها شماره داده‌ام که در صورت نیاز با من تماس بگیرند

متوجه هیچ چیزی نمی‌شد. پدرش با یکی از انجمن‌های ناشنوایان برای درخواست مترجم تماس گرفته بود که به او جواب رد داده و گفته بودند این مسائل ربطی به ما ندارد! من بارها این بی‌توجهی‌ها که باعث مرگ این افراد می‌شود را به بهزیستی گوشزد کرده‌ام ولی به نتیجه نرسیده‌ام.

آیا افرادی غیر از شما هم وجود دارند که ناشنوایان بتوانند در مواقع اضطراری با آنها تماس گرفته و کمک دریافت کنند؟

افرادی هستند که در این زمینه کار می‌کنند و در صفحات اجتماعی خود هم تبلیغاتی در مورد دفاع از حقوق ناشنوایان می‌گذارند، ولی فعال نیستند. در واقع تنها من هستم که

من در ترجمه همزمان مطالب او به ناشنوایان تعجب کرد.

به این تخصص، به عنوان یک شغل هم نگاه می‌کنید؟

نمی‌توانم به عنوان یک شغل به آن نگاه کنم. من زندگی شخصی ندارم و شبانه روز در حال رفع مشکلات ناشنوایان هستم. به بعضی از بیمارستان‌ها شماره را داده‌ام که در صورت نیاز با من تماس بگیرند.

آیا هیچوقت به فکر تاسیس انجمنی برای بچه‌های کدا افتاده‌اید؟

خیلی دوست دارم برای تشکیل چنین انجمنی پیش‌قدم شوم ولی فعلاً شرایط آن برایم مهیا نیست. در جامعه ناشنوایان انجمن‌های بسیاری وجود دارند ولی به دلیل نداشتن ارتباط موثر با جامعه پیرامون، در زمینه فرهنگ‌سازی موفق نبوده‌اند. این انجمن‌ها، فقط محلی برای دور هم جمع شدن و گذران اوقات فراغت برای ناشنوایان است و فعالیت موثری را دنبال نمی‌کنند. چندی قبل با خبر شدم که یک بچه ناشنوا را در بیمارستان روانی بستری کرده و بدون اینکه بدانند مشکل کودک چیست، برایش داروهای بسیاری تجویز می‌کردند. هم خودش و هم کل خانواده، ناشنوا بودند و امکان حرف زدن و ارتباط با پزشک و پرسنل بیمارستان را نداشتند. آن قدر به این بچه دارو داده بودند که



را به جلو می‌آوریم. در زبان اشاره حروف «از» و «به» نداریم. این حروف را با حرکت دست از یک سو به سوی دیگر نشان می‌دهیم.

موضوع ناشنوایی والدین، چه تاثیری در زندگی شخصی و ازدواج شما داشته‌است؟

موضوع ازدواج چون قضاوت عمومی نسبت ما این است که انسان‌های ضعیفی هستیم و نیاز به حمایت داریم، دشواری‌هایی به همراه دارد. در صورتی که افرادی مثل من قوی، مستقل و در اکثر مواقع بزرگ‌تر از سن‌مان هستیم. قضاوت‌هایی که؛ حتماً فرزندانمان هم ناشنوا می‌شوند وجود دارد که برای جلوگیری از زخم زبان و رفتارهای ناشایست، معمولاً تمایلی به ازدواج نداریم. از کودکی عادت کرده‌ایم، همه چیز را خوب نشان دهیم ولی در درونمان غوغا است.

به نظر شما رسانه یا جشنواره‌هایی مثل ارغوان که در حوزه برجسته کردن مسائل افراد دارای معلولیت، تلاش می‌کند می‌تواند به فرهنگ‌سازی در جامعه کمک کند؟

حتماً موثر است. با نمایش فیلم کدا و دست به دست شدن آن در ایران، به نقش فرهنگ‌سازی توسط فیلم و رسانه بیشتر پی بردم. در کودکی هرگز نمی‌توانستم با پدر و مادرم به سینما بروم، چون محیط سینما تاریک بود و قادر به ترجمه در محیط تاریک برای آنها نبودم. وقتی تصمیم به ترجمه فیلم "حوض نقاشی" به زبان اشاره گرفتم و پیشنهاد را به آقای جوان (کارگردان این فیلم) مطرح کردم، با موافقت ایشان و مدیر سینمایی که این فیلم در آنجه به نمایش در می‌آمد، قرار شد که یک اکران به ناشنوایان اختصاص یابد. به دلیل استقبال ناشنوایان این فیلم در دو شب اکران شد. موضوع فیلم "حوض نقاشی" دقیقاً آنچه بود که خودم با آن روبه‌رو بودم. این فیلم در فرهنگ‌سازی و طرح مسائل و مشکلات افرادی با

به نظر من بهترین کار برای کودکان کم‌شنوا، استفاده از سمعک و گفتاردرمانی است، نه کاشت حلزون با عوارض مختلف و هزینه بالا

خصوصیاتی متفاوت، بسیار موفق بود.

چه برنامه‌ای برای آینده خود دارید؟

به خودم آنقدر فکر نکرده‌ام که برنامه‌ای برای آینده داشته باشم، ولی برای ناشنوایان برنامه‌های زیادی دارم. اولویت من در زندگی همیشه ناشنوایان و نه فقط پدر و ماد خودم هستند. تمرکز من، بیشتر بر کودکان و خردسالان ناشنواست. متأسفانه امروزه بدون هیچ آگاهی و فقط بر اساس تبلیغات وسیع، خانواده‌ها را به کاشت حلزون برای فرزندان‌شان تشویق می‌کنند. با این کار، کودک تا آخر عمر با یک‌سری مشکلات مواجه می‌شود. مثلاً این بچه‌ها نمی‌توانند عمل قلب باز یا MRI انجام دهند. زمین خوردن برایشان خطرناک است. دکتر آخوندی، پدر کاشت حلزون در ایران، معتقدند که فقط یک درصد از بچه‌های ناشنوا یا کم‌شنوا با کاشت حلزون می‌توانند بهبود شنوایی پیدا کنند. ولی متأسفانه خانواده‌ها به دلیل ناآگاهی از عوارض این عمل و تحت فشار اطرافیان، به طرف انجام اینکار رفته و بعضی از پزشکان هم این عمل را انجام می‌دهند. در صورتی که این بچه‌ها، نیاز به مداخله زود هنگام گفتاردرمانی از کودکی دارند.

بچه‌هایی با ناشنوایی مطلق هستند که با گفتار درمانی زود هنگام و تربیت شنوایی به موقع، وقتی در جمع صحبت می‌کنند، کسی به ناشنوا بودن آنها پی نمی‌برد. گفتار درمانی، مهم‌ترین کاری است که باید برای ناشنوایان انجام شود و متأسفانه مراکزی که با گفتار درمانی و تربیت شنوایی از کودکی بتواند به بچه‌ها کمک کند را نداریم.

به نظر من بهترین کار برای کودکان کم‌شنوا، استفاده از سمعک و گفتاردرمانی است، نه کاشت حلزون با عوارض مختلف و هزینه بالا. خانواده‌هایی که فرزند ناشنوا دارند با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند و من به دنبال آگاه‌سازی چنین خانواده‌هایی هستم. بچه‌های کدا هم نیاز به حمایت دارند. چون گنجینه لغات آنها کم است و در محیط مدرسه اذیت می‌شوند. تا قبل از مطرح شدن فیلم "من کدا هستم"، ما فرزندان افراد ناشنوا، هویتی برای خود قائل نبودیم، بعد از این فیلم بود که خود را با در واژه "کدا" تعریف کرده و هویت پیدا کردیم. بعد از دیدن این فیلم بود که احساس کردم تنها نیستیم. از لفظ کدا باید در راستای فرهنگ‌سازی در مورد این گروه و معرفی‌شان به جامعه استفاده کنیم. ما ناخودآگاه در چنین جایگاهی قرار گرفته و دشواری‌هایی را تحمل کردیم. باید سعی کنیم نگاهمان را عوض کرده و عاشقانه به زندگی ادامه دهیم. به عنوان کلام آخر می‌گویم که؛ همه مردم در دنیا سرنوشت و نقاط قوت و ضعفی دارند ولی تا وقتی تصمیم نگیرند که با همدیگر تعامل داشته و از ناملایماتی‌ها عبور کنند و به جلو بروند، نمی‌توانند خوب زندگی کنند. باید یکدیگر را درک و از قضاوت بی‌جا بپرهیزیم. اگر با یک لب‌خند بتوان حال یکدیگر را خوب کرد، چرا این لب‌خند را از هم دریغ کنیم.



مینا نصر اصلاتا افغانستانی و ساکن تهران است. او سه فرزند دختر و دو پسر مبتلا به اوتیسم دارد. مینا بعد از گرفتن دیپلم علوم انسانی در شهرقم، رشته الهیات در مقطع کارشناسی را ادامه داد و به فعالیت در حوزه خبر و خبرنگاری پرداخت. او دوره‌های آزاد خبرنگاری را در کابل، تهران و مشهد و دوره‌هایی مانند؛ ویراستاری، گزارشگری، گزارش‌نویسی، ویرایش خبر و خبرنگاری را هم گذراند. مینا، دوره مستندسازی سینمای جوان را در تهران طی کرد و علاقمند به شرکت در جشنواره ارغوان و ساختن مستند شد. با او در مورد فراز و نشیب‌هایی که در زندگی با آن روبه‌رو بوده و از توانایی‌ها و آرزوهایش پرسیدیم.



مینا نصر؛

امیدوارم مستندساز حرفه‌ای شوم

هم یک دوره مستندسازی در سینمای جوان را در تهران گذرانده‌ام و همین باعث شد که بتوانم در جشنواره ارغوان شرکت کنم. من به چنین فعالیت‌هایی علاقه دارم و اگر با مشکلات بیماری فرزندانم مواجه نبودم، دوست داشتم که مستندساز حرفه‌ای شوم.

شما که در ایران زندگی می‌کردید، چه شد که مدتی به افغانستان برگشتید؟

سال‌ها با پنج فرزند در ایران زندگی می‌کردیم ولی در سال ۹۴ تصمیم گرفتیم از ایران خارج شده و به آلمان پناهنده شویم. مطالعات بسیاری در مورد بیماری اوتیسم انجام داده و می‌دانستم که کشور آلمان بهترین روش‌های درمانی و آموزشی را برای این بچه‌ها دارد. می‌خواستیم از مرز ترکیه خارج شده که گرفتار پلیس مرزی ایران و ترکیه شده و به افغانستان فرستاده شدیم. چون مدارک قانونی ما برای زندگی در ایران از بین رفته بود، مجبور شدیم شش سال در کابل بمانیم.

در خبرگزاری‌های کابل به عنوان نویسنده مقاله، تهیه‌کننده خبر و گزارشگر کار می‌کردم و در عین حال به دنبال کلاس‌های کار درمانی و گفتار درمانی مخصوص کودکان کم‌توان ذهنی برای فرزندانم هم بودم

رشته الهیات را در مقطع کارشناسی ادامه دادم. در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بودم که به دلیل بیماری شدید پسر بزرگم، تحصیل را رها کردم. دوره‌های آزاد خبرنگاری را در کابل، تهران و مشهد گذرانده‌ام و دوره‌هایی هم مانند؛ ویراستاری، گزارشگری، گزارش‌نویسی، ویرایش خبر و خبرنگاری را هم طی کردم. دو سال قبل

لطفا خودتان را معرفی و از زندگیتان بگویید:

مینا نصر، متولد شهر قم و اصلاتا افغانستانی هستم. من پنج فرزند، شامل سه دختر و دو پسر دارم. دو پسر امیرحسین ۱۶ ساله و پارسا ۱۳ ساله مبتلا به اوتیسم هستند. دختر بزرگم لیسانس پرستاری از دانشگاه علوم پزشکی مشهد دارد و مشغول تحصیل در رشته زبان انگلیسی است. دختر دومم، دانشجوی سال سوم رشته معماری دانشگاه آزاد است و دختر سوم، منتظر نتایج کنکور است. فرزند چهارم من، امیرحسین ۱۶ ساله و اوتیسم شدید دارد. فرزند پنجم من هم پارسا است که او هم کم‌توان ذهنی و مشکوک به اوتیسم است. با همسر که پسرعمویم هست، ده سال به دلیل اختلافات خانوادگی دور از هم زندگی می‌کنیم. در سال ۹۴ با پنج فرزند به کابل فرستاده شدیم و چهار سال است که دوباره به ایران برگشتیم. من بعد از گرفتن دیپلم علوم انسانی در شهرقم،



شلوگی و سروصدا، چگونه رفتار می‌کند را نشان می‌دهم. مستند "تنهایی‌های یک امیر" در جشنواره ارغوان جزء ده فیلم برتر شناخته شد و لوح تقدیر گرفت. فیلمی هم در مورد فرزند کوچکم، پارسا، در جریان سفر هشت روزه ما به کربلا ساختم. پارسا، پدرش را خیلی دوست دارد و در طول سفر مرتب بهانه حرف زدن با او را می‌گرفت. حرکات پارسا در گفت‌وگو با پدرش، جالب بود و من از این لحظات فیلم گرفتم و مستند کوتاهی ساختم.

چرا ترجیح می‌دهید بچه‌ها را به جاهای خلوت‌تر و دور از مردم ببرید؟

این بچه‌ها در خارج از خانه و در فضای آزاد، حالشان بهتر می‌شود ولی مردم با آنها رابطه خوبی نمی‌گیرند. برخورد مردم هم در قم، هم در کابل و هم در مشهد و تهران، مثل هم است. در کابل وقتی بچه‌ها در کوچه امیرحسین را می‌دیدند، فرار می‌کردند. خیلی سعی کردم بچه‌ها را در مهد کودکی ثبت‌نام کنم تا با هم‌سن‌های خود ارتباط گرفته و از آنها یاد بگیرند. ولی متأسفانه مادران، به بودن بچه‌های من در کنار فرزندان‌شان، اعتراض می‌کردند. توضیح می‌دادم که این بچه‌ها متفاوتند، ولی دیوانه نیستند و به کسی آسیب نمی‌رسانند. ارتباط بچه‌هایی که مشکل جسمی و روانی دارند با سایر کودکان خیلی مفید است چون هم ارتباط اجتماعی را یاد می‌گیرند و هم بقیه، با این تفاوت‌ها آشنا شده و ازشان فرار نمی‌کنند. من معمولاً امیرحسین را برای خرید با خودم می‌برم. مغازه دارهایی که با ما آشنا شده‌اند، واکنشی نشان نمی‌دهند ولی بقیه مردم معمولاً برخورد بدی دارند. یک‌بار با امیرحسین سوار مترو شدیم که چون صورت امیرحسین سوختگی دارد، بعضی‌ها ترسیدند و از ما فاصله گرفتند. این رفتارها خیلی ناراحت‌کننده است.

آیا بچه‌ها در مدرسه مخصوص افراد اوتیسم درس می‌خوانند؟

پسر بزرگم را تا هفت سالگی به یک مرکز خصوصی اوتیسم در مشهد که مربیان کاربلد و دلسوزی داشتند می‌بردم. در آنجا هر روز با بچه‌ها کاردرمانی ذهنی و

قصیداشتم از طریق مستندی کوتاه، تنهایی یک بچه مبتلا به کم‌توانی ذهنی و اوتیسم شدید را نشان دهم

بودم، با پسرعمویم ازدواج کردم. ازدواج ما یک ازدواج کاملاً سنتی و براساس تصمیم خانواده‌ها بود. تمایلی به ازدواج نداشتم، چون من در یک دنیا و همسرم در دنیای دیگری، سیر می‌کرد. تلاش کردم که این ازدواج صورت نگیرد، ولی موفق نشدم. خانواده ما در قم بودند و سی سال در قم زندگی کردم.

چطور با جشنواره ارغوان آشنا شده و در آن شرکت کردید؟

من آگهی خانم رضوان سرمد برای معرفی جشنواره ارغوان در اینستاگرام را دیدم و متوجه برگزاری کارگاه آموزشی آن شدم. از قبل ایشان را در اینستاگرام دنبال می‌کردم. با بسیاری از افراد فعال در حوزه مستند از طریق سینمای جوان، مرکز گسترش، دانشگاه سوره و حوزه هنری آشنایی داشتم و مستندهای زیادی را دیده بودم. در تماس با خانم سرمد، در جریان جشنواره ارغوان قرار گرفته و در کارگاه آموزشی موسسه رعد شرکت کردم. چون قبلاً چند فیلم در مورد امیرحسین و پارسا ساخته بودم، همان فیلم‌ها را به نام‌های «تنهایی‌های یک امیر» در مورد امیرحسین و «شاید زندگی همین باشد» در مورد پارسا را تدوین و ارسال کردم.

انگیزه شما از ساختن این فیلم‌ها چه بود؟

امیرحسین خیلی تنهاست و با هیچ‌کس ارتباط برقرار نمی‌کند. حتی وقتی به پارک هم می‌رویم در جای خلوتی می‌نشیند و فقط نگاه می‌کند. می‌خواستم از طریق این مستند کوتاه، تنهایی یک کودک مبتلا به کم‌توانی ذهنی و اوتیسم شدید و اینکه در خانه و در بیرون از خانه چه رفتاری دارد و نسبت به

در این مدت در خبرگزاری‌های کابل به عنوان؛ نویسنده مقاله، تهیه‌کننده خبر و گزارشگر کار می‌کردم و در عین حال به دنبال کلاس‌های کار درمانی و گفتار درمانی مخصوص کودکان کم‌توان ذهنی هم بودم. متأسفانه در کابل، متخصص گفتار درمانی برای پسر کوچکم وجود نداشت اما خانم نیکوکاری همراه همسرش که هر دو آمریکایی بودند، موسسه‌ای برای بچه‌های کم‌توان ذهنی با بازی‌درمانی و روانشناسی کودک، تاسیس کرده بودند. هر دو فرزندم را به این کلاس‌ها می‌بردم که هم آنها چیزی یاد بگیرند و هم خودم فراغتی پیدا کنم. در افغانستان مدارس، انجمن‌ها و موسساتی برای ناشنوایان و افراد دارای معلولیت وجود داشت که اغلب توسط کشورهای خارجی دایر شده بودند، ولی برای بچه‌های اوتیسم، هیچ امکانی وجود نداشت. حدود یک‌سال قبل از سلطه طالبان در افغانستان، منزل ما در کابل آتش گرفت و پسر بزرگم که اوتیسم شدید دارد، در این حادثه سوختگی از ناحیه سر و گردن شد. دو عمل جراحی در کابل انجام شد و برای عمل سوم به ایران آمدم. چند ماه قبل از سلطه مجدد طالبان به ایران آمده و ماندگار شدیم.

در ایران شاغل هستید؟

در حال حاضر در یک خبرگزاری در حوزه افغانستان، به عنوان گزارش‌گر و تولید محتوا کار می‌کنم. همچنین به عنوان ادمین در سه صفحه اینستاگرام، کارهای تبلیغاتی و تولید محتوا را انجام می‌دهم. مدتی هم در روزنامه شرق بعنوان گزارشگر مسائل افغانستان کار کردم. بخاطر شرایط بچه‌ها نمی‌توانم زیاد از خانه خارج باشم. پسرها را گاهی از خانه بیرون می‌برم تا هوایی بخورند. قبل از ازدواج، خیلی فعال بودم و در دوره‌های قصه‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی و شعرخوانی شرکت می‌کردم. کتاب شعرم را هم در کابل به چاپ رساندم. اکنون هم چنانچه موقعیتی پیش بیاید، خیلی دوست دارم این فعالیت‌ها را ادامه دهم.

در چند سالگی ازدواج کردید؟

در دوران دبیرستان و وقتی ۱۷ ساله



کاش بجای این که در مدرسه سواد خواندن و نوشتن را یاد دهند، مهارت‌های رفتاری مثل؛ سوار مترو و اتوبوس شدن و رد شدن از خیابان، خرید از مغازه و... را یاد می‌دادند.

نظر شما به عنوان یک شرکت‌کننده، در مورد جشنواره ارغوان و نقشی که در در فرهنگ‌سازی جامعه نسبت به افراد با شرایط ویژه داشته باشد، چیست؟

من از برگزار کنندگان جشنواره ارغوان که به فکر برگزاری چنین رویدادی افتادند، بسیار تشکر می‌کنم. من وقتی تولیدات بقیه شرکت‌کنندگان با وجود مشکلات جسمانی بسیاری که دارند را دیدم، خیلی خوشحال شدم. عزم و جسارت ساختن مستند از زندگی خود و اطرافیانشان، بسیار ارزشمند است. من از خانم سرمد خواهش کردم که در جهت ارتقای این جشنواره در سطح بین‌المللی بیشتر تلاش کرده و برای افرادی که مایلند حرفه‌ای‌تر کار کنند، بستر مناسب را ایجاد کنند.

دوست دارم در مورد بچه‌های اوتیسم باز هم مستند بسازم تا مردم با مشکلات آنها و مشکلات خانواده آنها بیشتر آشنا شوند.

به نظرم نتایج این رویداد، پایدار و ماندگار است و امیدوارم جشنواره ارغوان، هر سال بهتر از سال قبل برگزار شود.

کاش در مدارس استثنایی بجای خواندن و نوشتن، مهارت‌های رفتاری مثل؛ سوار و پیاده شدن از مترو و اتوبوس، خرید از مغازه و رد شدن از خیابان را یاد می‌دادند

آموزش‌ها، کلاس‌های بازی درمانی، سفالگری و خمیربازی هم دارند که به تقویت و بهبود حرکت انگشتانشان کمک می‌کند. در ساعت ورزش، پریدن را یاد می‌دهند، چون اصلاً نمی‌توانند بپرند. دوست من که دختری مبتلا به سندرم داوون دارد، سه سال قبل برای ادامه تحصیل به ایتالیا رفت. او توانست از همان روز اول، دخترش را در مدارس عادی ثبت نام کند. در قوانین کشور ایتالیا، بچه‌های اوتیسم و سندروم داوون اگر؛ بقیه بچه‌ها را اذیت نکنند و توانایی برقراری ارتباط با دیگران را داشته باشند، با حضور یک معلم کمکی، در مدارس عادی ثبت‌نام می‌کنند. همین کار باعث ارتباط بقیه بچه‌ها با آنها و پذیرفته شدنشان می‌شود. گاهی فکر می‌کنم،

تمرین‌های حرکتی و گفتار درمانی انجام می‌شد ولی به من گفتند که این بچه از نظر ذهنی در سطح پایینی است و هرچقدر هم که هزینه کنی، بهتر از این نمی‌شود! تا جایی که از دستم برآمد و توان مالیم اجازه می‌داد، امیرحسین را به کلاس‌های خصوصی در مراکز مختلف بردم ولی نتیجه نگرفتم. ما پاسپورت داریم ولی خیلی دوندگی کردم تا توانستم پسر کوچکم را در مدرسه ثبت‌نام کنم.

این مدرسه سرویس هم دارد یا خودت باید او را ببری و بیاوری؟

رفت و آمد پارسا با خودم است. سال قبل توانستم از سرویس مدرسه استفاده کنیم ولی امسال گفتند که سرویس مخصوص بچه‌های ایرانی است و به اتباع تعلق نمی‌گیرد. مجبورم پارسا را با تاکسی، مترو و یا اتوبوس به مدرسه ببرم و بیاورم.

آیا آموزش‌های مدرسه در وضعیت پارسا تاثیری داشته و او مدرسه را دوست دارد؟

پارسا وقتی در خانه می‌ماند، افسرده می‌شود و به همین دلیل مدرسه را خیلی دوست دارد. تعداد بچه‌ها در کلاس خیلی محدود است ولی معلم‌های دلسوزی دارد که با بچه‌ها خیلی کار می‌کنند. در دوره مقدماتی مثل کلاس‌های پیش دبستانی؛ به بچه‌ها رنگ‌ها، اشکال هندسی، مداد دست گرفتن و خط کشیدن و... را یاد می‌دهند. این بچه‌ها دیر یاد می‌گیرند و زود فراموش می‌کنند. علاوه بر این



دیوید رایت



نویسنده و شاعر؛ او سال ۱۹۲۰ در ژوهانسبورگ به دنیا آمد. در هفت سالگی به تب مخملک دچار شد و به دلیل عدم درمان بموقع شنوایی خود را از دست داد. در چهارده سالگی به انگلستان مهاجرت و در مدرسه ناشنوایان ثبت نام کرد. دیوید رایت در مدرسه اوریل درس خواند و در سال ۱۹۴۲ فارغ التحصیل شد. اولین اشعار خود را در سال ۱۹۴۲ در مجله ادبی آکسفورد منتشر کرد. او به عنوان نویسنده با مجله ساندی تایمز هم همکاری داشت. رایت پس از آن به عنوان یک نویسنده مستقل به کار خود ادامه داد. سال ها در کسوت استادی دانشگاه به فعالیت پرداخت و سرانجام ۲۴ کتاب ادبی از او به به جای ماند.



هنر در هر شکل و قالبی اعم از شعر، موسیقی، نقاشی و به واسطه‌ی تجلی ذوق و زیبایی، تأثیر بسزایی در افکار و احساسات افراد جامعه دارد و در این میان هنر رسانه و سینما هم که شاید جوان‌تر و دربرگیرنده‌ی همه‌ی هنرهاست از این قاعده مستثنی نیست و چه بسا بواسطه‌ی جذابیت تصویر و فراگیر بودن آن، قدرت بیشتری هم در این زمینه داشته باشد.

افراد دچار معلولیت با توجه به طیف وسیع معلولیت‌ها ممکن است تفاوت‌های زیادی بایکدیگر داشته باشند اما به یقین دردهای مشترک فراوانی ناشی از ناآگاهی دیگر افراد جامعه نسبت به عواطف، احساسات و مشکلات و موانع بسیار در مسیر زندگی‌شان دارند.

دردهای مشترکی که با کمک هنرمندان و فرهنگ‌سازی درست، درمان و یا حداقل تسکین می‌یابند.

و اما هنر رسانه و سینما گاه بجای درمان، خود دردی شده مضاعف بر این دردها!

آنجا که در فیلم‌ها و سریال‌های بی‌شماری شاهد بوده‌ایم

مکافات عمل

مکافات رذالت و پستی و گناه می‌شود، معلولیت

درد

عظیمه ایرانپور



شماره ۹۳، زمستان ۱۴۰۳

دانش

در صحنه‌ی آخر فیلم فرد شرور با گردنی کج روی ویلچر نشسته و با
چشمانی بی فروغ به افق خیره شده
و یانه

از طرف دیگر پشت بام می افتند
فرد معلول در قالب شخصی مقدس به نمایش در می آید که از
همه چیز راضی و خشنود است و دیگران از او التماس دعا و توقع
کرامت و معجزه دارند

ما معلولان از همه ی هنرمندان و بالاخص هنر رسانه و سینما
تقاضا داریم ما را همان طور که هستیم نشان دهند
مشکلات مان را

موانع سرراهمان را

توانایی ها

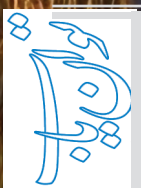
احساسات

کم آوردن ها

جنگیدن ها

و هر آنچه که می خواهیم دیده و یا شنیده شود

براستی تا کنون به تماشای چند فیلم و سریال با این خصوصیات
نشسته ایم؟!



مهم ترین خواص سیب

و نحوه مصرف آن در رژیم غذایی

سیب یکی از سالم‌ترین و محبوب‌ترین میوه‌ها است. این میوه به لحاظ برخورداری از مقدار زیادی ویتامین C، فیبر، آنتی اکسیدان و غیره برای بدن فواید زیادی دارد. اما متأسفانه بسیاری از افراد صرفاً برای پذیرایی و برگزاری مهمانی‌ها از سیب و سایر میوه‌جات استفاده می‌نمایند و از خواص مفید آن برای سلامتی غافل هستند. در این مطلب فواید خوردن سیب ناشتا، خاصیت سیب درختی، خواص سیب پخته و ... را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

خواص دارویی سیب درختی عبارتند از:
کاهش سطح کلسترول بد
خواص ضد التهابی
آنتی اکسیدان قوی و مهار رادیکال‌های آزاد و آنتی اکسیدان قوی
تقویت کننده سیستم ایمنی
پیشگیری از یبوست
پیشگیری از آسم و آلزایمر
کمک به درمان دیابت
سم زدایی کبد
تنظیم قند خون
کمک به لاغری
مفید برای قلب و تقویت کننده قلب
کمک به درمان عفونت‌ها
درمان کم خونی
کاهش زمان نقاهت بیماری کرونا
پاک کننده معده و روده
مفید برای اعصاب و روان
تقویت کننده عمومی بدن
تصفیه کننده خون غلیظ

طبع سیب گرم است یا سرد؟
طبع سیب گرم و تر است و حاوی مقادیر زیادی از ویتامین‌ها و مواد معدنی مفید برای سلامتی همه افراد می‌باشد. بنابراین خواص خوردن سیب هر روز می‌تواند برای درمان بسیاری از بیماری‌ها معجزه آسا باشد.



قدرت تمرکز بر خود

روان‌شناسی رشد فردی

یکی از اصول بنیادین رشد شخصی، تغییر جهت تمرکز از بیرون به درون است. ذهنی که بیش از حد درگیر قضاوت دیگران یا ضعف‌های خود است، درواقع انرژی ارزشمندی را هدر می‌دهد که می‌تواند صرف رشد و شکوفایی فردی شود. در روان‌شناسی، این پدیده به نام «مرکز کنترل درونی» شناخته می‌شود؛ مفهومی که نشان می‌دهد افراد موفق و مقاوم، مسئولیت زندگی خود را بر عهده می‌گیرند و تمرکز خود را از عوامل بیرونی به توانمندی‌های شخصی تغییر می‌دهند.

افرادی که دائماً به نقص‌های خود فکر می‌کنند، در چرخه‌ای از خود انتقادی و اضطراب گرفتار می‌شوند. در مقابل، افراد متکبر که ضعف‌های دیگران را برجسته می‌کنند، درواقع در حال سرپوش گذاشتن بر ناامنی‌های خود هستند. اما قوی‌ترین افراد، کسانی هستند که به‌جای مقایسه یا انتقاد، روی رشد خودشان تمرکز دارند. این افراد نه تنها بهبود فردی را تجربه می‌کنند، بلکه به دیگران نیز انگیزه‌ی پیشرفت می‌دهند. در نهایت، مسیر قوی‌تر شدن از تغییر نگاه ما آغاز می‌شود. آیا آماده‌ای که توجهت را از دیگران برداری و بر روی رشد خودت متمرکز شوی؟

@agahi_maanayezendegi



معرفی کتاب



نام کتاب: سیمای معلولیت در سینما

نویسنده: پریسا افتخار

انتشارات: انتشارات سیمای شرق

دسته بندی: جامعه‌شناسی

کتاب سیمای معلولیت در سینما نوشته پریسا افتخار به موضوع معلولیت و توان‌یابان در سینما می‌پردازد و شیوه‌بازنمایی معلولیت را در سینما بررسی می‌کند.

ویژه‌ای برخوردار است. برای بسیاری از افرادی که ارتباط مستقیم با افراد دارای معلولیت ندارند، فیلم یک منبع اصلی اطلاعات در زمینه ماهیت معلولیت محسوب می‌شود. حضور بیش از یک میلیارد فرد دارای معلولیت در جهان و تلاش‌ها و مبارزات مدنی نهادها، افکار عمومی را با این واقعیت مواجه کرده که معلولیت به دلیل سانه، بیماری، حادثه و ناتوانی ناشی از کهنسالی، امری است که در کمین همه افراد است.

نگرش‌ها، عقاید و طرز تلقی‌های نادرست جامعه، مانع بزرگی برای حضور اجتماعی و مشارکت افراد معلول ایجاد می‌کند و بازتولید این نگرش‌ها به ویژه اگر مبتنی بر واقعیت نبوده و براساس کلیشه‌های کهنه و نخ‌نمای پیشین صورت گیرد، تاثیر خردکننده‌ای در شکل‌گیری هویت و همچنین روابط اجتماعی این افراد خواهد داشت.

نگارنده در این کتاب با انجام پژوهش کیفی و تحلیل محتوا بر روی چند فیلم سینمایی، به دنبال ارائه روشی کاربردی برای شیوه‌بازنمایی صحیح معلولیت در تولیدات رسانه‌ای، به ویژه فیلم‌های سینمایی بوده است.

با توجه به اینکه متاسفانه در مقایسه با تحقیقات و پروژه‌های انجام گرفته در کشورهای دیگر، فاصله و خلاء اساسی در مطالعات معلولیت در حوزه فرهنگی و اجتماعی در ایران به چشم می‌خورد، این کتاب می‌تواند برای دست‌اندرکاران ساخت برنامه‌های رسانه‌ای، کارگردان‌ها، بازیگران سینما، دانشجویان مطالعات رسانه و ارتباطات منبع مناسبی باشد.

افراد دارای معلولیت، یک گروه اجتماعی محسوب می‌شوند که از منظر جامعه‌شناختی صرفاً یک کمیت نیستند تا با عدد و رقم در آمارگیری‌ها و سرشماری‌ها لحاظ شوند. این افراد نیز درون جامعه زندگی می‌کنند، مانند تمام گروه‌های دیگر که ابعاد فیزیکی و روانی مختلفی دارند و دارای حق و حقوق خاص خود هستند؛ لذا این کتاب با توجه به مبحث رسانه و مخصوصاً سینما سعی دارد با تغییر در شیوه‌بازنمایی افراد دارای معلولیت در تغییر کیفیت زندگی آنها موثر واقع شود. نکته دیگری که در این کتاب به آن پرداخته شده است نحوه تعامل رسانه‌ها با معلولین و معلولیت است.

پریسا افتخار تلاش کرده است ابتدا به تاریخچه معلولیت، الگوهای معلولیت، سینمای معلولیت، نگرش‌های تاریخی و تعاریف مرتبط با آن بپردازد تا ابهامات، کژی‌ها و نادرستی‌های احتمالی در ذهن مخاطب از بین برود و ادامه مسیر، درست پیموده شود. در گام بعدی، هدف این بوده که با عرضه چهارچوبی برای سنجش نحوه‌بازنمایی معلولیت، ابزاری در اختیار فیلم‌سازان، کارگردانان، دست‌اندرکاران، عوامل و پژوهشگران حوزه رسانه، به ویژه سینما و تلویزیون قرارگیرد تا از طریق آن بتوانند هرگونه اثر سینمایی یا تلویزیونی را از نظر نوع و نحوه‌بازنمایی معلولیت ارزیابی کنند.

رسانه‌های همگانی به دلیل تاثیر و عمیق اجتماعی و فرهنگی بسیار اهمیت دارند، مخصوصاً سینما به دلیل ابعاد فراگیرش، ارزش



رونمایی از کتاب معلولیت و رسانه

در بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی ایران

بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی ایران به موضوع و مفهوم شخصی‌سازی که بر شناخت ژرف نیازها، علایق و دغدغه‌های مخاطبان توجه دارد، اختصاص یافت. این فرایند ارتباطی از همان ابتدا بر تمام ابعاد پیام تأثیر می‌گذارد و موجب تولید محتوایی متناسب با ویژگی‌های منحصر به فرد گروه‌های هدف می‌شود. شخصی‌سازی علاوه بر تعیین شکل و فورم و محتوا که از نشانه‌های قالب‌های ظاهری است، بر ضریب نفوذ پیام هم اثر می‌گذارد و از آنجا که شخصی‌سازی از فرهنگ سازمانی نشأت می‌گیرد، مدیران ارشد در جهت‌دهی آن نقش کلیدی دارند. در کنفرانس اخیر نیز سخنرانان با ارائه نمونه‌های متنوع، نشان دادند که شخصی‌سازی فراتر از ارسال پیام‌های جداگانه به مخاطبان گوناگون می‌تواند بر اصلاح ساختارهای سازمانی و به‌روزرسانی سیاست‌های ارتباطی، حتی بازتعریف چشم‌انداز کلان سازمانی را اصلاح کند.



این نگرش نیازمند همکاری تنگاتنگ میان واحدهای تحقیق و توسعه، مدیریت داده، بازاریابی و روابط عمومی است تا بتوان داده‌های صحیح را گردآوری، تحلیل و به شکل ایده‌آل در فرایند تصمیم‌سازی به کار بگیرد. حقیقت، شخصی‌سازی در روابط عمومی نقطه تلاقی بین فناوری‌های نوین داده‌محور و هنر ارتباطات انسانی به شمار می‌رود و می‌تواند پایه‌گذار تحولاتی بنیادین در نحوه برقراری ارتباط میان سازمان و مخاطبان باشد.

در عصر هوش مصنوعی، الگوریتم‌های یادگیری عمیق، قادرند ضمن تحلیل حجم وسیعی از اطلاعات، الگوهای رفتاری کاربران را کشف کنند و پیام‌های متناسب با ذائقه و نیاز واقعی آنان را ارائه دهند. این سطح از دقت و هوشمندی، به روابط عمومی امکان می‌دهد با هر مخاطب در زمان مناسب و کانال دلخواه او ارتباط برقرار کند و بدین ترتیب، اثربخشی کمپین‌های ارتباطی را به طرز چشمگیری افزایش دهد.

یکی از دستاوردهای مهم کنفرانس، یادآوری جایگاه روابط عمومی به عنوان سفیر اعتمادساز میان سازمان و مخاطبان است، سفیری که باید همیشه آینده‌نگر، خلاق و توانمند در بهره‌گیری از ابزارهای نو باشد. اگرچه فناوری‌های جدید در گسترش قدرت ارتباطی سازمان نقش بسزایی دارند، اما تأکید سخنرانان بر این بود که انسان در قلب این تحولات باقی می‌ماند و استفاده هوشمندانه از تکنولوژی باید مکمل مهارت‌های نرم انسانی باشد.

یکی از جلوه‌های شخصی‌سازی که در کنفرانس بارها مورد تأکید قرار گرفت، توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی مخاطبان است؛ چراکه پیام یکسان ممکن است در بافت‌های فرهنگی متفاوت، برداشت‌های گوناگونی ایجاد کند. بنابراین، سازمان‌ها ناگزیرند در طراحی استراتژی‌های ارتباطی خود، به ظرفیت‌های فرهنگی هر گروه مخاطب دقت کنند و با درک پیشینه‌های مختلف، پیام را به زبان و شیوه‌ای قابل فهم برای آن گروه بیان نمایند. این همان نقطه‌ای است که شخصی‌سازی از رویکردی تبلیغاتی فراتر رفته و به استراتژی‌ای ارزش‌آفرین تبدیل می‌شود؛ استراتژی‌ای که می‌تواند تعاملات انسانی را به سطحی بالاتر از تبادل اطلاعات صرف هدایت کند.

از سویی دیگر، کنفرانس بر این مسئله نیز انگشت گذاشت که مفهوم شخصی‌سازی در روابط عمومی تنها معطوف به فضای دیجیتال نیست؛ بلکه این رویکرد باید در تمامی کانال‌های ارتباطی، اعم از رویدادهای حضوری، تلفن، رسانه‌های سنتی و جلسات رسمی نیز لحاظ شود. به عنوان مثال، در یک رویداد حضوری، می‌توان با توجه به سلاقی و نیازهای مدعوین، برنامه‌های جانبی متفاوتی را تدارک دید یا امکاناتی را فراهم کرد که هر گروه بتواند تجربه‌ای منحصربه‌فرد داشته باشد. این گونه اقدامات، نه تنها به تقویت حس ارزشمندی در افراد کمک می‌کند، بلکه نشان می‌دهد سازمان تا چه حد برای برقراری ارتباط مؤثر، زمان و انرژی صرف کرده است. در فضای آموزشی نیز شخصی‌سازی





بردارد.

جمع‌بندی مباحث کنفرانس نشان داد که آینده روابط عمومی، بی‌تردید در گرو ترکیب هوشمندانه فناوری و انسانیت است؛ شخصی‌سازی به ما می‌آموزد که هر مخاطب، داستان منحصر به فرد خود را دارد و روابط عمومی موفق به روایتی که از آن داستان درک می‌کند، ارج می‌نهد و به شکلی ارزشمند منعکس می‌سازد.

در دنیای امروز، قدرت نرم و توان تأثیرگذاری فرهنگی تا حد زیادی مرهون توانایی ما در برقراری ارتباطی مؤثر، هدفمند و ارزش‌محور است که شخصی‌سازی راه را برای تحقق آن هموار می‌سازد. این مسیر البته خالی از چالش نیست و نیازمند مقابله با مقاومت‌هایی است که در برابر تغییر ساختارهای سنتی شکل می‌گیرد؛ اما روح پیشروی و نوآوری در کنفرانس نشان داد که

می‌تواند به ارائه محتوایی متناسب با سطح مهارت و علاقه دانشجویان منجر شود و در نتیجه، کیفیت یادگیری را به‌طرز قابل‌توجهی افزایش دهد. استفاده از اپلیکیشن‌های تعاملی و پلتفرم‌های آموزش مجازی که بر مبنای هوش مصنوعی کار می‌کنند، به اساتید امکان می‌دهد مسیر یادگیری هر دانشجو را به‌دقت پایش کرده و در صورت نیاز، بازخوردهای شخصی ارائه دهند. این سطح از ارتباط تعاملی در حوزه آموزش، الگویی الهام‌بخش برای روابط عمومی است تا نشان دهد چگونه می‌توان با هر مخاطب، مسیری اختصاصی برای یادگیری و تعامل ترسیم کرد. همچنین، توجه به فرایند بازخوردگیری از مخاطبان در هر مرحله، یکی از روش‌های مؤثر در حفظ پویایی شخصی‌سازی به‌شمار می‌رود؛ زیرا بدون دریافت بازخورد، ممکن است سازمان مدت‌ها در مسیری اشتباه گام



مورد بررسی و توجه قرار داده است و هدف از تألیف این اثر ارائه رویکردی جامع و کاربردی به نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به نگرش جامعه نسبت به استقلال اجتماعی افراد دارای معلولیت است.

مجمع آموزشی نیکوکاری رعد به‌عنوان یکی از پیشگامان حوزه توانمندسازی افراد دارای معلولیت در کشور همواره بر اهمیت نقش رسانه‌ها در ارتقای آگاهی عمومی و اصلاح نگرش‌های جامعه تأکید داشته و با قبول سرمایه‌گذاری برای انتشار این کتاب گام بلندی در راستای تحقق بهبود نگرش جامعه به موضوع معلولیت و فرهنگ صحیح بردارد و منبعی ارزشمند برای پژوهشگران، فعالان حوزه معلولیت و دست‌اندرکاران رسانه‌ها گردآوری نماید.

البته از آنجا که نشر این اثر توسط دکتر مهدی باقریان و مؤسسه انتشاراتی کارگزار روابط عمومی صورت گرفته بود، رونمایی از این کتاب ابتدا در بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی ایران انجام شد و با موافقت مدیرعامل مجمع رعد مقرر است در نشست اختصاصی با حضور جمعی از اصحاب جراید، شخصیت‌های فرهنگی و تأثیرگذاران عرصه رسانه به همراه فعالان حوزه افراد دارای معلولیت و تشکلهای مدنی همسو، این اثر در حال و هوایی کاملاً مرتبط به موضوع به جامعه فرهنگی کشور معرفی شود.

همچنین کتاب‌های راهنمای سفارش‌سازی در روابط عمومی تألیف دکتر مهدی باقریان، کتاب نبض ارتباطات اثر بهمن علی‌بخشی، کتاب تشریفات اینترنتی (آداب اجتماعی استفاده از ابزارهای دیجیتال) تألیف و ترجمه دکتر عادل میرشاهی، ویکتوریا ترک و کتاب شخصی‌سازی در روابط عمومی (استراتژی‌های نوین برای برقراری ارتباط) مجموعه مقالات کنفرانس توسط حسن بشیر و مهدی باقریان، در کنفرانس رونمایی شد.



روابط عمومی آماده این تغییر است. در مجموع، آنچه در این کنفرانس گفته شد و تجربه گردید، ما را متقاعد می‌کند که آینده از آن کسانی است که قدر دانش، فناوری و ارزش‌های انسانی را در کنار هم بدانند و با ادغام هوشمندانه آن‌ها، مسیر جدیدی برای ارتقای ارتباطات بیافرینند؛ مسیری که از شخصی‌سازی آغاز می‌شود اما به بهبود کلیت فرهنگ سازمانی، افزایش حس مسئولیت اجتماعی و گسترش ارتباطاتی با کیفیت‌تر و عمیق‌تر میان سازمان و مردم منتهی خواهد شد.

در قسمتی از این کنفرانس آخرین انتشارات برگزیده حوزه رسانه، با حضور دکتر مهدی باقریان دبیر کل کنفرانس، پروفسور باقر ساروخانی، استاد جامعه‌شناسی ارتباطات ایران و نیز آنت میناسیان، مدیرعامل مجتمع رعد رونمایی شد که کتاب «معلولیت و رسانه» به عنوان یکی از محصولات فرهنگی مبتنی پژوهش که توسط دکتر محمد کمالی استاد برجسته دانشگاه علوم پزشکی ایران و محمدرضا دشتی کارشناس روابط عمومی مجتمع رعد تألیف شده است به حضار معرفی شد. در این کتاب بازنمایی تصویر معلولیت در رسانه‌ها را از زوایای گوناگون

درخشش ورزشکاران مجتمع رعد در مسابقات بوچیا قهرمانی کشور



مسابقات بوچیا قهرمانی کشور در انتهای سال ۱۴۰۳ با حضور پرشور ورزشکاران از سراسر ایران در اردوگاه شهید عظیمی بابلسر برگزار شد. این رویداد مهم ورزشی که به همت فدراسیون جانبازان و توان‌یابان ترتیب داده شد، صحنه رقابت میان ورزشکاران رشته بوچیا بود.

در این دوره از مسابقات، کارآموزان مجتمع رعد به مربی‌گری سمانه خزایی، حضور پررنگ و موفق داشتند و با کسب عناوین مختلف، توجه مسؤولان و دست‌اندرکاران این رشته ورزشی را به خود جلب کردند.

در پایان این دوره از مسابقات، نفرات برتر در کلاس‌های مختلف به شرح زیر معرفی شدند:

در کلاس BC۱، زهرا جوادی مقام اول و مهرشاد نیک‌زادفر، مقام دوم را کسب کردند.

در کلاس BC۲، داود سربالاولوند مقام سوم را کسب کرد و در کلاس BC۳، علی رسولی مقام اول جوانان را از آن خود کرد.

شایان ذکر است که گفته‌شود؛ برگزاری چنین مسابقاتی، نقش مهمی در توسعه ورزش جانبازان و توان‌یابان داشته و انگیزه آنان را برای حضور در عرصه‌های ورزشی ملی و بین‌المللی افزایش می‌دهد. مجتمع رعد بر اساس همین رویکرد، اولین دوره مسابقه بوچیای نیکوکاری رعد در آذرماه سال ۱۴۰۳ را با حضور تیم‌هایی چون؛ مجتمع رعد، آسایشگاه کهریزک، سبحان، شهریار و ۲۲ بهمن در کلاس‌های چهارگانه؛ BC۱ تا BC۴ در بخش بانوان و آقایان طی ۲ روز در سالن جانبازان مجموعه ورزشی مادران و کودکان بعثت برگزار کرد و ورزشکاران شهر تهران در این مسابقات با یک‌دیگر به رقابت پرداختند.



برگزاری دوره مربیگری کورن هول

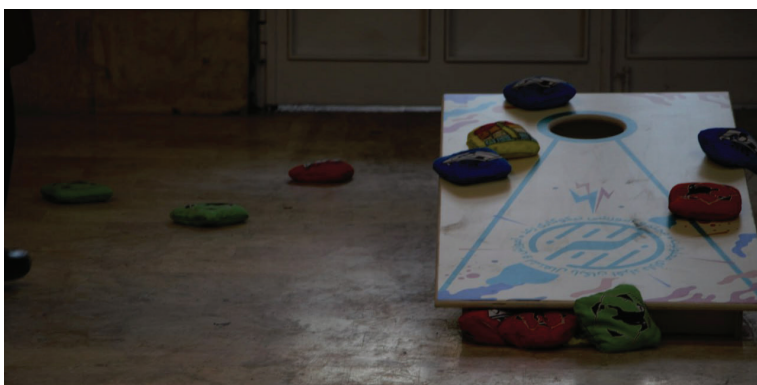


در پی انتصاب ابوالفضل حسنی، به عنوان رئیس کمیته کورن هول استان تهران، وی به فاصله کوتاهی رئیس کمیته افراد دارای معلولیت را منصوب کرد. از اینرو، مهری ذاکری که سال‌هاست در عرصه فعالیت‌های ورزشی با مجتمع رعد همکاری دارد و در رویدادهای ورزشی مانند؛ مسابقات اتومبیل‌رانی و ماراتن، عضو تیم‌های ورزشی بوده‌است را به این سمت منصوب کرد.

مهری ذاکری در روزهای پایانی سال قبل، دوره آشنایی با رشته ورزشی کورن هول را برای کارآموزان رعد برگزار کرد و اولین دوره مربی‌گری استان تهران ویژه افراد دارای معلولیت را به مورد اجرا گذاشت.

در اسفند ماه سال ۱۴۰۳، مجتمع رعد یک دوره فشرده آموزشی این رشته را برای کارآموزان برگزار کرد که با استقبال ورزشکاران و علاقه‌مندان مواجه شد.





به گفته اکبرخانی مسؤول فعاليت‌های ورزشی مجتمع رعد؛ با برگزاری دوره آموزشی و خرید تجهيزاتى چون: تخته و کیسه‌های مربوط به این رشته، تیم ورزشی کورن هول در مجتمع رعد تشکیل شد و اولین دوره مسابقات آن را بزودی برگزار می‌کنیم.

وی افزود: با رایزنی‌های صورت گرفته با کمیته استان تهران، در نظر داریم از میان علاقمندان به این رشته ورزشی، اولین دوره مربی‌گری درجه ۳ این ورزش را برگزار کرده تا زمینه گسترش آن بیشتر فراهم شود.

به گفته او؛ بعد از برگزاری دوره درجه ۳ مربی‌گری رشته کورن هول، احکام نفرات قبول شده در کلاس مربی‌گری، از سوی انجمن کورن هول ایران به ترتیب زیر صادر شد:

سید علی شیرازی
مسعود اتابکی
زهره اسدزاده
مهری ذاکری
مریم مالکی فلاح
اکبرخانی

گفتنی است؛ «کورن هول» (Cornhole) به معنای پرتاب کیسه ذرت است. در این بازی که در آمریکای شمالی رواج دارد، بازیکنان هر تیم به نوبت، کیسه‌های حیوانات پارچه‌ای را از فاصله‌ای ۵ تا ۸ متری به سمت تخته‌ای برجسته و زاویه‌دار چوبی که حفره‌ای در انتها دارد، پرتاب می‌کنند. هدف بازی آن است که پرتاب کننده بتواند با پرتاب کیسه بر روی میز، یک امتیاز و گذر آن از سوراخ، ۳ امتیاز کسب کند.

برگزاری نمایشگاه آثار مونا مزرعی در آلمان

موفقیت هنرمند ایرانی در شهر ویندورف



مرتبط با معلولیت از شهرهای مختلف ایالت بایرن همراه بود، روایتی بصری از تجربیات اقامت مونا مزرعی در آلمان و چالش‌های زندگی دانشجویی وی با ویلچر را به تصویر کشید.

مونا مزرعی که پیش از این، سابقه حضور در نمایشگاه نقاشی پارا آرت ژاپن را در کارنامه فعالیت‌های

در مراسمی ویژه به مناسبت روز جهانی افراد دارای معلولیت، نمایشگاه آثار نقاشی مونا مزرعی، هنرمند توانمند و عضو مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد، در مؤسسه EUTB کشور آلمان افتتاح شد. این نمایشگاه که با استقبال گسترده افراد دارای معلولیت و حضور نمایندگان انجمن‌های

هنری خود داشت، با ۷ اثر هنری که هر یک از آنها داستانی از مهاجرتش را روایت می‌کرد، در این نمایشگاه به نمایش گذاشت.

وی در گفت‌وگویی با خبرنگار روابط عمومی مجتمع رعده گفت: ایده برگزاری این نمایشگاه، زمانی به ذهنم رسید که به طور اتفاقی از مقابل موسسه EUTB عبور می‌کردم، آنجا نقاشی‌های زیبای کودکان را دیدم که برایم بسیار جالب و الهام‌بخش بود. بعد از گفت‌وگو و آشنایی با مسئولان مؤسسه، با دعوت و حمایت فوق‌العاده آنها، این نمایشگاه را به مناسبت روز جهانی افراد دارای معلولیت برپا کردم. نمایشگاه مونا مزرعی با استقبال بی‌نظیر بازدیدکنندگان همراه بود و بسیاری از آنها از قدرت اراده و پشتکار این هنرمند جوان ایرانی شگفت‌زده شدند.

مزرعی که برای خلق این ۷ اثر هنری، بیش از ۲۵۰ ساعت وقت صرف کرده بود در ادامه افزود: بازخوردهای مثبت مخاطبان به من انگیزه مضاعف داد تا به فعالیت‌های هنری خود ادامه دهم. مردم آلمان برای هنر و هنرمند ارزش زیادی قائل هستند و

من معتقدم که آینده روشنی در انتظار هنرمندان است.

شایان ذکر است که یکی از روزنامه‌های آلمان با پوشش خبری این رویداد در گزارش خود نوشت: نمایشگاه نقاشی مونا مزرعی، رویداد مهمی را در تقویم فرهنگی شهر ویندورف به ثبت رساند. این نمایشگاه نه تنها به معرفی یک هنرمند جوان و با استعداد پرداخت، بلکه به افزایش آگاهی جامعه نسبت به چالش‌های زندگی افراد دارای معلولیت کمک شایانی کرد.

آثار مونا مزرعی که با تکنیک‌های مختلف نقاشی خلق شده، نگاهی عمیق به زندگی روزمره یک فرد دارای معلولیت مهاجر را دارد. او با زبانی ساده و صمیمی، چالش‌ها، امیدها و رویاهای خود را به تصویر کشیده است. نمایشگاه نقاشی مونا مزرعی، فراتر از یک نمایشگاه هنری، پیامی امیدبخش برای همه افراد دارای معلولیت دارد. این نمایشگاه نشان داد که با وجود تمام چالش‌ها، می‌توان با اراده و پشتکار به موفقیت رسید. همچنین، اهمیت حمایت جامعه از افراد دارای معلولیت و ایجاد فرصت‌های برابر و تلاش‌های آنها را برجسته‌تر کرد.



International University of Fairies. In this interview, Dr. Bouali Zadeh discusses the establishment, objectives, and vision of this university founded by Dr. Moqaddari.

13. I Am CoDa:



An interview with Maryam Javanmard, an activist in the Deaf and Hard of Hearing community. She, being hearing while having deaf parents, discusses the difficulties she faced as a family interpreter from childhood, to the extent that she has never been able to maintain personal privacy in her life or dream of her aspirations.

14. I Hope to Become a Documentary Filmmaker:



An interview with Mina Nasr, an Afghan poet, reporter, and writer who has lived in Iran for many years with

her family. A mother of five children, two of whom are severely affected by autism, she shares her challenging life journey and aspirations in this interview. Mina is also a participant in the Arghavan Festival.

15. Window:

Azimeh Iranpour

16. The Power of Self-Focus:

Health

18. The Representation of Disability in Cinema:

Book Review

19. What's New at Raad?



Institute of Puyandegan Pahne Parvaz and a member of the faculty of the Global Mobility and Orientation Symposium in Texas. To promote awareness regarding individuals with disabilities, she established the Parvaz Festival in 2015.

7. The Role of Media in Creating Images of Disability:
Article

8. The Impact of Theater on Building Confidence Among Individuals with Disabilities:



An interview with Behnaz Jafari, an actress and theater instructor, regarding her experiences teaching this art form to individuals with disabilities residing in the Kahrizak Township. As a participant in the Arghavan Festival, she states: "Participating in the Arghavan Festival was an opportunity to share my experiences from performing with people with disabilities in Kahrizak."

9. I Aimed to Set an Example to Gain the Trust of Government Institutions Regarding Individuals with Disabilities:



An interview with Maryam Niknejad, a doctoral graduate in Information Technology Management and an official employee at the Ministry of Economic Affairs and Finance, discussing her path to success despite numerous challenges. Dr. Niknejad participated in the

Arghavan Festival, and her documentary received an award as one of the festival's ten best documentaries.

10. We are also the Children of Yesterday, Fatemeh Konehni:
Whisper



11. At Raad, I Learned That One Can Lead a Successful Life Despite Disability:

An interview with Maliheh Khani, an English language instructor at Raad. She began teaching at Raad in 2016 after overcoming her fears related to disability, which she continues to this day.



12. We are the Second University in the World Focused on the Deaf people:



An interview with Dr. Mohammad Amin Bouali Zadeh, Director of Public Relations and Alumni Affairs at the

1. Editorial:

2. In Hopes of the Longevity of the Arghavan Festival:



An interview with Rezvan Sarmad, the director of the Arghavan Festival, regarding the features, objectives, and vision of this festival. The Arghavan Festival, organized by the Iranian Documentarians Association with the support of Ms. Rezvan Sarmad, Ms. Farideh Sarmi, and Ms. Ant Minasyan (CEO of Raad), took place last year and focused on creating seven-minute documentaries using cellphones. The festival consisted of two sections: "Self-portrait" and "From Another Perspective." The "Self-portrait" section featured works by individuals with disabilities, while the "From Another Perspective" section included works addressing disability themes.

3. The Arghavan Festival is a Small Sapling that Can Thrive:

An interview with Faiza Hatami Tehrani, an expert at the Raad Education Office. Hatami Tehrani began her collaboration with the Raad Institute in 2021 and was one of the organizers of the Arghavan Festival last year.

4. I Hope for a More Extensive and Impactful Festival in the Years to Come:



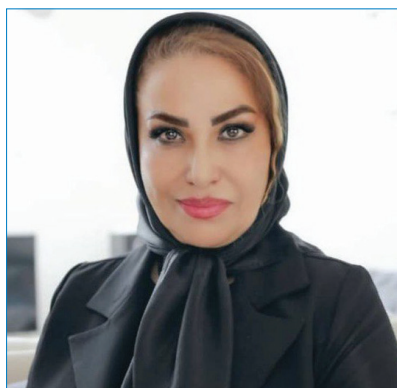
An interview with Farzad Tohidi, a documentary filmmaker and one of the judges of the Arghavan Festival. Invited for judging the Festival by Rezvan Sarmad, the festival director, Mr. Tohidi discusses his criteria for judging, which is rooted in self-expression and an optimistic view of life in this interview.

5. Some Documentaries Were Particularly Remarkable and Significant:



An interview with Dr. Noah Manouri, a sociologist and faculty member of the Faculty of Social Sciences at the University of Tehran, who served as a judge for the Arghavan Festival. He notes that due to his research and studies related to his specialty in the field of disability, he was invited to judge the Arghavan Festival and aimed to evaluate the documentaries from a sociological perspective.

6. The Goal of the Parvaz Festival is Cultural Development in the Area of Disability:



An interview with Dr. Fataneh Amiri, a civil activist, and manager and instructor in various fields related to disability. Holding a Ph.D. in Structured Creativity Engineering, she is the CEO of the Cultural and Artistic

